



گزارش



انديشكده حكمراني شريف
پژوهشكده سياستگذاري
دانشگاه صنعتي شريف
www.gppt.ir

اصلاح نظام انتخاباتي مجلس شوراي اسلامي

ارائه يك پيشنهاده اجراپذير و رو به جلو



مرکز مطالعات پارلمان

زمستان ۱۴۰۱



نوع سند	گزارش
حوزه تخصصی	الگوهای حکمرانی
برنامه	پارلمان
عنوان	نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بهتر است چگونه باشد؟
نگارنده/نگارندگان	محمدامین فخمی جمیل، محمدحسین اعلمی هرندی
ناظر کیفی	مهدی زینالو
مشاور/ مشاوران	
مرورگر/مرورگران	
موعد تحویل	تیر ماه ۱۳۹۸
تاریخ انتشار	تیر ماه ۱۳۹۸
مخاطب(کارفرما)	
مالکیت فکری و حق تالیف	
فرد/موسسه	توضیح حق تالیف و مالکیت فکری
_____	_____
_____	_____

جملات کلیدی

- در حال حاضر راهکاری که بتوان به کمک آن تمامی مشکلات نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی را حل کرد وجود ندارد.
- «نظام انتخاباتی تناسبی در کلان شهرها» می تواند ضمن حفظ معیارهای کلی نظام انتخاباتی مطلوب و ایجاد عدالت انتخاباتی بیشتر، نظام تناسبی را در حوزه های انتخابیه دوکرسی به بالا برقرار نماید.

کلمات کلیدی | مجلس شورای اسلامی، نظام انتخاباتی، قانون اساسی، مدل تناسبی

فهرست مطالب

چکیده.....	۴
خلاصه مدیریتی.....	۶
چیستی مسئله اصلاح نظام انتخاباتی مجلس.....	۸
چالش‌های نظام انتخاباتی مجلس در حوزه‌های بزرگ.....	۹
خدشه به عدالت انتخاباتی.....	۹
کاهش انگیزه مشارکت.....	۱۰
عدم پاسخگویی نمایندگان و احزاب.....	۱۰
ضربه به ثبات مجلس و ایجاد تک‌صدایی.....	۱۰
چالش‌های نظام انتخاباتی مجلس در حوزه‌های کوچک.....	۱۱
اولویت مسائل و منافع حوزه انتخابیه بر مسائل و منافع ملی.....	۱۱
ضرورت و فوریت اصلاح نظام انتخابات.....	۱۱
محدودیت‌های پیش رو.....	۱۲
تطابق با قانون اساسی.....	۱۲
تطابق با سیاست‌های کلی انتخابات.....	۱۲
تأمین منافع و همراهی نمایندگان.....	۱۳
ملاحظات نهادهای مجری و ناظر بر انتخابات.....	۱۳
تاریخچه اصلاحات نظام انتخابات مجلس.....	۱۳
مفاهیم نظری.....	۱۵
ماهیت نظام‌های انتخاباتی و مسئله تغییر آن‌ها.....	۱۵
نظام انتخاباتی و سایر اجزای ساختار سیاسی.....	۱۶
اجزای نظام‌های انتخاباتی و انواع آن‌ها.....	۱۷
نظام‌های انتخاباتی اکثریتی.....	۱۷
نظام‌های انتخاباتی تناسبی.....	۲۱
نظام‌های انتخاباتی ترکیبی.....	۲۹

۳۵	سایر نظام‌های انتخاباتی
۳۷	نظام انتخاباتی مجالس کشورهای منطقه
۳۸	نظام‌های انتخاباتی در قیاس با یک‌دیگر
۳۹	عدالت انتخاباتی
۴۰	اندازه و تکرار احزاب و جریان‌های سیاسی و ترکیب نمایندگان مجلس
۴۱	شکل‌گیری و پاسخگویی احزاب سیاسی
۴۲	ارتباط نمایندگان با احزاب و جریان‌های سیاسی و مردم
۴۳	مشارکت در انتخابات
۴۴	اقلیت‌ها و تنش‌های قومی و نژادی و شکاف‌های اجتماعی
۴۷	بررسی راهکارها و تجویز سیاستی
۴۷	نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی: ویژگی‌ها و ملاحظات
۴۸	انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی و کوچک
۵۰	انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخاباتی بزرگ و کلان‌شهرها
۵۲	معیارهای بررسی راهکارهای مختلف
۵۲	عدالت انتخاباتی
۵۲	مشارکت در انتخابات
۵۳	پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی
۵۳	ثبات و جلوگیری از تک‌صدایی
۵۳	ایجاد تعادل میان نگاه ملی و محلی
۵۳	مسائل امنیتی مرتبط با اختلافات قومیتی
۵۳	تحزب و هماهنگی تشکیلاتی نمایندگان
۵۴	عدم افزایش هزینه‌های عمومی
۵۴	محدودیت‌های نظام انتخاباتی جایگزین
۵۴	عدم گسترش اندازه حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی
۵۴	حفظ بخش غالب نظام انتخابات به صورت اکثریتی
۵۵	عدم پیچیدگی نظام انتخابات، برای مردم، مجریان و ناظران

- ۵۵ حفظ تعداد کرسی‌ها در چارچوب فعلی قانون اساسی
- ۵۵ مروری بر راهکارهای روبه‌جلو اما اجراناپذیر
- ۵۵ رأی ترجیحی برای حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی
- ۵۶ افزایش نصاب انتخابات
- ۵۷ بازطراحی حوزه‌های انتخابیه
- ۵۷ نظام انتخاباتی ترکیبی
- ۵۸ رأی واحد غیر قابل انتقال (SNTV)
- ۵۹ بررسی راهکارهای در دستور کار
- ۶۰ استانی-شهرستانی اکثریتی
- ۶۲ حوزه‌های تک‌کرسی اکثریتی
- ۶۴ تناسبی برای کلان‌شهرها
- ۶۵ تجویز نهایی
- ۶۷ جزئیات راهکار پیشنهادی: نظام تناسبی برای کلان‌شهرها
- ۶۷ حوزه‌های انتخابیه
- ۶۷ شیوه ثبت نام و تأیید صلاحیت داوطلبان
- ۶۸ طراحی برگه‌های رأی و شیوه مشارکت رأی‌دهندگان
- ۶۸ فرمول مورد استفاده
- ۶۹ نصاب انتخابات
- ۷۰ داوطلبان مستقل
- ۷۰ شبیه‌سازی انتخابات با مدل تناسبی
- ۷۴ منابع

فهرست اشکال

- شکل ۱: چالش‌های نظام انتخابات فعلی مجلس شورای اسلامی ۹
- شکل ۲: دسته‌بندی نظام‌های انتخاباتی ۱۷
- شکل ۳: خانواده نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در دنیا ۱۸
- شکل ۴: نظام‌های اکثریتی مورد استفاده در دنیا ۱۹
- شکل ۵: یک نمونه برگه رأی فرضی برای انتخابات ترجیحی ۲۰
- شکل ۶: نظام انتخابات تناسبی ۲۱
- شکل ۷: نظام‌های تناسبی مورد استفاده در دنیا ۲۲
- شکل ۸: برگه رأی انتخابات تناسبی با فهرست بسته در انتخابات ۱۹۹۴ آفریقای جنوبی ۲۶
- ۹ برگه رأی انتخابات تناسبی با فهرست آزاد برای یک حوزه انتخابیه در انتخابات ۲۰۱۳ مجلس هندوراس ۲۷
- شکل ۱۰: نظام‌های ترکیبی مورد استفاده در دنیا ۲۹
- شکل ۱۱: برگه رأی انتخابات ترکیبی موازی در انتخابات ۱۹۹۷ مجلس آلبانی ۳۰
- شکل ۱۲: نمونه برگه رأی تهیه‌شده توسط کمیسیون انتخاباتی نیوزیلند برای انتخابات ترکیبی وابسته ۳۴

فهرست جداول

- جدول ۱: نظام ترجیحی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۰ ایرلند ۲۰
- جدول ۲: نمونه‌ای از روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Hare ۲۳
- جدول ۳: نمونه‌ای از روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Sainte-Lague ۲۳
- جدول ۴: نظام انتخابات تناسبی در انتخابات عمومی ۱۹۹۴ آفریقای جنوبی ۲۵
- ۵ نظام انتخابات تناسبی با نصاب بالا در انتخابات ۲۰۰۲ عمومی ترکیه ۲۷
- جدول ۶: نظام انتخابات ترکیبی موازی در انتخابات ۲۰۲۱ مجلس دومای روسیه ۳۱
- جدول ۷: نظام انتخابات ترکیبی وابسته در انتخابات ۱۹۹۶ عمومی نیوزیلند ۳۲
- جدول ۸: مقایسه نظام‌های انتخاباتی SNTV، MNTV و حداکثری چند کرسی در یک مثال ۳۶
- جدول ۹: میانگین مشارکت در نظام‌های انتخاباتی مختلف ۴۴
- جدول ۱۰: مقایسه اجمالی راهکارهای در دستور کار ۵۹

چکیده

اصلاح قانون انتخابات مجلس، و مشخصا اصلاح نظام انتخابات آن مسئله‌ای است که با وجود اهمیت قابل توجه آن، مطرح بودن آن از دیرباز، و تلاش برای حل آن در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، تا کنون حل نشده و کماکان در دستور کار سیاست‌مداران مختلف، به خصوص خود نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار دارد. این نکات این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که این مسئله چه ویژگی‌هایی داشته است که تلاش طولانی مدت برای حل آن چنین به درازا کشیده است؟

شاید یکی از پاسخ‌های این سؤال در تبعات گسترده و گوناگون نظام انتخابات مجلس، به معنی شیوه تبدیل آراء مردم به فهرستی از نمایندگان برگزیده، و تأثیر جدی آن بر نمایندگان مجلس است. هر نظام انتخاباتی برای مجلس شورای اسلامی، می‌تواند نقشی به کلی متفاوت برای نمایندگان مجلس در جامعه ترسیم کرده، روابط آن‌ها با مردم و احزاب را دگرگون کرده و الگوهای رفتاری منحصربه‌فردی را، چه در دوره انتخابات و چه در بازه زمانی نمایندگی شکل دهد.

هم‌چنین، نظام انتخابات مجلس به عنوان جزئی از ساختار سیاسی کشور در کنار اجزاء دیگری نظیر شیوه ارتباط مجلس و دولت، جایگاه دولت و رئیس‌جمهور، شیوه و میزان تمرکززدایی تا عواملی نظیر قرار داشته و با عوامل متعدد دیگری نظیر فرهنگ سیاسی جامعه نیز مرتبط است. لذا به هنگام تصمیم‌گیری درباره نظام انتخاباتی مجلس، بایستی به مجموعه متعددی از عوامل این‌چنینی نیز توجه داشت که اتخاذ تصمیم نهایی را دشوار می‌سازد.

با در نظر داشتن این نکات، و در شرایطی که مجلس شورای اسلامی با چالش‌های فزاینده و تشدیدشونده‌ای مواجه است که ریشه برخی از آن‌ها به نظام انتخاباتی آن باز می‌گردد، این که چه نظام انتخاباتی می‌تواند کدام یک از چالش‌های موجود را سامان داده، تبعات غیرمنتظره یا نامطلوبی نداشته و با دیگر اجزای ساختار سیاسی و عوامل متعدد مرتبط با خود نیز سازگار باشد، سؤالی است که پاسخ دادن به آن ظرافت قابل توجهی می‌طلبد. عمده پاسخ‌های داده‌شده به این سؤال در دوره‌های قبلی از این ظرافت برخوردار نبوده و تلاش کرده‌اند تا بدون در نظر گرفتن عوامل مختلف مرتبط با نظام انتخابات مجلس، به مجموعه بلندپروازانه‌ای از اهداف دست یابند و در نتیجه شکست خورده‌اند.

در این گزارش بر آن هستیم تا ابتدا با ترسیم دقیق چالش‌ها و مشکلات پیش روی نظام انتخابات فعلی، شناخت دقیقی از مسئله موجود، لزوم مواجهه با آن و محدودیت‌های پیش رو برای حل آن به دست آوریم. سپس به شکافتن دقیق‌تر مفهوم نظام انتخاباتی و ارتباط آن با سایر اجزای نظام سیاسی پرداخته و انواع نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در دنیا را تشریح کرده و بر اساس ملاک‌های مختلف با یک‌دیگر مقایسه می‌کنیم. در نهایت تلاش خواهیم کرد تا با در نظر داشتن مسئله تشریح‌شده در بخش اول، و مفاهیم مطرح‌شده در بخش دوم، با مروری دوباره بر وضعیت موجود نظام انتخابات مجلس در ایران، راهکارهای مختلف را با مجموعه‌ای از معیارها مقایسه کرده و در نهایت یک پیشنهاد سیاستی روبه‌جلو و اجراپذیر ارائه کنیم.

خلاصه مدیریتی

در حال حاضر مجلس شورای اسلامی با چالش‌های متعددی مواجه است که می‌توان ریشه برخی از آن‌ها را در قانون انتخابات، و مشخصاً «نظام انتخابات» مجلس جست‌وجو کرد. منظور از نظام انتخابات، شیوه اخذ آراء آحاد ملت و انتخاب نمایندگان بر اساس آن است، به عنوان مثال اندازه حوزه انتخابیه (نظام‌های شهرستانی یا استانی) و شیوه رقابت (نظام‌های اکثریتی یا تناسبی).

ریشه اهمیت نظام انتخابات در شکل‌دهی به انگیزه اصلی نمایندگان مجلس، یعنی برنده شدن در انتخابات یا باقی ماندن در جایگاه نمایندگی، و چگونگی دست یافتن به آن است. هر شخصی که بخواهد نماینده مجلس شده یا در این جایگاه باقی بماند، بایستی از طریق قواعد نظام انتخابات رضایت مردم را جلب کند و متناسب با آن بهترین راه را برای برنده شدن در انتخابات برگزیند. لذا می‌توان گفت نظام انتخابات به نوعی «زمین بازی نمایندگان مجلس» است.

نظام انتخابات فعلی مجلس در صورت عدم اصلاح می‌تواند موجب تشدید بحران‌هایی نظیر کاهش مشارکت، عدم پاسخگویی نمایندگان و مشروعیت‌زدایی از مجلس باشد. هر چند نظام انتخابات مجلس به تنهایی عامل تمامی چالش‌های پیش روی مجلس نبوده و با اصلاح آن نمی‌توان همه مشکلات را حل کرد، اما اصلاح آن می‌تواند اثر چشم‌گیری بر برخی از مشکلات گذاشته و راه را برای حل سایر آن‌ها باز کند.

امروزه در دنیا از نظام‌های انتخاباتی مختلفی استفاده می‌شود که لازمه استفاده از هر یک از آن‌ها تطابق با سایر اجزای ساختار سیاسی، چارچوب‌های قانونی موجود و همراهی ذی‌نفعان مختلف است. نظام انتخابات مجلس خود یکی از اجزای ساختار سیاسی کشور است که بایستی با دیگر اجزا نظیر نوع نظام سیاسی (پارلمانی یا ریاستی)، تک‌مجلسی یا دو‌مجلسی بودن، میزان و شیوه تمرکززدایی همخوانی داشته و با محدودیت‌های قانونی موجود، مشخصاً قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات سازگار باشد و بتواند نظر تعداد کافی از نمایندگان را برای تصویب و ناظران و مجریان انتخابات را برای همراهی جلب کند.

نظام انتخابات فعلی در حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی منجر به ایجاد ارتباطی نزدیک بین مردم و نماینده و جایگاه کلیدی نماینده در پیگیری امور محلی و اجرایی شده است. ریشه این موضوع تمرکز شدید نظام اداری در کشور و جایگاه ضعیف مقامات محلی نظیر شهرداران، ضعف حزب و برخی مناسبات فرهنگی-اجتماعی است. ورود عمده نمایندگان به مجلس از چنین بستری، خود را در چالش غلبه نگاه محلی بر نگاه محلی و توانایی پیگیری مسائل اجرایی بر توانایی قانون‌گذاری نشان می‌دهد.

در نقطه مقابل در کلان‌شهرها و حوزه‌های چندکرسی، به جای چالش غلبه نگاه محلی، معایب جدی نظیر کاهش مشارکت، خدشه به عدالت انتخاباتی، کاهش پاسخگویی و ثبات مجلس وجود دارد. با گسترش اندازه حوزه انتخابیه و نگاه سیاسی‌تر مردم به انتخابات، ارتباط شخصی مردم با نمایندگان کمتر شده

و در مقابل نگاه و توانایی‌های ملی آنان تقویت می‌شود. اما در این حوزه‌ها نظام فعلی به دلیل تقویت بیش از حد احتمال کسب همه کرسی‌ها توسط جریان سیاسی قدرتمندتر (نتایج مکرر ۳۰-۰ و ۲۹-۱ در تهران) منجر به کاهش انگیزه شرکت در انتخابات برای دیگر جریان‌های سیاسی، خدشه به عدالت انتخاباتی به دلیل عدم نمایندگی همه مردم توسط جریان برنده، کاهش پاسخگویی مجلس به دلیل اطمینان جریان برنده از پیروزی مطلق و در نهایت ضربه به ثبات مجلس به دلیل دست‌به‌دست شدن مداوم کرسی‌های نمایندگی کلان‌شهرها، ایجاد تک‌صدایی در مجلس و خدشه به فرایند انباشت تجربه در مجلس می‌شود.

هرگونه تلاش برای کاهش نقش محلی نمایندگان با گسترش اندازه حوزه انتخابیه (در مدل‌های استانی) یا کاهش تأثیر رأی محلی مردم (در مدل‌های استانی-شهرستانی) منجر به نارضایتی شدید اجتماعی، کاهش مشارکت و معضلات امنیتی خواهد شد (به دلیل نقش غیرقابل جایگزین نمایندگان در پیگیری امور اجرایی و محلی). مگر این که با تمرکززدایی و افزایش اختیارات محلی استانداران و شهرداران برای پر کردن خلاء نقش نمایندگان همراه باشد که خود مسئله پیچیده‌ایست که حل آن در پنجره فرصت کوتاه باقی‌مانده برای اصلاح قانون انتخابات غیرممکن است.

می‌توان با استفاده از نظام‌های ترکیبی به معضل غلبه نگاه محلی در کنار سایر چالش‌ها رسیدگی کرد، اما استفاده از چنین نظام‌هایی با محدودیت‌های متعددی مواجه بوده و اجراپذیر نیست. خر چند استفاده از نظام‌های اکثریتی و تناسبی در کنار یک‌دیگر در یک نظام ترکیبی می‌تواند پاسخگوی همه چالش‌های فعلی باشد، اما نیازمند بازطراحی حوزه‌های انتخابیه، حرکت به سمت سطح بیشتری از تحزب و پذیرش پیچیدگی بیشتری در انتخابات است که هر یک با مقاومت‌های جدی مواجه خواهد شد.

به عنوان یکی از دو راهکار موجود، نظام «تناسبی» در کلان‌شهرها بخشی از مشکلات موجود را حل خواهد کرد. در نظام تناسبی کرسی‌ها به جای داوطلبان به فهرست‌ها، و سپس به داوطلبان هر فهرست به تعداد کرسی‌های فهرست و به ترتیب رأی فردی داوطلبان اختصاص خواهد یافت. پیاده‌سازی این مدل نیاز به تغییر اجرایی خاصی در فرایند برگزاری انتخابات و شیوه رأی‌دهی مردم نداشته و به دلیل عدم درگیر شدن نمایندگان حائز نگاه‌های محلی با مقاومت خاصی مواجه نمی‌شود. تنها لازمه برگزاری انتخابات به صورت تناسبی ثبت رسمی فهرست‌ها پس از ثبت نام و تأیید صلاحیت داوطلبان و پیش از برگزاری انتخابات است.

نظام تناسبی در کلان‌شهرها با چارچوب‌های قانونی موجود سازگار بوده، با هیچ ملاکی ایراد جدی نداشته، مشارکت در انتخابات را افزایش داده و ثبات و پاسخگویی مجلس را بهبود می‌بخشد. در این نظام، فهرست‌های مختلف به تناسب آراء خود کرسی به دست آورده و از هر فهرست برجسته‌ترین نمایندگان راهی مجلس خواهند شد. با کاهش احتمال حذف کامل جریان‌های مختلف حامیان آن‌ها انگیزه بیشتری برای مشارکت خواهند داشت. با ایجاد رقابت بر سر هر کرسی پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی افزایش به مردم افزایش یافته و با تثبیت حضور جریان‌های مختلف ثبات مجلس افزایش خواهد یافت.

با در نظر داشتن شرایط موجود، نمی‌توان از هیچ نظام انتخاباتی انتظار حل همه مشکلات را داشت.

چستی مسئله اصلاح نظام انتخاباتی مجلس

مسئله اصلاح نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی (و به صورت کلی تر اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی) موضوعی جدید نیست و از دیرباز در دستور کار دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی قرار داشته، اما تا کنون به تغییر قابل توجه و جدی نینجامیده است. برای پاسخ به سؤال چرایی عدم تغییر این رکن کلیدی مجلس و به تبع آن نظام سیاسی کشور، در عین وجود اراده سیاستمداران و احساس نیاز به این تغییر، ابتدا بایستی به اختصار به مفهوم نظام انتخابات پرداخته، و سپس چالش‌ها و مسائلی که احساس نیاز به تغییر نظام انتخابات مجلس را شکل داده است مرور کنیم.

منظور از نظام انتخابات^۱، مجموعه‌ای از قوانین و ساختارهاست که مشخص می‌کند آراء در انتخابات چگونه اخذ شده و چطور کرسی‌ها بر حسب آراء به برندگان انتخابات تخصیص یابد. (Gallagher, 2017) یا به صورت کلی تر، نقش نظام انتخاباتی اخذ ترجیحات و نظرات مردم و تبدیل آن به نتیجه انتخابات است. (Horowitz, 2003) لذا بایستی توجه کرد زمانی که از نظام انتخاباتی صحبت می‌کنیم، نه درباره بسیاری از ابعاد انتخابات نظیر فرایند اجرایی، قوانین ناظر به تبلیغات و شرایط ثبت نام داوطلبان، که راجع به ابعاد مرتبط با تعاریف ذکر شده نظیر طراحی برگه‌های رأی، شیوه شمارش آراء و طراحی حوزه‌های انتخابیه صحبت می‌کنیم. در بخش بعدی مفصل تر به مفهوم نظام انتخابات پرداخته و ابعاد مختلف آن را شرح می‌دهیم.

اما در حال حاضر چه چالش‌هایی مرتبط با نظام انتخاباتی فعلی مجلس شورای اسلامی وجود دارد که سال‌هاست موجب احساس نیاز به اصلاح آن شده است؟ نظام انتخاباتی مجلس در ایران ماهیتی دوگانه و ترکیبی^۲ دارد، به نحوی که گویا انتخابات مجلس از یک‌سو در کلان‌شهرها و حوزه‌های انتخابیه بزرگ به یک شکل و با ویژگی‌های خاص خود، و در شهرستان‌های کوچک و روستاها به شکلی دیگر با ویژگی‌هایی متفاوت برگزار می‌شود.^۳ در ادامه این گزارش به دسته اول که شامل کلان‌شهرها و حوزه‌های انتخابیه با تعداد کرسی زیاد (عمدتاً سه کرسی و بیشتر) می‌شود به «حوزه‌های بزرگ» و از دیگر حوزه‌ها که شامل حوزه‌های انتخابیه با تعداد کرسی کم (عمدتاً دو کرسی و کمتر) می‌شود به «حوزه‌های کوچک» یاد می‌کنیم. چالش‌های برخاسته از نظام انتخاباتی فعلی مجلس شورای اسلامی در این دو دسته در ادامه تشریح شده است.

^۱ Electoral System

^۲ Hybrid – در ادامه گزارش به شرح دقیق‌تر این توصیف می‌پردازیم

^۳ چرایی این موضوع و جزئیات تفاوت این دو دسته از حوزه‌های انتخابیه در بخش بعدی به تفصیل شرح داده خواهد شد.

چالش‌های حوزه‌های انتخابیه کوچک	خداشه به عدالت انتخاباتی (نادیده گرفته شدن حجم زیادی از آراء محذوف)
	کاهش انگیزه مشارکت (احتمال بالای برد قاطع یک فهرست)
	کاهش کارآمدی نمایندگان (اطمینان از برد قاطع، کاهش رقابت و ورود افراد کم‌نام و نشان به فهرست)
	ضربه به ثبات مجلس (جابجایی تقریباً کامل نمایندگان و حذف افراد شاخص)
چالش‌های حوزه‌های انتخابیه بزرگ	اولویت مسائل و منافع حوزه انتخابیه بر مسائل و منافع ملی
	هزینه‌های بالای انتخابات

شکل ۱: چالش‌های نظام انتخابات فعلی مجلس شورای اسلامی

چالش‌های نظام انتخاباتی مجلس در حوزه‌های بزرگ

خداشه به عدالت انتخاباتی

در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و با تعداد کرسی بالا، در اغلب موارد با وجود تکثر سلايق در میان رأی‌دهندگان و حضور جریان‌های مختلف سیاسی در انتخابات، همه یا اکثریت غالب کرسی‌ها به یک جریان (مشخصاً جریان اصولگرا یا اصلاح‌طلب به معنی عام) اختصاص می‌یابد. در واقع به شکل دقیق‌تر، بخش قابل توجهی از مردم با وجود شرکت در انتخابات و انداختن آراء خود در صندوق رأی سهمی در خروجی انتخابات نداشته و نمایندگان برگزیده در انتخابات در واقع آن‌ها را نمایندگی نمی‌کنند. در ادبیات تخصصی به این آراء، که هیچ بازتابی در نتیجه انتخابات ندارند آراء محذوف یا آراء سوخته^۴ نیز می‌گویند.

به عنوان مثال، در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تهران، با وجود اختصاص حدود ۳۶ درصد از کل آراء حوزه انتخابیه به داوطلبان فهرست اصولگرایان، هیچ کرسی به این دسته از داوطلبان اختصاص پیدا نکرد و همه ۳۰ کرسی حوزه انتخابیه به داوطلبان فهرست امید که حدود ۵۸ درصد از کل آراء حوزه انتخابیه را کسب کرده بودند اختصاص یافت. این موضوع در نتایج پرتکرار ۳۰-۰ یا ۲۹-۱ دوره‌های مختلف انتخابات مجلس در حوزه انتخابیه تهران بازتاب دارد.

در نظام انتخاباتی فعلی، در کلان‌شهرهایی نظیر قم یا مشهد که یکی از جریان‌های سیاسی در اکثریت است، احتمال کسب حتی یک کرسی توسط دیگر جریان‌ها بسیار پایین است. هم‌چنین در این حوزه‌ها در صورت عدم حمایت مردم از جریان‌های بزرگ و اصلی فعلی، کسب کرسی توسط هر جریان سیاسی کوچک یا

^۴ wasted votes

نوظهوری غیر از دو جریان سیاسی اصلی تقریباً غیرممکن است، زیرا لازمه این کار رقابت رأی فردی یکی از داوطلبان جریان مد نظر با آراء فردی داوطلبان فهرست‌های جریان‌های اصلی است که با توجه به رأی‌دهی مبتنی بر فهرست در این حوزه‌های انتخابیه برای یک جریان سیاسی کوچک‌تر بسیار دشوار است.

کاهش انگیزه مشارکت

همان‌طور که در بخش قبلی نیز به آن اشاره کردیم، در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و علی‌الخصوص کلان‌شهرها، انتخابات در بسیاری از موارد حالت «همه یا هیچ» دارد؛ به این معنی که یک فهرست انتخاباتی یا همه کرسی‌ها را تصاحب کرده یا هیچ کرسی تصاحب نمی‌کند.

در چنین شرایطی، زمانی که یک جریان سیاسی به دلایل مختلفی نظیر عملکرد نامطلوب دولت همسو یا منابع محدودتر نسبت به دو جریان اصلی شانس کمتری برای پیروزی در انتخابات داشته باشد، هواداران این جریان نیز انگیزه‌ای برای مشارکت در انتخابات نداشته و حتی ممکن است خود جریان سیاسی نیز انگیزه خاصی برای مشارکت در انتخابات نداشته و به جای بازی کردن در زمین تعبیه‌شده انتخابات مجلس نسبت به تأمین قدرت و جایگاه خود از مسیرهای دیگری اقدام کند.

عدم پاسخگویی نمایندگان و احزاب

در شرایطی که انتخابات در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و کلان‌شهرها ماهیت همه یا هیچ پیدا کند، از یک سو دو جریان سیاسی اصلی کشور فشار رقابتی از جانب دیگر جریان‌های سیاسی حس کرده و مهم‌تر از آن این که به دلیل اطمینان از پیروز شدن همه افراد فهرست در صورت پیروزی لیست، داوطلبانی در فهرست‌های جریان‌های اصلی حضور پیدا می‌کنند که صرفاً با اتکا به آراء فهرست خود وارد مجلس شده و انگیزه قابل توجهی برای فعالیت در جایگاه نمایندگی ندارند.

این دسته از نمایندگان که بسیاری از مردم حتی نام آن‌ها را به عنوان نماینده خود به یاد نمی‌آورند، نه انگیزه خاصی برای فعالیت انتخاباتی و جلب نظر رأی‌دهندگان داشته و نه پس از آن انگیزه خاصی برای پاسخگویی به مردم دارند. بلکه با انگیزه‌های دیگری و ناظر به اطمینان نسبی جریان سیاسی حامی از وارد شدن همه اعضای فهرست به مجلس در آن گنجانده شده‌اند و موجب کاهش چشم‌گیر کارآمدی نمایندگان مجلس می‌شوند.

ضربه به ثبات مجلس و ایجاد تک‌صدایی

با در نظر داشتن ماهیت همه یا هیچ انتخابات در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و کلان‌شهرها، امکان این موضوع که ترکیب مجلس شورای اسلامی به جای دربرداشتن نمایندگانی از جریان‌های مختلف سیاسی که صدای سلاقی مختلف موجود در جامعه بوده و بتوانند به صورت واقعی جامعه را نمایندگانی کنند، شامل اکثریت قاطعی از یک جریان سیاسی بوده افزایش می‌یابد.

بسیاری از دوره‌های مجلس شورای اسلامی دچار این چالش بوده که در حالت‌های افراطی خود، به اتفاقاتی نظیر تصویب قوانین جنجالی بدون در نظر گرفتن ملاحظات بخش قابل توجهی از جامعه، ایجاد بحران‌های سیاسی و اصطکاک‌های شدید میان قوا یا ناکارآمدی مجلس برای نظارت بر سایر قوا و در نهایت خدشه‌دار شدن جایگاه مجلس نزد عموم مردم و فشار به سایر بازیگران و قوا برای کاهش نقش مجلس می‌شود.

چالش‌های نظام انتخاباتی مجلس در حوزه‌های کوچک

اولویت مسائل و منافع حوزه انتخابیه بر مسائل و منافع ملی

مجموعه‌ای از عوامل مختلف در کنار نظام انتخابات فعلی، منجر به انتخاب نمایندگانی از حوزه‌های انتخابیه عمدتاً تک‌کرسی و کوچک می‌شود که اولویت، خواسته و توانایی‌های آن‌ها به طرز شدیدی در راستای پیگیری موضوعات محلی بوده و اراده و توانایی خاصی ناظر به حل مسائل و تأمین منافع ملی ندارند.

مادامی که دولت به شکل متمرکز اداره شده، مردمی که در سطح محلی هیچ مرجعی برای پیگیری امور جاری خود از قوه مجریه نداشته به سراغ تنها فرد مسئولی که با رأی مستقیم آن‌ها انتخاب شده و در نتیجه به آن‌ها پاسخگوست، و همچنین به دلیل اختیارات نمایندگی اهرم فشار قابل توجهی در برابر دولت دارد خواهند رفت و پیگیری امور محلی خود را از او مطالبه خواهند کرد. در این جا بعضاً احزاب می‌توانند میان انگیزه‌ها و منافع ملی و محلی نمایندگان تعادل ایجاد کنند که در خلاء احزاب اثرگذار، این تعادل نیز به هم خورده و ناگزیر انگیزه اصلی بخشی از نمایندگان ملت و مطالبه به حق مردم از آن‌ها پیگیری امور و منافع محلی آن‌هاست.

در چنین شرایطی برگزاری انتخابات در حوزه‌های انتخابیه کوچک در کنار تمرکز دولت و ضعف مقامات محلی، و همچنین ضعف احزاب سازمان‌یافته منجر به برقراری ارتباط نزدیکی میان نمایندگان حوزه‌های کوچک شده که هدف اصلی آن برآورده‌سازی مستقیم نیازهای محلی و رفع و رجوع امور اجرایی مردم حوزه انتخابیه توسط نماینده با ابزارهایی نظیر دخالت در امور اجرایی، اعمال نفوذ در انتصاب‌ها و تحت فشار گذاشتن دولت برای تأمین منافع محلی حوزه انتخابیه است.

با توجه به غلبه شدید خواسته‌های مردم در این حوزه‌های انتخابیه از نمایندگان، داوطلبانی در انتخابات در این حوزه‌ها پیروز می‌شوند و در جایگاه نمایندگی باقی می‌مانند که اولویت اول خود را به صورت مطلق به پیگیری امور محلی حوزه انتخابیه اختصاص داده و توانایی‌های لازم برای این کار را داشته باشند. در چنین شرایطی در صورتی که نمایندگان این حوزه‌ها فرصتی برای پیگیری امور ملی نیز داشته باشند، به این دلیل که با هدف تأمین نیازهای محلی مردم حوزه انتخابیه راهی مجلس شده‌اند بسیار محتمل است که دانش و توانایی خاصی برای پرداختن به مسائل ملی نداشته باشند.

ضرورت و فوریت اصلاح نظام انتخابات

در حاضر مجلس شورای اسلامی با چالش‌های مختلفی مواجه است که برخی از آن‌ها با ویژگی‌های شرح داده شده نظام انتخابات در بخش قبلی مرتبط بوده و به حالت بحرانی رسیده‌اند.

به عنوان مثال، انتخابات دوره یازدهم مجلس در سال ۱۳۹۸ شاهد افت قابل توجه مشارکت علی‌الخصوص در شهرهای بزرگ بود که هر چند می‌توان بخشی از آن را به نارضایتی کلی جامعه از کارآمدی کشور نسبت داد، اما حتی با در نظر داشتن این پارامتر نیز تداوم محتمل شرایط نامطلوب اقتصادی در کنار عدم دوره یکدست مجلس فعلی می‌تواند مشارکت در دوره بعدی انتخابات را به سطح بحرانی برساند.

هم‌چنین عدم مشارکت در انتخابات، در کنار تداوم ناکارآمدی نمایندگان می‌تواند به اعتبار مجلس چه نزد مردم و چه نزد دیگر نهادهای نظام سیاسی که از مجلس انتظار ایفای نقش قانون‌گذاری و تأمین منافع ملی را داشته ضربه بزند و با ایجاد نهادهای جدید و یا قدرت بخشیدن به نهادهای با توان قانون‌گذاری نظیر شوراهای عالی جایگاه مجلس را در نظام سیاسی بیش از پیش به حاشیه ببرد.

محدودیت‌های پیش رو

در حال حاضر محدودیت‌های مختلفی پیش روی اصلاح نظام انتخابات مجلس وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

تطابق با قانون اساسی

یکی از شرایط لازم برای تبدیل شدن هر طرح یا لایحه‌ای توسط مجلس شورای اسلامی به قانون سنجیدن تطابق با مواد مختلف آن با قانون اساسی توسط شورای نگهبان است. با نگاهی به ایرادات وارد به طرح‌های گذشته تصویب‌شده توسط مجلس در ارتباط با قانون انتخابات، سه ملاک زیر از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بایستی در هر طرح اصلاحی منظور شوند:

- عدم کاهش مشارکت در انتخابات (مطابق با بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی)
- عدم ایجاد مشکلات امنیتی و قومیتی (مطابق با بند ۱۵ اصل ۳ قانون اساسی)
- عدم افزایش هزینه‌های دولت (اصل ۷۵ قانون اساسی)

تطابق با سیاست‌های کلی انتخابات

یکی دیگر از الزامات تبدیل مصوبات مجلس به قانون تطابق با سیاست‌های کلی مرتبط با قانون تصویب شده است که درباره اصلاح قانون انتخابات، سیاست‌های کلی انتخابات مطرح است. مجدداً با مطالعه بررسی مصوبات گذشته مجلس توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام ملاک‌های زیر مواردی است که بایستی در هر طرح اصلاحی در نظر گرفته شوند:

- رعایت عدالت انتخاباتی (ماده ۱ سیاست‌های کلی انتخابات)
- عدم کاهش شناخت مردم از نامزدها (ماده ۱ سیاست‌های کلی انتخابات)
- عدم کاهش مشارکت در انتخابات (ماده ۸ سیاست‌های کلی انتخابات)

- عدم ایجاد مشکلات امنیتی و قومیتی (ماده ۹ سیاست‌های کلی انتخابات)

تأمین منافع و همراهی نمایندگان

با توجه به این که هر طرحی برای اصلاح نظام انتخابات مجلس بایستی در قالب تغییر قانون انتخابات توسط مجلس تصویب شود. لازمه‌ی این موضوع ایجاد همراهی نمایندگان مجلس و تأمین منافع گروه‌های مختلف آن‌ها تا حد لازم برای تصویب این طرح است. در حال حاضر می‌توان به صورت کلان نمایندگان مجلس را به دو دسته نمایندگان حوزه‌های انتخابیه کوچک و نمایندگان حوزه‌های انتخابیه بزرگ تقسیم کرد، هر چند در ادامه بایستی هر طرح را متناسب با گروه‌های مختلفی که هدف قرار می‌دهد بررسی کرد.

ملاحظات نهادهای مجری و ناظر بر انتخابات

در نظر داشتن ملاحظات دولت و شورای نگهبان به عنوان نهادهای مجری و ناظر بر انتخابات نکته مهم دیگری است که در صورت عدم منظور کردن آن، حتی در صورت عبور از مرحله تصویب و تبدیل شدن طرح به قانون ممکن است در زمینه اجرا با چالش‌های مختلفی مواجه شده و در عمل اجرا نشود.

تاریخچه اصلاحات نظام انتخابات مجلس

به منظور تعیین بهترین نظام انتخاباتی در کشور، لزوم بررسی عقبه تاریخی-تجربی اصلاحات در مجلس امری گریزناپذیر است. در ادامه قصد داریم با مرور تاریخچه اصلاحات در قانون انتخابات مجلس، تجربیات مشابه طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه را بررسی نماییم.

پس از انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل گردید. در جریان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ برخی اعضای این مجلس پیشنهاد دادند که در کنار مجلس شورای ملی، یک مجلس ایالات تشکیل شود که از هر استان به طور مساوی ۳ یا ۴ نفر در آن نمایندگی کنند. هدف پیشنهاددهندگان این بود که مجلس دوم درمورد سیاست‌های کلی مملکت اظهار نظر کند. البته پیشنهاد فوق مورد قبول واقع نشده و به تشکیل مجلس شورای اسلامی بسنده شد. در شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز یکی از پیشنهادها برای اصلاح اصل ۶۴ قانون اساسی^۵ استانی شدن انتخابات مجلس بود. این طرح در شور اول کمیسیون مربوطه رد شد ولی در نهایت تصمیم‌گیری درمورد استانی شدن انتخابات مجلس به قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی واگذار گردید. لذا در ذیل اصل ۶۴ بیان گردید که تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه را قانون مشخص می‌کند. البته شرط «اکثریت مطلق» مندرج در قوانین انتخابات

^۵ اصل ۶۴ قانون اساسی : عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

سال‌های ۵۸ و ۶۲ با دوبر اصلاح در قانون انتخابات در سال‌های ۶۳ و ۷۸ به ترتیب به ثلث و ربع آرا کاهش یافت.

پس از آن نمایندگان مجلس در دوره‌های مختلف پیشنهاد استانی شدن حوزه‌های انتخابیه را بررسی نمودند که با چالش‌های فراوانی روبرو بود.

طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ به تصویب اکثریت نمایندگان دوره ششم رسید. شورای نگهبان براساس اصل ۹۴ قانون اساسی این مصوبه را به دلیل آنکه موجب بروز و افزایش اختلافات محلی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌گردد و در تعارض با همبستگی و وحدت ملی بوده و عامل از بین رفتن توسعه و تحکیم برادری اسلامی است، مغایر با شرع و قانون اساسی تشخیص داد. با این استدلال که در این شیوه رای‌ستانی ممکن است یک نامزد در سطح شهرستان خود بیشترین رای را کسب نکند ولی با کسب رای مجموع استان کرسی مجلس را در اختیار بگیرد. کاهش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود نیز یکی از دیگر ایرادات شورای نگهبان بر این مصوبه بود.

پس از آن نمایندگان مجلس ششم به منظور رفع ایرادات یادشده طرح «استانی شدن حوزه‌های انتخابیه در برخی استان‌های کشور» را تصویب نمودند. با این وجود باز هم به دلیل مشکلاتی همچون بروز اختلافات قومی و قبیله‌ای و خدشه به وحدت ملی، مورد پذیرش شورای نگهبان قرار نگرفت.

در ادامه نمایندگان مجلس هفتم در سال ۱۳۸۶ اصلاحیه همان طرح را به تصویب درآوردند که بازهم شورای نگهبان ایرادات پیشین را پابرجا دانست.

افزون بر این تلاش‌ها، مجلس نهم نیز در سال ۱۳۹۴ طرح «استانی-شهرستانی شدن حوزه‌های انتخابیه» را به تصویب رسانید، که طرح فوق شامل همان مفاد طرح قبلی بود با این تغییر که به منظور تقویت نظام حزبی، امکان رای به فهرست‌های احزاب مختلف نیز فراهم شده بود و همچنین حداقل نصاب ۱۵ درصد برای کسب رای از حوزه‌های فرعی در کنار کسب بالاترین رای در استان نیز به عنوان شروط لازم مطرح گردیده بود. با این وجود شورای نگهبان بر همان اشکالات پیشین پای فشرد و این مصوبه را به جهات مختلف مغایر با شرع و برخی اصول قانون اساسی دانست.

مفاهیم نظری

ماهیت نظام‌های انتخاباتی و مسئله تغییر آن‌ها

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر کردیم، مجموعه‌ای از قوانین و ساختارهاست که مشخص می‌کند آراء در انتخابات چگونه اخذ شده و چطور کرسی‌ها بر حسب آراء به برندگان انتخابات تخصیص یابد. (Gallagher, 2017) اهمیت نظام‌های انتخاباتی در شکل دادن به انگیزه‌ها، راهبردها و کنش‌گری‌های رقابت‌کنندگان در انتخابات (داوطلبین و احزاب) و مردمی است که رأی‌های خود را به صندوق می‌اندازند. (Norris, 2004, p. 7) یا به عبارتی دیگر، نظام انتخاباتی زمین بازی مسابقه بازیگران عرصه انتخابات است. (Reynolds, Reilly, & Ellis, 2004, p. 5) اهمیت این موضوع را با این مثال می‌توان متوجه شد که در صورتی که مردم در دو نظام انتخاباتی متفاوت دقیقاً به تعداد یکسان به داوطلبین مختلف رأی دهند، ممکن است نتیجه انتخابات در این دو نظام کاملاً متفاوت باشد.

البته از دیرباز درباره میزان توانایی نظام انتخاباتی در ایجاد تغییر مؤثر در صحنه بازی سیاست شک‌هایی وجود داشته است. به عنوان مثال نظریاتی وجود دارند که نقش فرهنگ را در شیوه کنشگری بازیگران سیاسی بسیار مؤثرتر دانسته (به عنوان مثال نظریه مدرنیزاسیون فرهنگی^۶) و نظام انتخابات را صرفاً به عنوان یکی از معلول‌های فرنگ سیاسی جامعه که تأثیر چندانی نیز ندارد در نظر می‌گیرند. هر چند نمی‌توان نقش فرهنگ سیاسی جوامع را در آرایش صحنه سیاست آن‌ها نادیده گرفت، اما نوریس در پژوهشی نشان داده است که در کنار پشتوانه نظری چگونگی اثرگذاری نظام‌های انتخاباتی، شواهد قابل توجهی از کشورهای مختلف بر اثرگذاری نظام‌های انتخاباتی مستقل از دیگر عوامل مهر تأیید می‌زنند. (Norris, 2004)

این تشکیک نسبت به میزان تأثیر نظام‌های انتخاباتی نیز تا پیش از دهه ۹۰ ناظر به این شاهد وجود داشت که تقریباً همه دموکراسی‌های قدیمی و باسابقه پس از جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه تغییر اساسی در نظام انتخاباتی خود ایجاد نکرده بودند، مگر در هنگام تغییراتی نظیر جنگ‌ها، ایجاد دولت‌های جدید یا اداره کشور توسط یک دیکتاتور (Lijphart, 1994). اما در دهه ۹۰ میلادی چندین دموکراسی باسابقه نظیر انگلیس، ایتالیا، ژاپن و نیوزیلند تغییرات اساسی در نظام انتخاباتی خود ایجاد کردند (Katz, 1997) در کنار این تغییرات ظهور موج سوم دموکراسی و چالش تشکیل نظام‌های سیاسی جدید در کشورهای سابق بلوک شرق، ظهور دموکراسی‌های انتخاباتی در آسیا و نارضایتی‌های سیاسی در آمریکای لاتین توجهات را بیش از پیش به نقش مؤثر طراحی نظام‌های انتخاباتی سوق داد. (Norris, 2004, p. 294)

نظام انتخاباتی و سایر اجزای ساختار سیاسی

همان‌طور که شرح دادیم، نظام‌های انتخاباتی با اثرگذاری بر انگیزه‌ها و شکل‌دهی به رفتارهای بازیگران دخیل در انتخابات نقش مهمی در ساختار سیاسی کشورها ایفا می‌کنند. اما در ساختار سیاسی اجزای دیگری غیر از نظام انتخابات نیز وجود دارند که بر نظام انتخابات تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرند. در سطوحی بالاتر از نظام انتخابات و در لایه نزدیک به قانون اساسی، عواملی نظیر ریاستی^۷ یا پارلمانی^۸ بودن، تک‌مجلسی^۹ بودن یا دومجلسی^{۱۰} بودن و متمرکز یا فدرال بودن نظام سیاسی وجود دارند که با نظام انتخاباتی مرتبط هستند و در لایه پایین‌تر و قوانین نزدیک به اجرا، شیوه برگزاری و اجرای انتخابات نظیر میزان بهره بردن از فناوری‌های نوین، توزیع شعب رأی‌گیری، شرایط ثبت نام در انتخابات و رأی دادن در آن، طراحی برگه‌های رأی و در نهایت قوانین مربوط به تنظیم‌گری تبلیغات و تأمین مالی انتخابات. (Norris, 2004, p. 39)

به عنوان مثال، در صورتی که یک نظام سیاسی دو مجلسی باشد یا مجالسی در سطح محلی و غیرملی نیز وجود داشته باشند، نظام انتخاباتی هر یک از این مجالس بایستی متناسب با کارکرد مورد انتظار آن‌ها بوده و از جایی که معمولاً این کارکردها از یک‌دیگر متفاوت است، نظام انتخاباتی آن‌ها نیز متفاوت باشد. یا به عنوان مثال دیگر، در کشورهایی که از نظام ریاستی بهره می‌برند، در صورتی که امکان تشکیل یک بلوک قدرت‌مند حامی رئیس‌جمهور مستقر وجود نداشته و مجلس بسیار متکثر و شامل گروه‌های مختلف باشد، امکان شکل‌گیری اصطکاک زیاد بین قوه مجریه و مقننه و ایجاد بحران وجود دارد. (Reynolds et al., 2004, p. 8)

بر اساس یک دسته‌بندی شناخته‌شده در علوم سیاسی توسط لایپهارت^{۱۱}، می‌توان دموکراسی‌های مبتنی بر نمایندگی را به دو دسته دموکراسی‌های تخصصی^{۱۲} و اجماعی^{۱۳} تقسیم کرد. (Lijphart, 1999) مدل‌های تخصصی بر ایجاد دولت‌های تک‌حزبی، کارآمد و پاسخگوست. در این مدل ترجیح به انتخابات‌های قاطعی است که در آن‌ها امکان کسب یک اکثریت قاطع توسط جریان برنده وجود داشته باشد و تعداد احزاب بیش از حد نباشد، اما در عین حال جناح مخالف نیز در مجلس حضور داشته و در کنار نمایندگی قدرت‌مند نمایندگان از مردم حوزه‌های انتخابیه خود، عملکرد دولت تحت نظارت قرار بگیرد. در مقابل، دموکراسی‌های اجماعی بر تصمیم‌گیری اجماعی، چانه‌زنی و بده‌بستان میان احزاب مختلفی که هر یک سهمی از قدرت دارند تأکید دارند. در این مدل به جای کارآمدی، حضور همه گروه‌ها و اقشار جامعه در مجلس اهمیت داشته و قدرت احزاب قدرتمندتر و قوه مجریه توسط احزاب کوچک‌تر انجام می‌شود. (Norris, 2004, p. 69) هر یک از این مدل‌ها مزایا و معایب خود را داشته و در کشورهای مختلفی استفاده می‌شوند، اما به عنوان مقدمه‌ای برای بخش بعدی و ارتباط انواع نظام‌های انتخاباتی با عناصر مختلف نظام سیاسی می‌توان گفت که نظام‌های

^۷ Presidential

^۸ Parliamentary

^۹ Unicameral

^{۱۰} Bicameral

^{۱۱} Arend Lijphart

^{۱۲} Adversarial Democracy

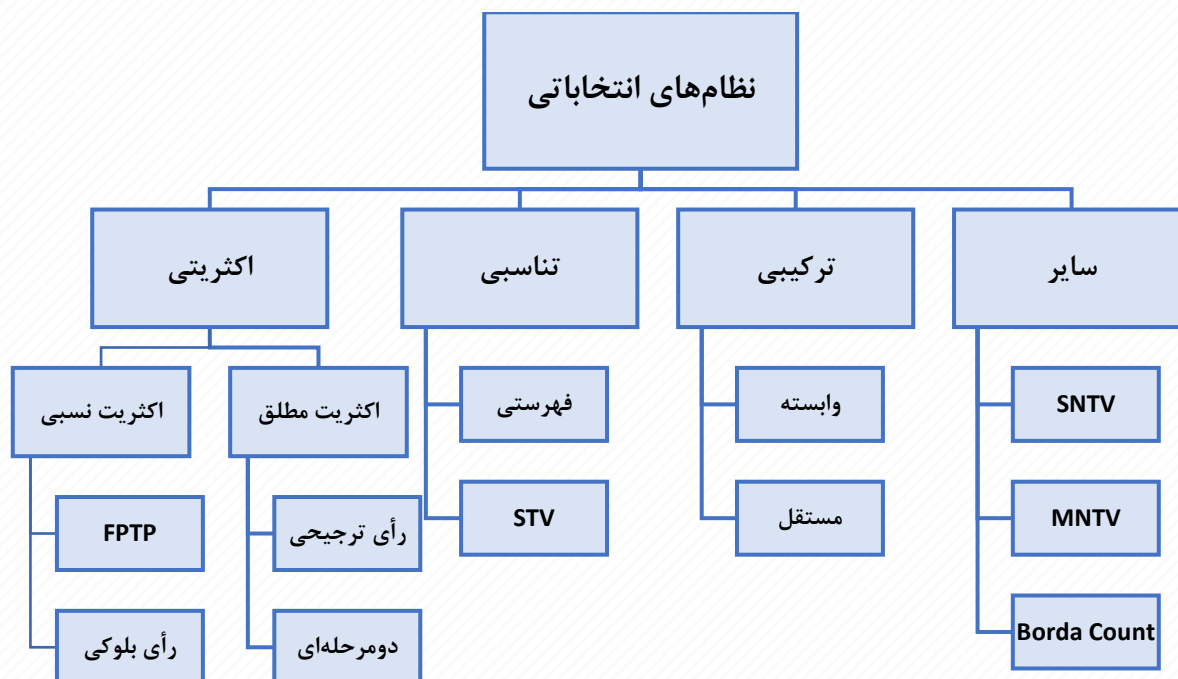
^{۱۳} Consensual Democracy

انتخاباتی اکثریتی با دموکراسی تخصیصی و نظام‌های انتخاباتی تناسبی با دموکراسی اجماعی همخوانی بیشتری دارند.

اجزای نظام‌های انتخاباتی و انواع آن‌ها

سه المان اصلی نظام‌های انتخاباتی به ترتیب فرمول انتخاباتی (اکثریتی یا تناسبی بودن، فرمول ریاضی تخصیص کرسی‌ها بر اساس آراء)، ساختار برگه رأی (رأی دادن به داوطلب، لیست یا فهرستی از داوطلبان بر اساس اولویت) و حوزه‌بندی انتخابات (مرز حوزه‌های انتخابیه و تعداد کرسی‌های هر حوزه) است. (Reynolds et al., 2004) از میان این سه المان، برجسته‌ترین آن‌ها که معمولاً نظام‌های انتخاباتی نیز بر اساس آن دسته‌بندی می‌شوند و دسته‌بندی‌های دو المان دیگر نیز ذیل آن منظور می‌شود، فرمول انتخاباتی است.

در شکل زیر، دسته‌بندی اولیه‌ای بر اساس دسته‌بندی‌های ارائه‌شده در منابع مختلف از نظام‌های انتخاباتی با در نظر گرفته المان‌های ذکرشده ارائه کرده‌ایم و سپس به شرح هر دسته‌بندی خواهیم پرداخت. (Bormann & Golder, 2013; Norris, 2004, p. 41; Reynolds et al., 2004, p. 28)



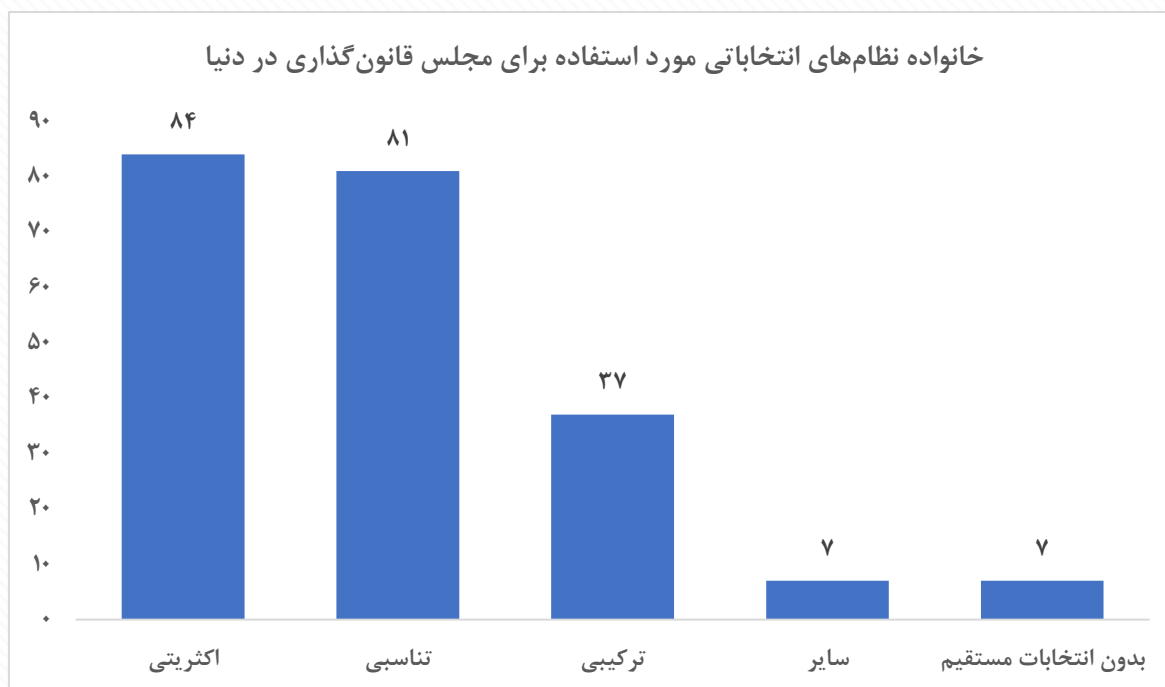
شکل ۲: دسته‌بندی نظام‌های انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی اکثریتی

نظام‌های انتخاباتی اکثریتی^{۱۴} شاید ساده‌ترین نظام‌ها از جهت فهم و پیاده‌سازی باشند. در این نظام‌ها، برندگان انتخابات نامزد/نامزدهایی (بسته به تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه) هستند که بیشترین تعداد رأی را به دست

^{۱۴} Majoritarian

آورده باشند. این خانواده از نظام های انتخاباتی هم‌اکنون در ۸۵ کشور از ۲۱۷ کشور مورد بررسی در پایگاه داده طراحی نظام های انتخاباتی ^{۱۵} IDEA برای انتخابات مجلس مورد استفاده قرار می‌گیرد که با فاصله اندکی از خانواده نظام های تناسبی، رایج ترین خانواده نظام های انتخاباتی است. (IDEA, 2023) نظام های اکثریتی در گذشته جایگاه پررنگ تری داشتند، اما به مرور زمان اقبال به آن ها کمتر و به دیگر نظام های انتخاباتی به خصوص خانواده نظام های ترکیبی بیشتر شده است. (Bormann & Golder, 2013) مشخصا این نظام انتخاباتی در کشورهای با فرهنگ سیاسی نزدیک به انگلستان (نظیر مستعمره های سابق بریتانیا) رایج است.



شکل ۳: خانواده نظام های انتخاباتی مورد استفاده در دنیا. منبع: (IDEA, 2023) با برخی تغییرات در تعاریف

شاید اصلی ترین معیار برای تقسیم بندی نظام های اکثریتی ابتدای آن ها بر اکثریت مطلق یا نسبی است. در نظام های مبتنی بر اکثریت مطلق، نامزد برنده بایستی به نحوی حمایت اکثریت مطلق (۵۰ درصد) شرکت کنندگان در انتخابات را جلب کند. در نظام های دومرحله ای ^{۱۶} این امر از طریق تعیین دور دوم برای انتخابات در صورت عدم کسب ۵۰ درصد از آراء توسط یک نامزد در دور اول (نظیر به آن چه در انتخابات ریاست جمهوری در ایران استفاده می شوند و سابقا در انتخابات مجلس استفاده می شد) محقق می شود. البته نظام های دو مرحله ای با نصاب کمتر از اکثریت نیز وجود دارند (نظیر انتخابات فعلی مجلس در ایران) که در دسته نظام های اکثریت نسبی می گنجند.

در میان نظام های اکثریتی مبتنی بر اکثریت نسبی، رایج ترین نظام انتخاباتی FPTP یا First Past the Post است که به نام هایی نظیر نظام اکثریتی تک کرسی ^{۱۷} یا SMD نیز شناخته می شود. این نظام انتخاباتی

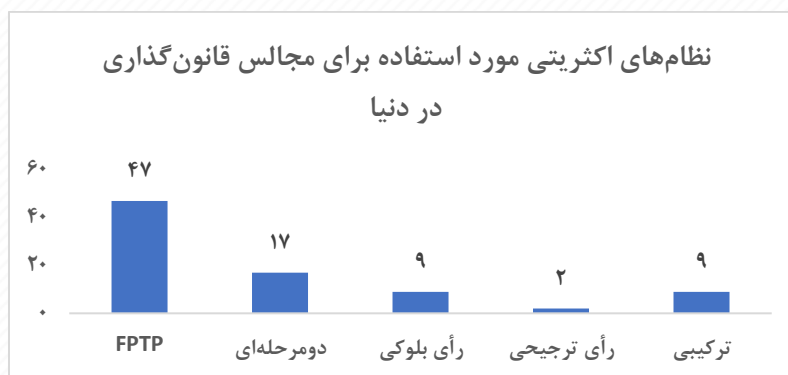
^{۱۵} Electoral System Design Database

^{۱۶} Two Rounded Systems

^{۱۷} Single-Member District Plurality

که به عنوان محبوب‌ترین عضو خانواده نظام‌های اکثریتی شناخته می‌شود، امروزه در ۶۰ کشور از میان ۹۰ کشور استفاده‌کننده از خانواده نظام‌های اکثریتی به صورت کامل یا بخشی از نظام انتخاباتی قوه مقننه استفاده می‌شود.^{۱۸} (IDEA, 2023) در این نظام انتخاباتی، حوزه‌های انتخابیه به صورت تک‌کرسی ساماندهی شده و از هر کرسی نامزدی که بیشترین رأی را کسب کرده بدون نصاب خاص و یا پیچیدگی خاصی در شمارش آراء برنده می‌شود. نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی ایران هر چند در عمل دومرحله‌ای است، اما به دلیل نصاب بسیار پایین (۲۰ درصد) در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی به نظام FPTP مشابهت بیشتری نسبت به نظام دومرحله‌ای داشته و ویژگی‌هایی مشابه آن دارد.

تفاوتی که نظام رأی بلوکی^{۱۹} با اکثریتی تک‌کرسی ساده دارد، گسترش اندازه حوزه‌های انتخابیه و اختصاص کرسی به تعداد نامزدهای با بیشترین رأی به تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه است، شبیه به مدل مورد استفاده در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی در ایران^{۲۰}. بعضاً نظام رأی بلوکی به این شکل پیاده می‌شود که تنها امکان انتخاب یک فهرست و رأی دادن به همه نامزدهای آن وجود داشته باشد که در نتیجه آن اعضای برنده یک حوزه انتخابیه همه از اعضای یک فهرست خواهند بود.^{۲۱}



شکل ۴: نظام‌های اکثریتی مورد استفاده در دنیا. منبع: (IDEA, 2023) با برخی تغییرات در تعاریف

به غیر از نظام‌های دومرحله‌ای، برای رسیدن به اکثریت مطلق نظام دیگری در قالب رأی ترجیحی^{۲۲} با ایجاد امکان رأی دادن به چندین نامزد بر اساس اولویت و ترجیح رأی‌دهنده وجود دارد. به عنوان مثال در صورتی که نامزدهای مختلفی در حال رقابت بر سر یک کرسی باشند، رأی‌دهندگان به جای رأی دادن به یک نفر، به چندین نامزد بر حسب اولویت خود رأی می‌دهند و سپس در هنگام شمارش، ابتدا اولویت‌های اول اختصاص‌یافته به هر نامزد مشخص می‌شود. در هر مرحله در صورت عدم کسب اکثریت مطلق آراء توسط یک نامزد، نامزد با کمترین تعداد رأی حذف شده و آراء رأی‌دهندگان به او به سایر نامزدهایی که در اولویت بعدی رأی‌دهندگان به او بوده‌اند منتقل می‌شود. در صورتی که در یک مرحله یک نامزد با در نظر داشتن اولویت‌های

^{۱۸} برخی کشورها از نظام‌های انتخاباتی هیبریدی شامل چند نظام انتخاباتی مختلف استفاده می‌کنند که در ادامه درباره آن توضیح بیشتری خواهیم داد.

^{۱۹} Block Vote

^{۲۰} مجدداً با در نظر داشتن ملاحظه نصاب پایین مورد استفاده در این حوزه‌ها

^{۲۱} مدل رأی بلوکی حزبی، Party Block Vote یا PBV

^{۲۲} Alternative Vote

مختلف اختصاص یافته به او به نصاب ۵۰ درصد آراء رسید شمارش متوقف و نامزد مورد نظر برنده می شود در غیر این صورت شمارش ادامه خواهد یافت تا همه نامزدها به غیر از یک نامزد حذف شوند.

در شکل زیر نمونه ای از یک برگه رأی فرضی برای برگزاری انتخابات به شکل ترجیحی در صورتی که نامزدهای حوزه انتخابیه محدود و از قبل تعیین شده باشند می بینید (در شرایط دیگر می توان از مردم خواست نام نامزدها را به ترتیب اولویت خود بنویسند).

شکل ۵: یک نمونه برگه رأی فرضی برای انتخابات ترجیحی. منبع: (Sanders, Clarke, Stewart, & Whiteley, 2011)

به عنوان مثال، جدول زیر نشان دهنده انتخابات ریاست جمهوری ایرلند در سال ۱۹۹۰ است که با شیوه رأی ترجیحی برگزار شد، مشابه یک حوزه انتخابیه تک نفره در مجلس با سه داوطلب که با نظام ترجیحی برگزار شود. همان طور که می بینید هر چند خانم رابینسون که در نهایت برنده انتخابات شد در دور اول و پس از شمارش اولویت اول رأی دهندگان در رتبه دوم آراء قرار داشت، اما به دلیل عدم کسب اکثریت مطلق توسط هیچ نامزدی، پس از کنار گذاشتن نامزد سوم و بررسی اولویت های بعدی رأی دهندگان به او، مشخص شد که با در نظر گرفتن اولویت دوم رأی دهندگان به نامزد حذف شده رابینسون آراء بیشتری داشته و برنده شد.

جدول ۱: نظام ترجیحی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۰ ایرلند

نامزد		دور اول شمارش		دور دوم شمارش	
Mary Robinson	۶۱۲,۲۶۵	%۳۸,۹۰	۸۱۷,۸۳۰	%۵۱,۶۰	
Brian Lenihan	۶۹۴,۴۸۴	%۴۳,۸۰	۷۳۱,۲۷۳	%۴۶,۲۰	
Austin Currie	۲۶۷,۹۰۲	%۱۶,۹۰			
آراء باطله	۰۹,۴۴۴	%۶۰	۳۴,۹۹۲	%۲,۲۰	
مجموع	۱,۵۸۴,۰۹۵	%۱۰۰,۰۰	۱,۵۸۴,۰۹۵	%۱۰۰,۰۰	

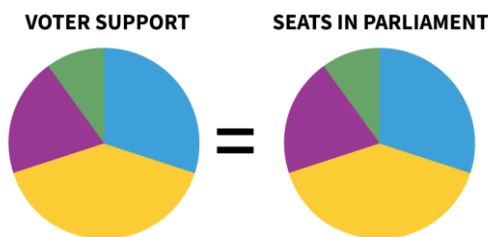
مزیت نظام‌های مبتنی بر اکثریت مطلق نسبت به نظام‌های مبتنی بر اکثریت نسبی این است که داوطلبین را به سمت جلب نظر اکثریت حوزه انتخابیه خود سوق داده و امکان پیروزی با جلب نظر بخشی کوچکی از رأی‌دهندگان و ایجاد فاصله با بقیه حوزه انتخابیه را از بین می‌برد. اما روش‌های مبتنی بر اکثریت نسبی ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر هستند.

در میان نظام‌های اکثریت مطلق نظام دومرحله‌ای نیز به نسبت نظام رایجی است و هر چند به اندازه نظامی چون FPTP محبوب نیست، اما از دیگر نظام مبتنی بر اکثریت نسبی یعنی رأی بلوکی رایج‌تر است. نظام رأی ترجیحی هم‌اکنون در دنیا تنها برای انتخابات دو مجلس قانون‌گذاری، در استرالیا و پاپوآ گینه نو، استفاده می‌شود، اما به غیر از سطح انتخابات ملی استفاده از آن برای مجالس در دیگر سطوح در سال‌های اخیر رو به گسترش بوده است. (Reilly, 2004)

نظام‌های انتخاباتی تناسبی

منطق پشتیبان خانواده نظام‌های تناسبی^{۲۳}، همان‌طور که از نام آن‌ها نیز واضح است، ایجاد تناسب میان آراء دریافت‌شده احزاب و جریان‌های مختلف سیاسی با کرسی‌های تخصیص‌یافته به آن‌هاست. به عنوان مثال در نظام‌های خانواده اکثریتی، ممکن است که در یک حوزه انتخابیه با ۱۰ کرسی، یک حزب با به دست آوردن ۶۰ درصد از آراء رأی‌دهندگان کل کرسی‌ها را از آن خود کند (در صورتی که ۱۰ داوطلب حزب هر یک بیشترین آراء را نسبت به دیگر داوطلبان به دست آورند). اما در یک انتخابات تناسبی هیچ‌گاه چنین اتفاقی نخواهد افتاد و حزبی که ۶۰ درصد آراء حوزه انتخابیه را به دست می‌آورد بایستی حدود ۶۰ درصد از کرسی‌ها را نیز برنده شود.

Proportional representation



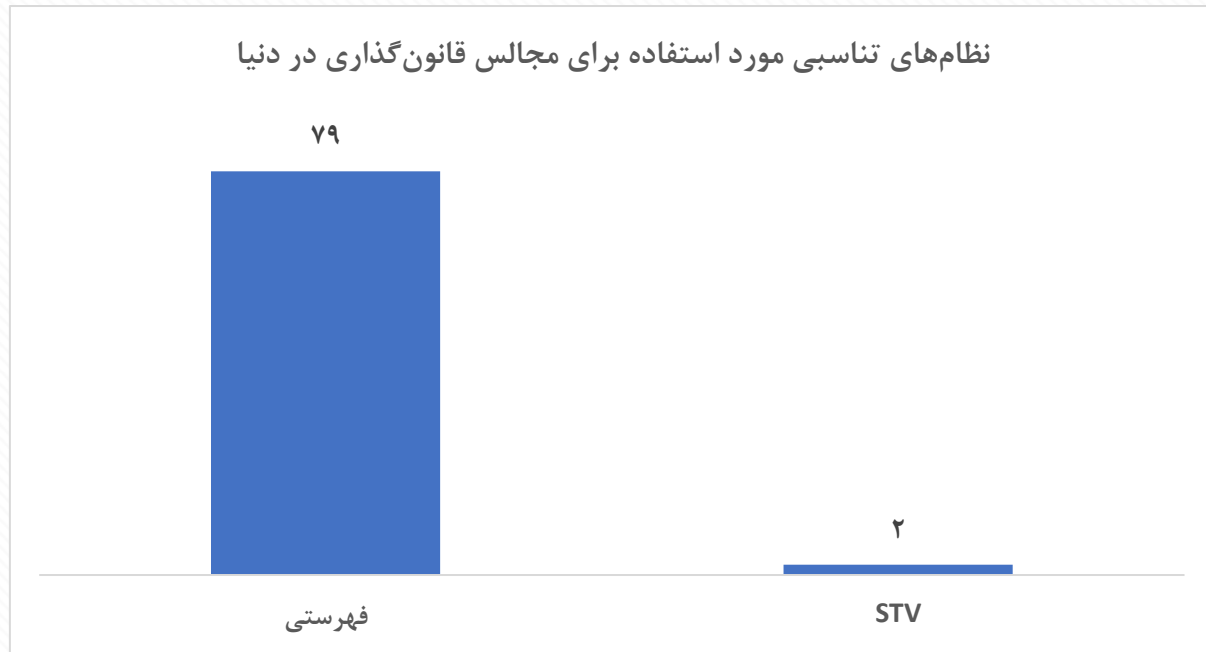
شکل ۶: نظام انتخابات تناسبی. منبع: (Fair Vote Canada, 2023)

همان‌طور که از توضیح بند قبلی نیز نسبتاً روشن است، خانواده نظام‌های انتخاباتی تناسبی تنها در حوزه‌های انتخابیه با بیش از یک کرسی قابلیت استفاده دارند. هر چه اندازه (تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه) بزرگ‌تر باشد، تناسب بیشتری بین آراء هر فهرست و کرسی‌های تخصیص‌یافته به آن ایجاد خواهد شد. دسته‌بندی اساسی میان نظام‌های خانواده تناسبی، مبتنی بر فهرستی بودن یا نبودن شیوه تخصیص کرسی‌هاست. در نظام‌های فهرستی^{۲۴} که رایج‌ترین شیوه انتخابات تناسبی هستند این کار با افراز داوطلبان به فهرست‌هایی که

^{۲۳} Proportional

^{۲۴} List PR یا List Proportional Representation

به آن تعلق دارند و اختصاص کرسی به فهرست‌ها و سپس از طریق آن‌ها به داوطلبان انجام می‌شود. نظام‌های خانواده تناسبی در کشورهای اروپای قاره‌ای محبوبیت قابل توجهی دارند و با فاصله اندکی از نظام‌های اکثریتی در ۸۱ کشور دنیا استفاده می‌شوند.



شکل ۷: نظام‌های تناسبی مورد استفاده در دنیا. منبع: (IDEA, 2023) با برخی تغییرات در تعاریف

نظام‌های فهرستی خود تنوع قابل توجهی دارند و بایستی درباره سه ویژگی اساسی آن‌ها صحبت کرد. مورد نخست، فرمول مورد استفاده و شیوه تبدیل آراء فهرست‌ها به کرسی‌های تخصیص یافته به آن‌هاست. فرمول‌های مورد استفاده در انتخابات‌های تناسبی فهرستی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند، روش‌های بزرگ‌ترین باقی‌مانده^{۲۵} و روش‌های بیشترین میانگین^{۲۶}. (Gallagher, 1992)

روش‌های بزرگ‌ترین باقی‌مانده ساده‌تر هستند و به این شیوه عمل می‌کنند که ابتدا به ازای هر کرسی سهمیه‌ای^{۲۷} از آراء تعیین می‌شود که در ساده‌ترین شیوه خود، برابر با مجموع تعداد آراء تقسیم بر تعداد کرسی‌هاست. سپس به هر فهرست به تعدادی که سهمیه کامل در آراء خود داشته باشد کرسی تخصیص می‌یابد. در نهایت کرسی‌های باقی‌مانده به ترتیب فهرست‌هایی که پس کسر سهمیه مربوط به کرسی‌های تخصیص داده شده قبلی بیشترین رأی را داشته باشند تخصیص می‌یابد.

به عنوان مثال فرض کنید انتخاباتی داشته باشیم که ۱۰۰ هزار رأی به صندوق انداخته شده، هر فهرست به مقداری که در جدول زیر آمده رأی به دست آورده باشد و رقابت بر سر ۵ کرسی باشد. در یک شیوه بزرگ‌ترین

^{۲۵} Largest Remainder Methods

^{۲۶} Highest Averages Methods

^{۲۷} Quota

باقی‌مانده، به عنوان مثال با فرمول Hare، ابتدا سهمیه رأی لازم برای هر کرسی به صورت تعداد کل آراء تقسیم بر تعداد کرسی‌ها برابر با ۲۰۰۰۰ محاسبه می‌شود.

جدول ۲: نمونه‌ای از روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Hare. منبع: (Gallagher, 1992)

فهرست	آراء فهرست	سهمیه‌های کامل (کرسی‌های مرحله اول)	باقی‌مانده	کرسی‌های اضافه (کرسی‌های مرحله دوم)	کل کرسی‌های اختصاص‌یافته
الف	۶۰۰۰۰	۳ (۶۰۰۰۰/۲۰۰۰۰)	۰	۰	۳
ب	۲۸۰۰۰	۱ (۲۸۰۰۰/۲۰۰۰۰)	۸۰۰۰	۰	۱
ج	۱۲۰۰۰	۰ (۱۲۰۰۰/۲۰۰۰۰)	۱۲۰۰۰	۱	۱
مجموع	۱۰۰۰۰۰	۴	۲۰۰۰۰	۱	۵

ابتدا به هر فهرست به تعداد سهمیه‌های کامل آن (عدد صحیح حاصل تقسیم آراء فهرست بر سهمیه) کرسی تخصیص پیدا می‌کند. سپس با بررسی باقی‌مانده حاصل از تقسیم آراء فهرست بر سهمیه به ترتیب به فهرست‌هایی که بیشترین باقی‌مانده را داشته باشند کرسی‌های باقی‌مانده تخصیص می‌یابد.

فرمول‌های مختلف روش بیشترین باقی‌مانده، تنها در محاسبه سهمیه با یک‌دیگر تفاوت دارند. به عنوان مثال فرمول‌های Droop و Imperiali، به جای تقسیم کل آراء بر تعداد کرسی‌ها به ترتیب آن را بر تعداد کرسی‌ها بعلاوه یک و تعداد کرسی‌ها بعلاوه دو تقسیم می‌کنند.

روش‌های بیشترین میانگین به جای تقسیم آراء بر سهمیه‌ای ثابت، از رشته‌ای از اعداد صحیح به شکل مقابل استفاده می‌کنند: تخصیص کرسی‌ها در چندین مرحله استفاده می‌شود، در هر مرحله به فهرست دارای بیشترین آراء یک کرسی اختصاص یافته، و پس از اخذ هر کرسی تعداد آراء فهرست اخذکننده به ترتیب بر اعداد بزرگ‌تری از رشته اعداد مورد استفاده تقسیم می‌شود.

به عنوان مثال فرض کنید در همان مثال قبلی مورد استفاده برای شرح روش‌های بزرگ‌ترین باقی‌مانده، بخواهیم از یک فرمول بیشترین میانگین مانند Sainte-Lague استفاده کنیم. رشته اعداد مربوط به فرمول Sainte-Lague به ترتیب اعداد فرد یعنی ۱، ۳، ۵، ۷ و... است.

جدول ۳: نمونه‌ای از روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Sainte-Lague. منبع: (Gallagher, 1992)

فهرست	آراء فهرست	آراء فهرست تقسیم تقسیم بر اولین عدد رشته (۱)	آراء فهرست تقسیم تقسیم بر اولین عدد رشته (۳)	آراء فهرست تقسیم تقسیم بر اولین عدد رشته (۵)	کل کرسی‌های اختصاص‌یافته
-------	---------------	--	--	--	-----------------------------

الف	۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰ (۶۰۰۰۰/۱) اولین کرسی	۲۰۰۰۰ (۶۰۰۰۰/۳) سومین کرسی	۱۲۰۰۰ (۶۰۰۰۰/۵) چهارمین کرسی	۳
ب	۲۸۰۰۰	۲۸۰۰۰ (۲۸۰۰۰/۱) دومین کرسی	۹۳۳۳ (۲۸۰۰۰/۳)		۱
ج	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰ (۱۲۰۰۰/۱) پنجمین کرسی			۱
مجموع	۱۰۰۰۰۰				۵

زمانی که آراء همه فهرست‌ها بر نخستین عدد رشته یعنی ۱ تقسیم می‌شود، بیشترین رأی مربوط به فهرست الف است و یک کرسی به این فهرست اختصاص می‌یابد. پس از این تخصیص، آراء الف تقسیم بر عدد بعدی رشته یعنی ۳ و برابر با ۲۰۰۰۰ می‌شود. در این حالت، بیشترین رأی مربوط به فهرست ب با ۲۸۰۰۰ هزار رأی هست. یک کرسی به فهرست ب تخصیص یافته و آراء این فهرست نیز همچون فهرست الف که یک کرسی دریافت کرده بود بر عدد بعدی رشته یعنی ۳ تقسیم می‌شود. در این حالت آراء فهرست الف بیشتر از دو فهرست دیگر است ($۹۳۳۳ < ۱۲۰۰۰ < ۲۰۰۰۰$) و یک کرسی دیگر به فهرست الف اختصاص یافته و آراء آن بر عدد بعدی رشته یعنی ۵ تقسیم می‌شود. در این حالت دو کرسی باقی مانده و آراء دو فهرست الف و ج هر دو برابر با ۱۲۰۰۰ و بیش از آراء فهرست ب یعنی ۹۳۳۳ است لذا دو کرسی باقی مانده به فهرست‌های الف و ح تخصیص می‌یابد تا در نهایت توزیع کرسی‌ها مانند استفاده از روش بزرگ‌ترین باقی مانده با فرمول Hare شود.

دیگر فرمول‌های روش بیشترین میانگین تنها در رشته اعداد مورد استفاده خود با فرمول Sainte-Lague تفاوت دارند. به عنوان مثال فرمول d'Hondt از ترتیب عادی اعداد صحیح (۱، ۲، ۳، ۴ و...) و فرمول Imperiali از ترتیب ۱، ۱/۵، ۲، ۲/۵، ۳ و... استفاده می‌کند.

به عنوان مثال، نخستین انتخابات پس از دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی برای تشکیل مجلس و دولت جدید در سال ۱۹۹۴، با نظام انتخاباتی تناسبی، با فرمول Droop، در یک حوزه انتخاباتی سراسری با ۴۰۰ کرسی، فهرست بسته و بدون هیچ نصابی برگزار شد. با وجود این که از پیش از برگزاری انتخابات مشخص بود که کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماندلا برتری قاطعی به نسبت سایر گروه‌های سیاسی داشته، و با یکی از نظام‌های انتخاباتی اکثریتی می‌توانست نزدیک به کل مجلس را تصاحب کند، اما تصمیم به استفاده از نظامی تناسبی گرفته شد تا همه گروه‌های سیاسی متناسب با میزان حمایتی که در سراسر کشور از آن برخوردار هستند از نمایندگی مجلس بهره‌مند شوند، حتی جریان‌های سفیدپوستی که قوانین تبعیض‌آمیز موسوم به آپارتاید را به اکثریت سیاه‌پوست تحمیل کرده بودند. (Reynolds et al., 2004, p. 62) نتایج این انتخابات و تناسب درصد آراء و کرسی‌های اختصاص یافته به جریان‌های مختلف را در جدول زیر می‌بینید.

جدول ۴: نظام انتخابات تناسبی در انتخابات عمومی ۱۹۹۴ آفریقای جنوبی. منبع: (African Elections Database, 2012)

فهرست	کل آراء	درصد از کل آراء	کرسی‌های تعلق‌یافته (از ۴۰۰)
African National Congress (ANC)	۱۲,۲۳۷,۶۵۵	۶۲,۶۵	۲۵۲
National Party (NP)	۳,۹۸۳,۶۹۰	۲۰,۳۹	۸۲
Inkatha Freedom Party (IFP)	۲,۰۵۸,۲۹۴	۱۰,۵۴	۴۳
Vryheidsfront/Freedom Front (VF/FF)	۴۲۴,۵۵۵	۲,۱۷	۹
Democratic Party (DP)	۳۳۸,۴۲۶	۱,۷۳	۷
Pan Africanist Congress of Azania (PAC)	۲۴۳,۴۷۸	۱,۲۵	۵
African Christian Democratic Party (ACDP)	۸۸,۱۰۴	۰,۴۵	۲
Africa Muslim Party (AMP)	۳۴,۴۶۶	۰,۱۸	-
African Moderates Congress Party (AMCP)	۲۷,۶۹۰	۰,۱۴	-
Dikwankwetla Party of South Africa (DPSA)	۱۹,۴۵۱	۰,۱۰	-
Federal Party (FP)	۱۷,۶۶۳	۰,۰۹	-
Minority Front (MF)	۱۳,۴۳۳	۰,۰۷	-
Sport Organisation for Collective Contributions and Equal Rights (SOCCER)	۱۰,۵۷۵	۰,۰۵	-
African Democratic Movement (ADM)	۰۹,۸۸۶	۰,۰۵	-
Women's Rights Peace Party (WRPP)	۰۶,۴۳۴	۰,۰۳	-
Ximoko Progressive Party (XPP)	۰۶,۳۲۰	۰,۰۳	-
Keep it Straight and Simple Party (KISS)	۰۵,۹۱۶	۰,۰۳	-
Workers' List Party (WLP)	۰۴,۱۶۹	۰,۰۲	-
Luso-South African Party (LUSO)	۰۳,۲۹۳	۰,۰۲	-
جمع	۱۲,۲۳۷,۶۵۵	۱۰۰	۴۰۰

موضوع بااهمیت بعدی درباره نظام‌های تناسبی فهرستی، باز یا بسته بودن فهرست‌هاست. (Reynolds et al., 2004) در یک‌سو از طیف نظام‌های تناسبی فهرستی، فهرست‌های بسته^{۲۸} قرار دارند که در آن‌ها ترتیب نامزدهایی که از فهرست به آن‌ها کرسی اختصاص می‌یابد ثابت است و رأی‌دهندگان می‌توانند تنها به یک فهرست رأی دهند. یعنی اگر یک حزبی فهرستی ۱۰ نفره برای رقابت در یک حوزه انتخابیه تعیین کند و با استفاده از فرمول‌های شرح‌داده‌شده در قسمت قبل، ۵ کرسی به فهرست تعلق یابد، ۵ نفره راه‌یابنده از این فهرست به مجلس بر اساس ترتیب ازپیش‌تعیین‌شده توسط خود حزب خواهند بود و رأی‌دهندگان نقشی در

^{۲۸} Closed List

تعیین افراد راه‌یابنده از هر فهرست ندارند. غالب انتخابات‌ها توسط نظام تناسبی فهرستی در دنیا به همین شکل برگزار می‌شوند.

Party Name (English)	Party Name (Afrikaans)	Logo	Candidate Photo
PAN AFRICANIST CONGRESS OF AZANIA	PAN AFRICANIST CONGRESS OF AZANIA	PAC	[Portrait]
SOUTH AFRICAN WOMEN'S PARTY	SUID-AFRIKAANSE VROUENSPARTY	SAWP	[Portrait]
THE GREEN PARTY	DE GROENE PARTIJ	GRP	[Portrait]
VRYHEIDSFREONT - FREEDOM FRONT	VRYHEIDSFREONT - FREEDOM FRONT	VF-F	[Portrait]
WES-KAAP FEDERALISTE PARTY	WES-KAAP FEDERALISTE PARTY	WKFP	[Portrait]
WORKERS INTERNATIONAL TO REBUILD THE FOURTH INTERNATIONAL (SA)	WERKERSINTERNASIONALE OM DIE VIERDE INTERNASIONALE (SA) OPTEBOU	WI	[Portrait]
AFRICA MUSUM PARTY	AFRICA MUSUM PARTY	AMP	[Portrait]
AFRICAN CHRISTIAN DEMOCRATIC PARTY	AFRIKAANSE KRISTENDEMOKRATIESE PARTIJ	ACDP	[Portrait]
AFRICAN DEMOCRATIC MOVEMENT	AFRIKAANSE DEMOKRATIESE BEWEGING	ADM	[Portrait]
AFRICAN NATIONAL CONGRESS	AFRIKAANSE NATIONALE KONGRES	ANC	[Portrait]
DEMOCRATIC PARTY - DEMOKRATIESE PARTY	DEMOKRATIESE PARTY - DEMOKRATIESE PARTY	DP	[Portrait]
ISLAMIC PARTY	ISLAMIESE PARTIJ	IP	[Portrait]
NATIONAL PARTY - NASIONALE PARTY	NASIONALE PARTY - NASIONALE PARTY	NP	[Portrait]
INKATHA FREEDOM PARTY - IQEMBU LENKATHA YENKULULEKO	INKATHA FREEDOM PARTY - IQEMBU LENKATHA YENKULULEKO	IFP	[Portrait]

شکل ۸: برگه رأی انتخابات تناسبی با فهرست بسته در انتخابات ۱۹۹۴ آفریقای جنوبی. منبع: (Rosenthal, Shapiro, & Makgetla, 2013)

در فهرست‌های باز^{۲۹}، رأی‌دهندگان می‌توانند علاوه بر رأی دادن به فهرست مد نظر خود یک نامزد را نیز از همان فهرست به عنوان نامزد مرجح انتخاب کنند. در این شیوه پس از تخصیص کرسی‌ها به فهرست‌ها، افراد راه‌یابنده از هر فهرست داوطلبان بر اساس رأی‌های ترجیحی دریافت‌شده توسط داوطلبان برگزیده می‌شوند. در این نوع از نظام تناسبی فهرستی، رأی‌دهندگان آزادی عمل بیشتری نسبت به نوع فهرست بسته دارند از این جهت که علاوه بر انتخاب فهرست مورد نظر خود می‌توانند بر ترتیب راه‌یابی نامزدها از فهرست نیز اثرگذار باشند.

اما در سوی دیگر طیف، حالتی که بیشترین آزادی عمل به رأی‌دهندگان را می‌دهد فهرست آزاد^{۳۰} است. در این نوع از نظام تناسبی فهرستی رأی‌دهندگان به جای رأی دادن به فهرست‌ها به مانند انتخابات‌های غیرفهرستی به داوطلبان رأی می‌دهند، و آراء فهرست‌ها بر اساس جمع آراء داوطلبان عضو فهرست محاسبه می‌شود. در این نوع از انتخابات تناسبی فهرستی، رأی‌دهندگان می‌توانند به داوطلبانی از فهرست‌های مختلف

Open List^{۲۹}

Free List^{۳۰}

رأی داده، از فهرست‌های مختلف حمایت کنند و بر نحوه راهیابی داوطلبان از فهرست‌های مختلف اثرگذار باشند.



۹ برگه رأی انتخابات تناسبی با فهرست آزاد برای یک حوزه انتخابیه در انتخابات ۲۰۱۳ مجلس هندوراس. منبع: (Muñoz-Portillo, 2013)

ویژگی مهم بعدی درباره نظام‌های تناسبی فهرستی، نصاب^{۳۱} نمایندگی برای فهرست‌هاست. منظور از این نصاب، حداقل میزان رأیی است که یک فهرست برای کسب کرسی بایستی کسب کند و در صورت عدم کسب این نصاب، حتی در صورتی که با فرمول عادی انتخابات نیز تعدادی کرسی به فهرست تخصیص پیدا کند فهرست هیچ کرسی دریافت نخواهد کرد. وجود نصاب در راستای عدم تخصیص کرسی به احزاب و گروه‌های سیاسی کوچک است و با زیاد شدن مقدار آن امکان دارد حجم آرائی که مردم به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی می‌دهند که در نهایت منجر به کسب هیچ کرسی نمایندگی نخواهد شد افزایش یابد (پدیده آراء سوخته یا محذوف که پیشتر به آن پرداختیم). به عنوان مثال در انتخابات عمومی ۲۰۰۲ در ترکیه، به دلیل نصاب بالای کسب ۱۰ درصد از کل آراء کشور (نه فقط حوزه انتخابیه) تنها دو حزب توانستند این نصاب را کسب کرده و در نتیجه ۴۶ درصد از آراء انتخابات که به دیگر احزاب تخصیص گرفته بود تبدیل به آراء محذوف و سوخته شد. (Reynolds et al., 2004, p. 83)

۵ نظام انتخابات تناسبی با نصاب بالا در انتخابات ۲۰۰۲ عمومی ترکیه. منبع: (Wikipedia, 2022b)

فهرست	آراء	درصد از کل آراء	کرسی‌های تعلق‌یافته (از ۵۵۰)
Justice and Development Party	۱۰.۸۰۸.۲۲۹	۳۴,۲۸	۳۶۳

Threshold^{۳۱}

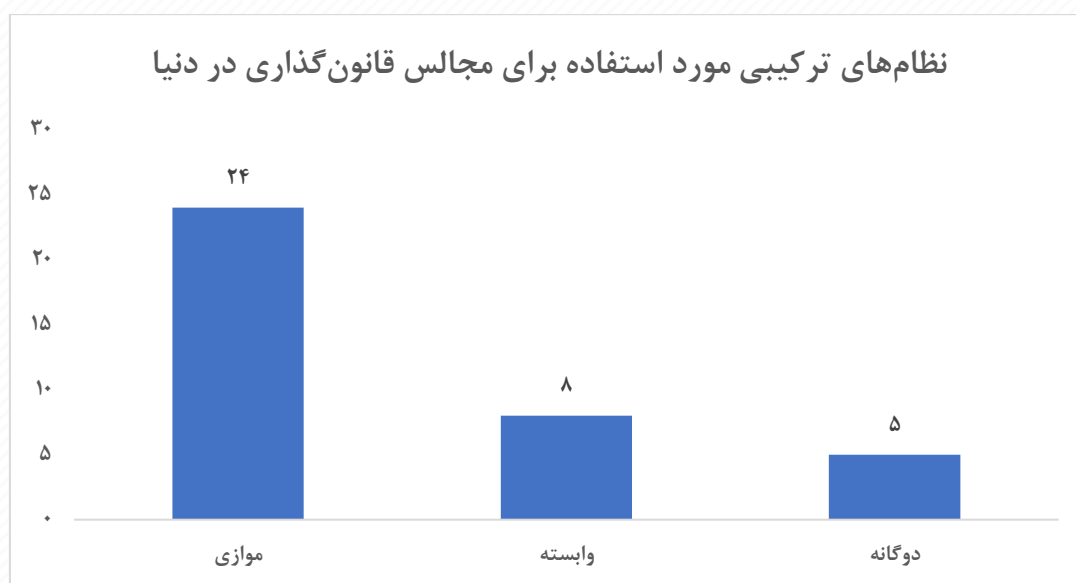
۱۷۸	۱۹,۳۹	۶,۱۱۳,۳۵۲	Republican People's Party
.	۰۹,۵۴	۳,۰۰۸,۹۴۲	True Path Party
.	۰۸,۳۶	۲,۶۳۵,۷۸۷	Nationalist Movement Party
.	۰۷,۲۵	۲,۲۸۵,۵۹۸	Young Party
.	۰۶,۲۲	۱,۹۶۰,۶۶۰	Democratic People's Party
.	۰۵,۱۳	۱,۶۱۸,۴۶۵	Motherland Party
.	۰۲,۴۹	۷۸۵,۴۸۹	Felicity Party
.	۰۱,۲۲	۳۸۴,۰۰۹	Democratic Left Party
.	۰۱,۱۵	۳۶۳,۸۶۹	New Turkey Party
.	۰۱,۰۲	۳۲۲,۰۹۳	Great Unity Party
.	۰۰,۹۴	۲۹۴,۹۰۹	Homeland Party
.	۰۰,۵۱	۱۵۹,۸۴۳	Workers' Party
.	۰۰,۴۸	۱۵۰,۴۸۲	Independent Turkey Party
.	۰۰,۳۴	۱۰۶,۰۲۳	Freedom and Solidarity Party
.	۰۰,۲۸	۸۹,۳۳۱	Liberal Democratic Party
.	۰۰,۲۲	۶۸,۲۷۱	Nation Party
.	۰۰,۱۹	۵۹,۱۸۰	Communist Party of Turkey
۹	۰۱,۰۰	۳۱۴,۲۵۱	Independents
۵۵۰	۱۰۰,۰۰	۳۱,۵۲۸,۷۸۳	

نوع دیگر نظام‌های تناسبی که فهرستی نیست، نظام رأی واحد قابل انتقال یا STV^{۳۲} است که در مقایسه با نظام تناسبی فهرستی پیچیده‌تر بوده و کمتر استفاده می‌شود. این نظام تناسبی که هم‌اکنون تنها در مالت و ایرلند برای انتخابات مجلس استفاده می‌شود، (IDEA, 2023) به نوعی مشابه نظام ترجیحی اما برای چندین نماینده است. به این معنی که رأی‌دهندگان داوطلبین مورد نظر خود را بر حسب ترجیح و اولویت فهرست کرده اما در نهایت نه یک نفر که بر حسب اندازه حوزه انتخابیه چندین برنده برگزیده خواهند شد. هر چند در این نظام انتخابات رأی‌دهی به صورت فهرستی انجام نشده و به مانند یک الگوی اکثریتی چندکرسی یا رأی بلوکی انجام می‌شود، اما شیوه شمارش در نهایت منجر به نتایجی با تناسب بالا شده که باعث طبقه‌بندی این نظام ذیل خانواده نظام‌های تناسبی می‌شود. (Gallagher, 1992)

نظام‌های انتخاباتی ترکیبی

خانواده نظام‌های انتخاباتی ترکیبی^{۳۳}، به نوعی حد وسط نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی است و با بهره‌گیری از المان‌هایی از هر دو خانواده دیگر، تلاش می‌کند تا به نوعی تعادل میان ویژگی‌های آن‌ها برسد. این خانواده از نظام‌های انتخاباتی که استفاده از آن‌ها از دهه ۹۰ میلادی رواج یافت، انواع مختلفی داشته و به نحوه‌های متنوعی از نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی در کنار یک‌دیگر استفاده می‌کنند. درباره دسته‌بندی این خانواده از نظام‌های انتخاباتی نظرات متفاوتی وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

دسته اول از خانواده نظام‌های ترکیبی، نظام‌های ترکیبی مستقل^{۳۴} هستند که رایج‌ترین آن‌ها نظام‌های موازی^{۳۵} (Reynolds et al., 2004) یا ترکیبی اکثریتی^{۳۶} (به دلیل غلبه بعد اکثریتی آن‌ها) (Shugart & Wattenberg, 2001) یا نظام‌های مستقل مبتنی بر برهم‌نهی^{۳۷} (Bormann & Golder, 2013; Massicotte & Blais, 1999) است که ما در ادامه از آن‌ها به نظام‌های موازی یاد می‌کنیم.



شکل ۱۰: نظام‌های ترکیبی مورد استفاده در دنیا. منبع: (IDEA, 2023) با برخی تغییرات در تعاریف

منظور از نظام‌های موازی، نظامی است که در آن از یک‌سو بخشی از نمایندگان با استفاده از یکی از نظام‌های اکثریتی در کل کشور برگزیده شده (که به این یک سطح^{۳۸} از انتخابات می‌گویند) و از سوی دیگر بخشی دیگر از نمایندگان با استفاده از یکی از نظام‌های تناسبی در کل کشور برگزیده می‌شوند (سطح دیگری از انتخابات). نیاز به دقت است که در نظام‌های موازی حوزه‌های انتخابیه کشور به دو دسته که در دسته‌ای نمایندگان به صورت اکثریتی و در دسته دیگر به صورت تناسبی انتخاب می‌شوند تقسیم نمی‌شوند (در ادامه به نظام‌های

^{۳۳} Mixed

^{۳۴} Independent

^{۳۵} Parallel

^{۳۶} Mixed-member Majoritarian (MMM)

^{۳۷} Superposition

^{۳۸} Tier

انتخاباتی که به این شکل هستند می‌پردازیم)، بلکه ابتدا کل کشور به حوزه‌های انتخابیه‌ای که نمایندگان در آن به صورت اکثریتی انتخاب می‌شوند تقسیم می‌شود و سپس مجدداً در کل کشور در یک یا چند حوزه انتخابیه تعدادی از نمایندگان به صورت تناسبی انتخاب می‌شوند. به زبانی دیگر، هر شهروند به دو شکل بر نتیجه انتخابات اثر می‌گذارد، با مشارکت در انتخاباتی با نظام اکثریتی (سطح اکثریتی انتخابات) و با مشارکت در انتخاباتی با نظام تناسبی (سطح تناسبی انتخابات).

این تلفیق دو نظام انتخاباتی مختلف در یک نظام به این شکل محقق می‌شود که برگه رأیی که هر شهروند به صندوق می‌اندازد، شامل یک رأی برای انتخابات اکثریتی محلی و انتخاب نماینده محلی خود، و یک رأی برای انتخابات تناسبی ملی (یا گسترده‌تر از محلی) و انتخاب فهرست (عموماً به شکل فهرست بسته) سیاسی مد نظر خود است. به عنوان مثال در شکل زیر که مربوط به انتخابات سال ۱۹۹۷ مجلس در آلبانی است، رأی‌دهندگان بایستی در یک طرف برگه رأی از میان داوطلبان حوزه انتخابیه محلی خود که در قالب انتخابات اکثریتی دومرحله‌ای در ۱۱۵ حوزه انتخابیه مجزای دربرگیرنده کل آلبانی رقابت می‌کنند و در طرف دیگر برگه رأی از میان فهرست‌هایی که در قالب یک انتخابات تناسبی فهرستی در سطح ملی بر سر ۴۰ کرسی رقابت می‌کنند (ODIHR, 1997) انتخاب کنند.

شکل ۱۱: برگه رأی انتخابات ترکیبی موازی در انتخابات ۱۹۹۷ مجلس آلبانی. منبع: (ACE Project, 2023)

به عنوان مثال در جدول زیر، نتایج انتخابات مجلس دومای روسیه در سال ۲۰۲۱ که با نظام انتخاباتی ترکیبی موازی برگزار شده است آمده است. در این نظام انتخاباتی، از ۴۵۰ کرسی مجلس دوما نیمی از کرسی‌ها (۲۲۵ کرسی) به سطح اکثریتی شامل حوزه‌های انتخابیه اکثریتی تک کرسی در همه نقاط روسیه اختصاص، و نیمی دیگر از کرسی‌ها به سطح تناسبی در قالب یک حوزه انتخابیه سراسری شامل کل کشور اختصاص پیدا کرده

است. نصاب لازم برای کسب کرسی در سطح تناسبی برابر با ۵ درصد آراء بوده و همان‌طور که در جدول زیر می‌بینیم به احزابی که ۵ درصد از آراء در سطح تناسبی (ملی) را کسب نکرده‌اند هیچ کرسی در سطح تناسبی اختصاص پیدا نکرده است. در نهایت تعداد کرسی‌های اختصاص پیدا کرده به هر حزب یا جریان سیاسی برابر با کرسی‌های کسب‌شده توسط داوطلبان وابسته به آن در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی بعلاوه تعداد کرسی‌های تخصیص پیدا کرده به آن در انتخابات تناسبی ملی است. (ODIHR, 2021c)

جدول ۶: نظام انتخابات ترکیبی موازی در انتخابات ۲۰۲۱ مجلس دوماي روسیه. منبع: شسی

حزب	اکثریتی			تناسبی			کل
	آراء	درصد آراء	کرسی‌ها	آراء	درصد آراء	کرسی‌ها	
United Russia	۲۵۲۰۱۰۴۸	۴۷,۴۶	۱۹۸	۲۸۰۶۴۲۰۰	۵۰,۸۸	۱۲۶	۳۲۴
Communist Party	۸۹۸۴۵۰۶	۱۶,۹۲	۹	۱۰۶۶۰۶۶۹	۱۹,۳۳	۴۸	۵۷
Liberal Democratic Party	۳۲۳۴۱۱۳	۶,۰۹	۲	۴۲۵۲۲۵۲	۷,۷۱	۱۹	۲۱
A Just Russia — For Truth	۴۸۸۲۵۱۸	۹,۱۹	۸	۴۲۰۱۷۴۴	۷,۶۲	۱۹	۲۷
New People	۲۶۸۴۰۸۲	۵,۰۵	۰	۲۹۹۷۷۴۴	۵,۴۳	۱۳	۱۳
Russian Party of Pensioners for Social Justice	۱۹۶۹۹۸۶	۳,۷۱	۰	۱۳۸۱۹۱۵	۲,۵۱	۰	۰
Yabloko	۱۰۹۱۸۳۷	۲,۰۶	۰	۷۵۳۲۶۸	۱,۳۷	۰	۰
Communists of Russia	۱۶۳۹۷۷۴	۳,۰۹	۰	۷۱۵۶۲۱	۱,۳۰	۰	۰
Russian Ecological Party "The Greens"	۵۴۱۲۸۹	۱,۰۲	۰	۵۱۲۴۱۸	۰,۹۳	۰	۰
Rodina	۸۲۹۳۰۳	۱,۵۶	۱	۴۵۰۴۴۹	۰,۸۲	۰	۱
Russian Party of Freedom and Justice	۳۷۲۸۶۷	۰,۷۰	۰	۴۳۱۵۳۰	۰,۷۸	۰	۰
Green Alternative	۱۲۰۱۳۷	۰,۲۳	۰	۳۵۷۸۷۰	۰,۶۵	۰	۰
Party of Growth	۵۱۵۰۲۰	۰,۹۷	۱	۲۹۱۴۶۵	۰,۵۳	۰	۱
Civic Platform	۳۸۶۶۶۳	۰,۷۳	۱	۸۶۹۶۴	۰,۱۶	۰	۱
نامزدهای مستقل	۶۴۶۹۵۰	۱,۲۲	۵				۵
مجموع	۵۵۱۵۸۱۰۹	۱۰۰,۰۰	۲۲۵	۵۳۱۰۰۰۹۳	۱۰۰,۰۰	۲۲۵	۴۵۰

دلیل توصیف این نظام های انتخاباتی با نام‌هایی چون موازی، مستقل و یا ترکیبی اکثریتی پررنگ‌تر بودن المان اکثریتی انتخابات است، به این معنی که آراء احزاب و جریان‌های سیاسی در رده ملی لزوماً تناسبی با کل تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به آن‌ها نداشته و یک حزب یا جریان سیاسی ممکن است با عملکرد قوی در سطح محلی و اکثریتی درصد کرسی‌های بسیار بیشتری نسبت به درصد آراء خود در سطح ملی به دست بیاورد. به عنوان مثال در جدول قبلی و نتایج انتخابات ۲۰۲۱ دوماي روسیه، حزب United Russia با وجود کسب حدود نیمی از آراء در سطح ملی، ۷۲ درصد کرسی‌های کل دوما را به دلیل عملکرد قوی خود در سطح اکثریتی تصاحب کرد.

دسته بعدی نظام‌های انتخاباتی ترکیبی، نظام‌های انتخاباتی وابسته^{۳۹} (Bormann & Golder, 2013; Norris, 2004; Reynolds et al., 2004) یا ترکیبی تناسبی (MMP)^{۴۰} (Norris, 2004; Reynolds et al., 2004) هستند. این دسته از نظام‌های انتخاباتی نیز به مانند نظام‌های موازی در سطوح مختلف برگزار می‌شوند، به این معنی که رأی‌دهندگان از یک سو در حوزه‌های انتخابیه محلی که کل کشور را پوشش می‌دهد، بر انتخاب تعدادی از نمایندگان در قالب نظامی اکثریتی و از سوی دیگر در یک حوزه انتخابیه ملی یا چندین حوزه انتخابیه پوشش‌دهنده کل کشور، بر انتخاب تعدادی از نمایندگان در قالب یک نظام تناسبی فهرستی اثر می‌گذارند.

اما تفاوت اساسی نظام‌های موازی و وابسته در اثرگذاری نتایج دو سطح مختلف انتخابات بر یک‌دیگر است. به این معنی که بر خلاف نظام موازی که هر یک از سطوح انتخابات به جدایی و بر اساس فرمول خود کرسی‌ها را به داوطلبان و احزاب اختصاص می‌دهند، در نظام وابسته نتایج و تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته در یک سطح می‌تواند بر تخصیص کرسی‌ها در سطح دیگر تأثیرگذار باشد.

به عنوان مثال، یکی از رایج‌ترین سازوکارهای مورد استفاده از نظام‌های ترکیبی وابسته، ساز و کار تصحیح^{۴۱} است که در آن تخصیص کرسی‌ها در سطح تناسبی با هدف کاهش عدم تناسب ایجادشده میان تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به احزاب مختلف در سطح اکثریتی و میزان رأی آن‌ها در سطح تناسبی است. جدول زیر به انتخابات عمومی نیوزیلند در سال ۱۹۹۶ اختصاص دارد که با نظام ترکیبی وابسته و با روش تصحیح، در یک سطح با ۶۵ حوزه انتخابیه تک‌کرسی اکثریتی و در یک سطح با نظام تناسبی فهرستی در یک حوزه انتخابیه ملی با لیست بسته و نصاب ۵ درصد برگزار شد. (Reynolds et al., 2004, p. 100)

جدول ۷: نظام انتخابات ترکیبی وابسته در انتخابات ۱۹۹۶ عمومی نیوزیلند. منبع: (Wikipedia, 2022a)

فهرست	سطح اکثریتی		سطح تناسبی			مجموع	
	آراء	درصد از کل آراء	کرسی‌ها	آراء	درصد از کل آراء	کرسی‌ها	درصد از کل کرسی‌ها
National	۶۹۹,۰۷۳	۳۳,۹۱	۳۰	۷۰۱,۳۱۵	۳۳,۸۴	۱۴	۳۶,۶۷
Labour	۶۴۰,۸۸۴	۳۱,۰۸	۲۶	۵۸۴,۱۵۹	۲۸,۱۹	۱۱	۳۰,۸۳
NZ First	۲۷۸,۱۰۳	۱۳,۴۹	۶	۲۷۶,۶۰۳	۱۳,۳۵	۱۱	۱۴,۱۷
Alliance	۲۳۱,۹۴۴	۱۱,۲۵	۱	۲۰۹,۳۴۷	۱۰,۱۰	۱۲	۱۰,۸۳
ACT	۷۷,۳۱۹	۳,۷۵	۱	۱۲۶,۴۴۲	۶,۱۰	۷	۶,۶۷
United NZ	۴۲,۶۶۶	۲,۰۷	۱	۱۸,۲۴۵	۰,۸۸	۰	۰,۸۳
Christian Coalition	۳۱,۹۹۵	۱,۵۵	۰	۸۹,۷۱۶	۴,۳۳	۰	۰,۰۰
Legalise Cannabis	۰۳,۴۲۰	۰,۱۷	۰	۳۴,۳۹۸	۱,۶۶	۰	۰,۰۰

^{۳۹} Dependent

^{۴۰} Mixed-member Proportional

^{۴۱} Correction

۰,۰۰	.	.	۰,۲۹	۰,۵۹۹۰	.	۰,۵۹	۱۲,۱۷۷	McGillicuddy Serious
۰,۰۰	.	.	۰,۲۶	۰,۵۲۸۸	.	۰,۳۶	۰,۷۴۳۷	Progressive Green
۰,۰۰	.	.	۰,۲۰	۰,۴۰۷۰	.	۰,۲۳	۰,۴۷۶۳	Mana Māori Movement
۰,۰۰	.	.	۰,۱۷	۰,۳۵۴۳	—	—	—	Animals First
۰,۰۰	.	.	۰,۱۵	۰,۳۰۱۸۹	.	۰,۲۶	۰,۵۳۸۵	Natural Law
۰,۰۰	.	.	۰,۱۲	۰,۲۵۱۴	—	—	—	Ethnic Minority Party
۰,۰۰	.	.	۰,۱۱	۰,۲۳۶۳	.	۰,۰۶	۰,۱۱۴۰	Green Society
۰,۰۰	.	.	۰,۰۷	۰,۱۴۳۱	.	۰,۲۱	۰,۴۳۷۷	Conservatives
۰,۰۰	.	.	۰,۰۶	۰,۱۲۴۴	.	۰,۰۳	۰,۶۸۶	Superannuitants & Youth
۰,۰۰	.	.	۰,۰۵	۰,۹۴۹	.	۰,۰۳	۰,۶۳۷	Advance NZ
۰,۰۰	.	.	۰,۰۳	۰,۶۷۱	.	۰,۰۳	۰,۵۵۳	Libertarianz
۰,۰۰	.	.	۰,۰۲	۰,۴۷۸	.	۰,۰۱	۰,۲۹۳	Asia Pacific
۰,۰۰	.	.	۰,۰۲	۰,۴۰۴	.	۰,۰۴	۰,۸۱۸	Te Tawharau
۰,۰۰	.	.	—	—	.	۰,۰۱	۰,۱۳۴	Republican
۰,۰۰	.	.	—	—	.	۰,۰۷	۰,۱۵۰۶	Unregistered Parties
۰,۰۰	.	.	—	—	.	۰,۸۰	۱۶,۴۳۶	Independent
۱۰۰,۰۰	۱۲۰	۵۵	۱۰۰,۰۰	۲,۰۷۲,۳۵۹	۶۵	۱۰۰,۰۰	۲,۰۶۱,۷۴۶	total

همان‌طور که در جدول می‌بینید، تخصیص کرسی‌ها به فهرست‌ها در سطح تناسبی به شیوه‌ای انجام گرفته است که مجموع کرسی‌های اختصاص‌یافته به هر فهرست، با در نظر گرفتن کرسی‌های اختصاص‌یافته در سطح اکثریتی، با درصد رأی فهرست‌ها در سطح ملی (تناسبی) متناسب باشد. به عنوان مثال تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به دو فهرست Labour و NZ First در سطح تناسبی برابر است، با وجود این که Labour نزدیک به ۲۸ درصد و NZ First نزدیک به ۱۳ درصد از آراء را در این سطح به خود اختصاص داده‌اند. به دلیل عملکرد قوی فهرست Labour در سطح اکثریتی، این فهرست با تعداد کمتری کرسی در سطح تناسبی نیز در مجموع به تعداد کرسی‌های متناسب با درصد رأی خود در سطح ملی می‌رسید، اما فهرست NZ First به دلیل عملکرد ضعیف در سطح ملی به تعداد کرسی‌های بیشتری در سطح تناسبی نیاز داشت تا مجموع تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به آن متناسب با درصد رأی فهرست در سطح ملی باشد. می‌بینیم که در نتیجه این شیوه از تخصیص، با وجود عملکرد متفاوت فهرست‌ها در سطح اکثریتی، سطح تناسبی به مثابه یک سازوکار تصحیح‌کننده باعث می‌شود تا مجموع تعداد کرسی‌های هر فهرست با درصد آراء کسب شده فهرست در سطح ملی متناسب باشد. در ادامه تصویری از برگه رأی مورد استفاده برای انتخابات ترکیبی در نیوزیلند آمده است.

YOU HAVE 2 VOTES 30001

PARTY VOTE
 Explanation: This vote decides the share of seats which each of the parties listed below will have in Parliament. Vote by putting a tick in the circle immediately after the party you choose.
 Vote for only one party

☐	BUSINESS PARTY
☐	UNION PARTY
☐	SOCIAL DEMOCRAT PARTY
☐	HERITAGE PARTY
☐	WORKER'S LEAGUE
☐	ENVIRONMENTAL PROTECTION PARTY
☐	LIBERTY PARTY
☐	FREE TRADE PARTY
☐	FREEDOM PARTY
☐	CHATHAM ISLANDS PARTY
☐	KOTAHITANGA PARTY
☐	NZ FABIEN PARTY
☐	NZ SOCIALIST PARTY
☐	TRANSUBSTANTIATION PARTY

ELECTORATE VOTE
 Explanation: This vote decides the candidate who will be elected Member of Parliament for the AORAKI ELECTORATE. Vote by putting a tick in the circle immediately before the candidate you choose.
 Vote for only one candidate

☐	BROWN, John
☐	EGGERS, Fiona
☐	HENKEL, Grame
☐	JOHNS, Wayne
☐	LADD, Karen
☐	MOINES, Maria
☐	PERO, Jonathan
☐	STARR, Ruth
☐	WEISS, Mike

Final Directions
 1. If you spoil this ballot paper, return it to the officer who issued it and apply for a new ballot paper.
 2. After voting, fold this ballot paper so that its contents cannot be seen and place it in the ballot box.
 3. You must not take this ballot paper out of the polling place.

شکل ۱۲: نمونه برگه رأی تهیه شده توسط کمیسیون انتخاباتی نیوزیلند برای انتخابات ترکیبی وابسته. منبع: (Green, 2017)

تنوع نظام‌های انتخاباتی موازی و وابسته به مثال‌های شرح داده شده محدود نمی‌شود. بعضا این نظام‌های چندسطحی، بیش از دو سطح داشته و به عنوان مثال یک از یک سطح اکثریتی و دو یا سه سطح تناسبی که بهره می‌برند. به عنوان مثال انتخابات در مجارستان تا سال ۲۰۱۰ در مجارستان در یک سطح از آن ۱۷۶ نماینده در حوزه‌های انتخابیه تک کرسی با نظام اکثریتی، در یک سطح دیگر ۱۵۲ نماینده از ۲۰ حوزه انتخابیه چند کرسی با نظام تناسبی و در سطح سوم ۵۸ نماینده در یک حوزه انتخابیه ملی با نظام تناسبی و سازوکار تصحیح کننده شرح داده شده در مثال نیوزیلند انتخاب می‌شدند. (ODIHR, 2010) هم‌چنین سازوکارهای وابستگی و اثرگذاری سطوح مختلف به سازوکار تصحیح محدود نشده و حتی بعضا تعداد نمایندگان مجلس به دلیل ساز و کار مورد انتخاب ثابت نیست (به عنوان مثال در آلمان). (Massicotte & Blais, 1999) هم‌چنین نظام‌های چندسطحی محدود به نظام‌های ترکیبی نبوده و بعضا کشوری که به کلی از خانواده نظام‌های تناسبی استفاده می‌کند، نسبت به برگزاری انتخابات در چند سطح، با حوزه‌های انتخابیه در اندازه‌های مختلف و سازوکارهایی شبیه به تصحیح در هر سطح می‌کند که از حوصله این گزارش خارج است، به عنوان مثال در دانمارک. (Elklit, Birte Pade, & Nyholm Miller, 2011)

یکی دیگر از دسته‌های برجسته نظام‌های ترکیبی، که در برخی منابع جزو نظام‌های ترکیبی محسوب نشده (Reynolds et al., 2004; Shugart & Wattenberg, 2001) و در برخی منابع به عنوان یکی از دسته‌های ذیل نظام‌های ترکیبی مستقل محسوب می‌شود (Bormann & Golder, 2013; Massicotte & Blais, 1999)

نظام انتخاباتی دوگانه^{۴۲} یا ترکیبی مستقل مبتنی بر همزیستی^{۴۳} است. این دسته از نظام‌های انتخاباتی، از دو دسته قبلی ذکرشده خانواده نظام‌های ترکیبی ساده‌تر بوده و رواج کم‌تری نیز دارد.

در این دسته از نظام‌های انتخاباتی برخلاف دو دسته قبلی، به جای برگزاری انتخابات در دو سطح متفاوت که هر یک پوشش‌دهنده کل کشور باشد، در برخی از مناطق و حوزه‌های انتخابیه از یک نظام انتخاباتی اکثریتی و در دیگر مناطق و حوزه‌های انتخابیه از نظام انتخاباتی تناسبی استفاده می‌شود. در واقع در این دسته از نظام‌های انتخاباتی، بر خلاف نظام‌های موازی و وابسته که هر شهروندی در هر نقطه از کشور در قالب دو نظام انتخاباتی اکثریتی و تناسبی بر نتیجه انتخابات تأثیر می‌گذارد، برخی از شهروندان نمایندگان خود را در قالب نظام اکثریتی و دیگر شهروندان در قالب نظام تناسبی انتخاب می‌کنند.

به عنوان مثال کشور پاناما از چنین نظام انتخاباتی استفاده می‌کند. در انتخابات ۲۰۱۹ مجلس در این کشور، از ۷۱ نماینده مجلس، ۴۵ نفر از حوزه‌های انتخابیه چندکرسی با نظام انتخاباتی تناسبی فهرستی لیست باز در بعضی از مناطق کشور وارد مجلس شده و ۲۶ نماینده دیگر از طریق یک نظام انتخاباتی اکثریتی مبتنی بر اکثریت نسبی در حوزه‌های تک‌کرسی در دیگر مناطق کشور به مجلس راه پیدا کردند. (IFES, 2019)

چالش جدی پیش روی نظام‌های دوگانه، تفاوت ماهیت نمایندگی و شیوه انتخاب نماینده برای مردم نقاط مختلف کشور است، در حالی که در نظام‌های ترکیبی موازی یا وابسته چنین چالشی وجود ندارد.

سایر نظام‌های انتخاباتی

دسته‌بندی ارائه شده در قسمت‌های قبل بخش قابل توجهی از نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در مجالس دنیا را پوشش می‌دهد، اما کماکان چندین نظام وجود دارند که دسته‌بندی آن‌ها ذیل هر کدام از دسته‌های قبلی چالش‌برانگیز است و در این قسمت به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

نخستین و رایج‌ترین دسته از این نظام‌ها، رأی واحد غیر قابل انتقال یا SNTV^{۴۴} است که امروزه در ۵ کشور دنیا برای انتخابات مجلس استفاده می‌شود. (IDEA, 2023) این نظام انتخاباتی از این نظر جالب است که هر چند در ظاهر به نظام‌های انتخاباتی اکثریتی شبیه است، اما در بسیاری از موارد منجر به نتایجی تناسبی می‌شود. در این نظام انتخاباتی که در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی برگزار می‌شود، رأی‌دهندگان تنها می‌توانند به یک داوطلب رأی دهند و در نهایت به ترتیب داوطلبین با بیشترین رأی از حوزه انتخابیه راهی مجلس خواهند شد.

شباهت این نظام انتخاباتی با نظام‌های اکثریتی در شیوه رأی‌دهی مردم و انتخاب برندگان است، اما به این دلیل که هر یک از رأی‌دهندگان تنها می‌تواند به یک داوطلب رأی دهد، در حالی که در نهایت چندین داوطلب برنده خواهند شد، نتایج می‌تواند به انتخابات تناسبی مشابه باشد. به عنوان مثال حزبی که در یک حوزه

^{۴۲} Hybrid

^{۴۳} Coexistence

^{۴۴} Single Non-transferable Vote

انتخابیه دارای چهار کرسی حمایت نیمی از رأی دهندگان را برخوردار است، می تواند با ساماندهی حامیان خود آراء آن ها را بین داوطلبین خود در حوزه انتخابیه به نحوی توزیع کند که دو کرسی از چهار کرسی را تصاحب کند، اما احتمال دارد در صورت عدم برنامه ریزی یا برنامه ریزی نامناسب رقیبان، به تعداد کرسی هایی بیشتر یا کمتر نیز دست یابد و همین موضوع باعث پیچیدگی نظام SNTV علی الخصوص برای احزاب و جریان های سیاسی می شود، اما در طرف مقابل برای شهروندان ساده و قابل فهم است. (Reynolds et al., 2004, p. 113)

نسخه دیگر نظام رأی غیرقابل انتقال، رأی متعدد غیر قابل انتقال،^{۴۵} MNTV یا رأی محدود^{۴۶} است که در آن در حوزه های انتخابیه چند کرسی رأی دهندگان می توانند به جای یک نفر، به چندین نفر، اما نه همه داوطلبین رأی دهند (در صورت رأی دادن به همه داوطلبین در واقع نظام انتخاباتی همان نظام اکثریتی چند کرسی یا رأی بلوکی است). این نظام انتخاباتی ویژگی های مابین نظام SNTV و اکثریتی چند کرسی دارد. در جدول زیر مثالی برای فهم بهتر نظام های رأی غیرقابل انتقال و مقایسه آن ها با رأی بلوکی در یک حوزه انتخابیه فرضی با ۱۰۰۰۰ رأی دهنده و سه کرسی آمده است و نشان دهنده این است در یک انتخابات اکثریتی چند کرسی عادی، فهرست با هواداران بیشتر به سادگی همه کرسی ها را به دست می آورد، اما در انتخابات با نظام های رأی غیرقابل انتقال مثل SNTV یا MNTV مسئله پیچیده تر و نتیجه غیرقابل پیش بینی تر می شود.

جدول ۸: مقایسه نظام های انتخاباتی SNTV، MNTV و حداکثری چند کرسی در یک مثال. منبع: (Wikipedia, 2022c)

نامزد	فهرست	SNTV			MNTV			حداکثری چند کرسی	
		رأی	درصد رأی	رتبه	رأی	درصد رأی	رتبه	رأی	درصد رأی
الف ۱	الف	۸۰۰	%۸	۴	۱۸۰۰	%۱۸	۴	۳۵۵۵	%۳۶
الف ۲	الف	۱۹۰۰	%۱۹	۱	۳۵۰۰	%۳۵	۱	۳۷۰۰	%۳۷
الف ۳	الف	۷۰۰	%۷	۹	۲۰۰۰	%۲۰	۲	۳۶۰۰	%۳۶
ب ۱	ب	۹۰۰	%۹	۳	۱۷۵۰	%۱۸	۵	۲۶۰۰	%۲۶
ب ۲	ب	۱۱۰۰	%۱۱	۲	۱۹۵۰	%۲۰	۳	۲۵۰۰	%۲۵
ب ۳	ب	۴۰۰	%۴	۱۲	۱۴۲۵	%۱۴	۷	۲۴۰۰	%۲۴
م ۱	مستقل	۸۰۰	%۸	۴	۱۴۰۰	%۱۴	۸	۲۳۰۰	%۲۳
م ۲	مستقل	۸۰۰	%۸	۴	۱۵۰۰	%۱۵	۶	۲۳۹۵	%۲۰
م ۳	مستقل	۷۰۰	%۷	۷	۱۳۰۰	%۱۳	۹	۱۹۰۰	%۱۹
م ۴	مستقل	۷۰۰	%۷	۷	۱۲۰۰	%۱۲	۱۰	۱۸۰۰	%۱۵
م ۵	مستقل	۶۰۰	%۶	۱۰	۶۲۵	%۶	۱۱	۶۵۰	%۷
م ۶	مستقل	۵۰۰	%۵	۱۱	۵۵۰	%۶	۱۲	۶۰۰	%۶
جمع		۱۰۰۰۰	%۱۰۰		۱۹۰۰۰	%۱۰۰		۲۸۰۰۰	%۱۰۰
کل آراء ممکن		۱۰۰۰۰			۲۰۰۰۰			۳۰۰۰۰	
رأی دهندگان		۱۰۰۰۰	%۱۰۰		۱۰۰۰۰	%۱۰۰		۱۰۰۰۰	%۱۰۰

^{۴۵} Multiple Non-transferable Vote

^{۴۶} Limited Vote

امروزه نظام‌های SNTV و MNTV در مجموع برای نظام انتخابات شش کشور در دنیا استفاده می‌شوند که نمونه آن انتخابات مجلس عراق پس از تغییر (شامل اخیرترین انتخابات در سال ۲۰۲۱)، افغانستان پیش از اداره توسط طالبان و نمونه برجسته ولی قدیمی آن انتخابات مجلس نمایندگان ژاپن از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۳ است. (Reynolds et al., 2004, p. 113)

یک نظام انتخاباتی نادر که در تنها در کشور کوچک نائورو استفاده می‌شود نیز نظام انتخاباتی Borda Count است. در این نظام انتخاباتی مشابه با نظام‌های ترجیحی، رأی‌دهندگان داوطلبان مورد نظر خود را به ترتیب اولویت روی برگه رأی می‌نویسند، اما شیوه استخراج نامزد/نامزدهای برنده برخلاف نظام‌های ترجیحی که مبتنی بر حذف نامزدها و اختصاص آراء آنها بر حسب اولویت‌های برگه رأی به دیگران، به این شکل است که قرار گرفتن به عنوان اولین نفر در برگه رأی هر نفر یک رأی کامل به آراء داوطلب، قرار گرفتن به عنوان دومین نام به اندازه نیم رأی، قرار گرفتن به عنوان سومین نام به اندازه یک‌سوم رأی و... اضافه می‌کند. (Reynolds et al., 2004, p. 118)

نظام انتخاباتی مجالس کشورهای منطقه

در جدول زیر نظام انتخاباتی مجالس برخی از کشورهای منطقه (بر حسب آخرین انتخابات)، در کنار بعضی از ابعاد برجسته و مرتبط نظام سیاسی آنها آمده است. می‌بینیم در منطقه حول جمهوری اسلامی ایران، حتی میان کشورهای مشابه از نظر فرهنگی نیز تنوع قابل توجهی در نظام‌های انتخاباتی مجالس وجود دارد.

جدول ۹: نظام انتخاباتی مجلس برخی از کشورهای منطقه. منابع: (Carnegie Europe, 2015; Chughtai, 2018; IFES, 2021; ODIHR, 2018, 2020a, 2020b, 2021c, 2021a, 2021b; Stewart-Jolle, 2021)

کشور	نظام انتخابات مجلس	تعداد نمایندگان	حوزه‌های انتخابیه	نظام سیاسی	ملاحظات
عراق	SNTV: حوزه‌های انتخابیه با بیش از یک نماینده و هر فرد تنها رأی به یک داوطلب	۳۲۹	۸۳ حوزه انتخابیه با تعداد مختلف نماینده	پارلمانی انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر توسط مجلس تک‌مجلسی	یک‌چهارم از کرسی‌ها برای بانوان و ۹ کرسی نیز برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است.
ترکیه	تناسبی با لیست بسته	۶۰۰	۸۵ حوزه انتخابیه با تعداد مختلف نماینده	ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم و نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور تک‌مجلسی	نصاب ۱۰ درصد رأی سراسری برای حزب یا ائتلاف حزب
روسیه	موازی دوسطحی یک سطح تناسبی و یک سطح اکثریتی	۴۵۰	۲۲۵ حوزه تک‌کرسی در یک سطح یک حوزه ملی ۲۲۵ کرسی در یک سطح	نیمه‌ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم و نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور دومجلسی	نصاب ۵ درصد رأی سراسری برای سطح تناسبی انتخابات تناسبی لیستی، مشخص شدن نامزدهای برنده هر لیست با فرمولی بر حسب آراء محلی هر لیست
ارمنستان	تناسبی با لیست بسته	حداقل ۱۰۱	یک حوزه ملی	پارلمانی انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر توسط مجلس تک‌مجلسی	نصاب ۵ درصد رأی برای احزاب و ۷ درصد رأی برای ائتلاف‌ها ۴ کرسی برای اقلیت‌ها و حداقل یک‌سوم از برندگان هر لیست از بانوان

تخصیص کرسی‌های بیشتر به احزاب دارای نصاب در صورت کسب بیش از دو سوم رأی توسط حزب/ائتلاف برنده تخصیص کرسی‌های بیشتر به حزب/ائتلاف دارای بیش از نصف رأی برای رسیدن به اکثریت ۵۴ درصد					
-	نیمه‌ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم و نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور تک‌مجلسی	۱۲۵ حوزه تک‌کرسی	۱۲۵	اکثریتی تک‌کرسی	آذربایجان 
نصاب ۱ درصد برای سطح تناسبی انتخابات و نصاب اکثریت مطلق برای سطح اکثریتی	پارلمانی انتخاب نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور توسط مجلس تک‌مجلسی	۳۰ حوزه تک‌کرسی در یک سطح یک حوزه ملی ۱۲۰ کرسی در یک سطح	۱۵۰	موازی دوسطحی یک سطح تناسبی و یک سطح اکثریتی	گرجستان 
نصاب اکثریت مطلق	ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم دومجلسی	۱۲۵ حوزه تک‌کرسی	۱۲۵	اکثریتی تک‌کرسی	ترکمنستان 
نصاب ۷ درصد رأی سراسری در صورت رسیدن تنها یک حزب به نصاب به حزب دوم نیز در تقسیم کرسی‌ها لحاظ شده و حداقل ۲ کرسی دریافت می‌کند	ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم و نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور دومجلسی	یک حوزه ملی با ۹۸ نماینده انتصاب ۹ نماینده توسط رئیس‌جمهور	۱۰۷	دوسطحی با یک سطح تناسبی و یک سطح غیرمستقیم	قزاقستان 
نصاب اکثریت مطلق	ریاستی انتخاب رئیس‌جمهور توسط مردم و نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهور دومجلسی	۱۵۰ حوزه تک‌کرسی	۱۵۰	اکثریتی تک‌کرسی	ازبکستان 
انتخاب ۶۰ نماینده زن و ۱۰ نماینده اقلیت‌ها به صورت تناسبی و بر اساس آراء کسب‌شده احزاب در سطح اکثریتی انتخابات و با نصاب ۵ درصد	پارلمانی انتخاب نخست‌وزیر توسط مجلس و رئیس‌جمهور به صورت غیرمستقیم دومجلسی	۲۷۲ حوزه تک‌کرسی ۷۰ کرسی ملی برای زنان و اقلیت‌ها	۳۴۲	دو سطحی یک سطح اکثریتی و یک سطح تناسبی	پاکستان 

نظام‌های انتخاباتی در قیاس با یک‌دیگر

در بخش‌های قبلی به مرور خانواده‌های مختلف نظام‌های انتخاباتی، چگونگی پیاده‌سازی آن‌ها و نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در کشورهای منطقه پرداختیم. حال بایستی به این سؤال پاسخ داد که هر یک از نظام‌های انتخاباتی مذکور حائز چه ویژگی‌هایی بوده، با چه شرایطی همخوان بوده و چه تأثیری بر رفتار بازیگران مرتبط با انتخابات مجلس و به صورت کلی جامعه دارند؟ پیش از پرداختن به ویژگی‌های نظام‌های انتخاباتی مختلف بایستی به دو نکته اشاره کرد.

نخست این که نظام‌های انتخاباتی مختلف، تأثیر قابل توجهی بر عوامل مختلف مرتبط با انتخابات، از میزان مشارکت و شیوه رأی‌دهی مردم، تا شیوه شرکت جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در انتخابات و در نهایت شیوه

رفتار نمایندگان در مجلس دارند که در آثار مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. در این گزارش، ما مشخصاً بر عناصری که در حال حاضر در انتخابات مجلس در ایران مورد توجه بوده تمرکز خواهیم کرد.

و نکته دوم این که هر چند جمع‌بندی‌ها و تعمیم‌های کلی درباره تأثیرات نظام‌های انتخاباتی مختلف در ادبیات علمی وجود دارد، اما با این وجود بستر و شرایط اجتماعی-سیاسی که نظام‌های انتخاباتی در آن‌ها به کار گرفته می‌شوند نیز اهمیت چشم‌گیری دارد و گاه ممکن است یک نظام انتخاباتی کاملاً یکسان در دو کشور مختلف، نتایج و تبعات کاملاً متضادی داشته باشد. با در نظر داشتن این دو نکته، به سراغ بررسی تأثیرات و ویژگی‌های نظام‌های انتخاباتی مختلف می‌رویم.

عدالت انتخاباتی

صحبت درباره عدالت انتخاباتی از این جهت دشوار است که می‌توان تفاسیر مختلفی از آن ارائه داد. یکی از تفاسیر رایج از عدالت در ادبیات مرتبط با نظام‌های انتخاباتی، مشخصاً اصطلاح Fairness در متون انگلیسی، (Horowitz, 2003) همان تناسب میان آراء و کرسی‌های اختصاص‌یافته به یک جریان سیاسی، در یک کرسی یا مجموع نظام انتخاباتی است. هر چند در اظهار نظر مجموع مشورتی حقوقی شورای نگهبان درباره مصوبه قبلی مجلس برای اصلاح قانون انتخابات نیز به تفسیری مشابه اشاره شده است، (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸، p. ۱۰-۹) اما به نظر می‌رسد در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی در ایران به عدالت انتخاباتی به صورت فردی‌تر و به معنی پیروزی نامزدی که رأی بیشتری کسب کرده است فهم می‌شود.

اگر تعریف اولیه ذکرشده را ملاک قرار دهیم، واضح است که خانواده نظام‌های تناسبی، مشخصاً در راستای برآورده کردن این هدف طراحی شده و آن را بیش از سایر نظام‌ها تأمین می‌کنند. در این نظام‌های انتخاباتی آراء سوخته به نسبت سایر نظام‌ها کمتر بوده، آراء بسیاری از رأی‌دهندگان (نه فقط رأی‌دهندگان به نامزد یا فهرست برنده) در نتیجه تأثیرگذار است و در نتیجه نهایی نیز گروه‌ها و سلايق مختلف متناسب با حمایتی از که مردم دریافت کرده‌اند در مجلس نمایندگی می‌شوند.

نظام‌های اکثریتی لزوماً این هدف را به خوبی نمی‌کنند. در نظام‌های اکثریتی تک‌کرسی ممکن است یک جریان سیاسی با آراء کمتر از رقیب خود در سراسر کشور کرسی‌های نمایندگی بیشتری به دست بیاورد، (Reynolds et al., 2004, p. 11) هر چند این نظام انتخاباتی با تفسیر فردی از عدالت که در انتهای بند قبل ذکر شد سازگار است. اما در میان نظام‌های اکثریتی نظام‌های تک‌کرسی از نظام‌های چند کرسی، یا رأی بلوکی، عادلانه‌تر هستند. با بزرگتر شدن حوزه‌های انتخابیه در نظام اکثریتی حجم آراء محذوف بیشتر شده و بسیار محتمل است تا حجم قابل توجهی از شهروندان که به داوطلبان فهرست بازنده رأی داده بودند هیچ سهمی از کرسی‌های حوزه انتخابیه خود نداشته باشند. (Reynolds et al., 2004, p. 44) اما در خانواده نظام‌های اکثریتی، نظام‌های انتخاباتی ترجیحی و یا دومرحله‌ای با در نظر گرفتن اولویت‌های بعدی شهروندانی که در بسیاری از موارد در نظام‌های اکثریتی ساده تبدیل به آراء محذوف می‌شد، عادلانه‌تر هستند.

نظام‌های انتخاباتی ترکیبی با توجه به بهره گرفتن، بسته به جزئیات طراحی، در نقطه‌ای میان نظام‌های اکثریتی و تناسبی از نظر تحقق عدالت انتخاباتی قرار می‌گیرند. در میان دیگر نظام‌های انتخاباتی نیز نظام

SNVT هر چند در بسیاری از موارد نتایجی شبیه به نظام‌های تناسبی تولید می‌کند، اما بسته به رفتار و تصمیمات بازیگران ممکن است منجر به نتایجی با حجم زیادی از آراء سوخته و در نتیجه ناعدالتی شود.

اندازه و تکرار احزاب و جریان‌های سیاسی و ترکیب نمایندگان مجلس

همان‌طور که در بخش نظام‌های انتخابات و سایر اجزای نظام سیاسی نیز به آن اشاره کردیم، از دیرباز نگاهی کلی نسبت به تأثیر نظام‌های اکثریتی و تناسبی بر شیوه رقابت احزاب وجود داشته است که شاید قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آن به بیان دوورجر در سال ۱۹۵۴ برگردد که نظام‌های اکثریتی (مشخصاً در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده‌ای) به یک نظام دو حزبی و نظام‌های تناسبی به نظام چندحزبی منجر می‌شوند. (Duverger, 1954) این موضوع با بررسی‌های آماری انجام‌شده بر کشورهای استفاده‌کننده از این نظام‌ها نیز ثابت شده و در مجموع موارد استفاده از خانواده نظام‌های تناسبی، تعداد احزاب حاضر در مجلس از موارد استفاده‌کننده از نظام اکثریتی بیشتر بوده است.

در واقع نظام اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی بدین شکل عمل می‌کند که در هر حوزه انتخابیه، با کنار گذاشتن جریان‌ها و احزاب سیاسی که برنده نمی‌شوند، و با گسترده‌گی جغرافیایی خود، درصد قابل توجهی از کرسی‌ها را به احزابی می‌دهد که بتوانند در تعداد زیادی از حوزه‌های انتخابیه رقابت کرده و پیروز شوند که عمدتاً منجر به شکل‌گیری دو جریان قدرت‌مند (در بسیاری از جریان‌های موسوم چپ و راست) می‌شود که به صورت دوره‌ای نقش اکثریت حاکم بر مجلس و اپوزیسیون را با یک‌دیگر تعویض می‌کنند. (Reynolds et al., 2004, p. 36) هر چند عدم شکل‌گیری احزاب بیشتر و کوچک‌تر در نظام اکثریتی یک قاعده نیست (به عنوان مثال احزابی که مبتنی بر یک منطقه جغرافیایی خاص باشند امکان شکل‌گیری و موفقیت دارند، Norris, 2004, p. 94) نظیر حزب ملی اسکاتلند در مجلس انگلستان) و امکان شکل‌گیری و حضور بیش از دو حزب قدرت‌مند نیز وجود دارد، اما همان‌طور که در قسمت قبلی نیز ذکر شد نظام اکثریتی مبتنی بر حوزه‌های تک‌کرسی در نهایت متمایل به تعداد احزاب کم‌تر و قدرت‌مندتر است. مزیت این ویژگی نظام‌های اکثریتی مبتنی بر حوزه‌های تک‌کرسی، در صورت پارلمانی بودن نظام سیاسی شکل‌گیری دولت‌های قدرت‌مند و تک‌حزبی و در صورت ریاستی بودن آن وجود یک اکثریت حامی و همکار دولت در مجلس است. (Reynolds et al., 2004, p. 36)

نظام اکثریتی در حوزه‌های چندکرسی نیز ویژگی‌های مشابه اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی اما شدیدتر از آن دارد. این نظام انتخاباتی موجب پیروزی‌های به شدت نامتناسب با میزان آراء برای جریان‌های سیاسی قدرت‌مندتر شده و بعضاً باعث حذف کامل دیگر جریان‌های سیاسی از مجلس می‌شود که آثار مخربی به جریان داشته و که موجب عدم استمرار استفاده از این نظام انتخاباتی در بسیاری از کشورها و جایگزینی آن با نظام‌های دیگر شده است. (Reynolds et al., 2004, p. 44) عدم وجود حداقلی از تکرار و یک اپوزیسیون منسجم در مجلس، علاوه بر ضربه زدن به مشروعیت آن نزد سلاقی و جریان‌های مختلف جامعه، می‌تواند به ثبات سیاسی^{۴۷} مجلس نیز آسیب بزند، به این شکل که مجلس مدام میان جریان‌های مختلفی که باورها و

منافع متفاوت داشته، و در عین حال مانع جدی نظیر یک اپوزیسیون قدرت‌مند پیش روی خود نمی‌بیند دست‌به‌دست شده و در بازه‌های زمانی کوتاه سیاست‌های اتخاذشده توسط آن تغییرات شدید و بعضاً نامطلوب و رادیکالی می‌کند. (Reynolds et al., 2004, p. 58)

در نقطه مقابل نظام‌های اکثریتی، نظام‌های تناسبی به صورت کلی منجر به حضور احزاب بیشتر و کوچک‌تری در مجلس می‌شوند. البته میزان این تكثر و اندازه احزاب تا حدی خوبی به جزئیات نظام تناسبی اتخاذشده مرتبط بوده و می‌تواند منجر به نتایج بسیار متفاوت شود. از یک‌سو، اتخاذ حوزه‌های انتخابیه بزرگ‌تر، نصاب‌های پایین‌تر و فرمول‌هایی که در توزیع کرسی‌ها به احزاب کوچک‌تر امتیاز می‌دهند، منجر به تكثر بیشتر و در سوتی دیگر حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر، نصاب‌های بزرگ‌تر و فرمول‌هایی که در توزیع کرسی‌ها به احزاب بزرگ‌تر امتیاز می‌دهند منجر به سطح پایین‌تری از تكثر و راه نیافتن جریان‌های کوچک‌تر به مجلس می‌شود. (Gallagher, 1992; Reynolds et al., 2004, pp. 77-84) از یک‌سو در صورت وجود نصاب‌های بالا و حوزه‌های انتخابیه کوچک، نظام تناسبی می‌تواند منجر به نتایجی شبیه به یک نظام اکثریتی بشود (نظیر انتخابات ۲۰۰۲ ترکیه که به عنوان یک مثال برای اهمیت نصاب در نظام‌های انتخاباتی تناسبی در بخش قبلی به آن اشاره کردیم) یا در طرف مقابل در صورت عدم وجود نصاب و حوزه‌های انتخابیه بزرگ منجر به حد شدیدی از تكثر و تکه‌تکه‌شدن احزاب و جریان‌های سیاسی و ایجاد مجلسی شود که به دلیل حضور جریان‌های متعدد و متكثر پیش‌بینی نتایج آن، از جمله شکل‌گیری دولت در نظام‌های پارلمانی، بسیار دشوار باشد. بعضاً به چنین شرایطی ناشی از اتخاذ نظام‌های تناسبی با چنین ویژگی‌هایی تكثر قطبیده‌شده^{۴۸} می‌گویند. (Horowitz, 2003, pp. 121-122)

در جایگاهی میان نظام‌های اکثریتی و تناسبی، نظام‌های ترکیبی می‌توانند با انتخاب تعداد کرسی‌ها در هر سطح و همچنین جزئیات نظام‌های اکثریتی و تناسبی هر سطح، در نقطه مد نظر و مطلوب خود در طیفی که یک‌سوی آن شکل‌گیری احزاب اندک و قدرت‌مند و در سوی دیگر آن احزاب متكثر و ضعیف است بایستند. نظام SNTV نیز با توجه به اندازه حوزه‌های انتخابیه و همچنین استراتژی احزاب و جریان‌های سیاسی نتایج مختلفی داشته باشد و میزان تكثر و انشقاقی کمتر از نظام تناسبی یا بیشتر از آن داشته باشد.

شکل‌گیری و پاسخگویی احزاب سیاسی

نظام‌های تناسبی و اکثریتی هر یک تأثیرات خود را بر شکل‌گیری و پاسخگو نگاه داشتن احزاب سیاسی دارند. نظام‌های تناسبی، برخلاف نظام‌های اکثریتی که انتخابات را به نبردی بر سر همه یا هیچ (برنده شدن در یک حوزه انتخابیه یا بازنده شدن) تبدیل می‌کنند، به احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف این امکان را می‌دهند که متناسب با هویت و میزان استقبال و حمایت از ایده‌های خود، بخشی از کرسی‌های یک حوزه انتخابیه را به دست بیاورند. در حالی که در نظام‌های اکثریتی احزاب به دلیل نیاز به برنده شدن در حوزه‌های انتخابیه بیشتر برای به دست آوردن کرسی‌های بیشتر، تلاش خواهند کرد تا در هر حوزه انتخابیه ایده‌ها و هویت خود را کنار گذاشته و به دنبال جلب حمایت گروه‌های مختلف باشند. ناظر به این موضوع، نظام‌های تناسبی به

شکل‌گیری هویت و ایده احزاب، و تمایز آن‌ها با یک‌دیگر، کمک می‌کنند. (Norris, 2004, p. 130) مشخصاً این ویژگی برای کشورهایی که هنوز نظام حزبی شکل‌یافته و نهادینه‌شده‌ای ندارند ارزشمند است. (Reynolds et al., 2004, p. 57)

اما در زمینه پاسخگویی هر یک از نظام‌های اکثریتی و تناسبی مزایا و معایبی دارند. نخست این که نظام‌های اکثریتی که اغلب منجر به رقابت دو حزب یا جریان سیاسی بزرگ شده و سایر بازیگران را از زمین بازی حذف می‌کند، می‌توانند منجر به یک رقابت حداقلی بین این دو حزب و کاهش پاسخگویی آن‌ها شود، به این دلیل که هر دو حزب می‌دانند که برای پیروزی تنها لازم است در دوره انتخابات تنها به اندازه کافی با وعده دادن یا تخریب تنها گزینه بدیل خود یعنی حزب یا جریان دیگر، پیروز شده و نگران ظهور حزب یا جریان سومی که با آن‌ها رقابت کند نیستند. این موضوع که شاید برای ما در ایران نیز آشنا باشد، در کشور نیوزیلند منجر به تغییر نظام انتخاباتی شد. (Shugart & Wattenberg, 2001, pp. 45-46)

هم‌چنین یک ایراد دیگر نظام‌های اکثریتی، امکان حساب باز کردن احزاب و جریان‌های سیاسی روی برخی از حوزه‌های انتخابیه که به دلایلی نظیر بافت جمعیتی، فرهنگی یا مذهبی در آن‌ها محبوب هستند، به عنوان پایگاه رأی دائمی و اطمینان خاطر از برنده شدن در آن‌هاست. در چنین شرایطی احزاب و جریان‌ها در حوزه‌های انتخابیه‌ای که از پیروزی خود اطمینان دارند، نسبت به افراد حامی دیگر جریان‌ها و احزاب سیاسی در این حوزه‌های انتخابیه، یا همان افرادی که آراء محذوف را در انتخابات تشکیل می‌دهند، پاسخگو نبوده و بخشی از مردم چنین حوزه‌های انتخابیه‌ای تقریباً شانس برای داشتن نماینده‌ای که دیدگاه‌ها و سلیق آن‌ها را نمایندگی کند ندارند. (Reynolds et al., 2004, p. 43) نظام اکثریتی در حوزه‌های چندکرسی این مشکل را به شکل بسیار شدیدتری از همانندهای تک‌کرسی خود دارد، کما این که نمونه آن را در برخی از حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران می‌بینیم.

ارتباط نمایندگان با احزاب و جریان‌های سیاسی و مردم

اگر پاسخگو بودن نمایندگان مجلس به احزاب یا مردم حوزه انتخابیه خود را در دو سوی یک طیف قرار دهیم، که در یک‌سوی آن نمایندگان تقریباً با مردم حوزه انتخابیه خود ارتباط خاصی نداشته و تنها به حزب پاسخگو هستند، و در سوی دیگر آن نمایندگان پاسخگویی اندکی به حزب و جریان سیاسی متبوع خود داشته و بیشتر بر جلب رضایت مردم حوزه انتخابیه خود متمرکز هستند، نظام‌های سیاسی مختلف در نقاط مختلفی از این طیف قرار می‌گیرند.

ابتدا بایستی این موضوع را در نظر داشت که فارغ از نوع نظام انتخاباتی، با بزرگ شدن اندازه حوزه انتخابیه ارتباط نمایندگان با مردم حوزه انتخابیه کاهش و با حزب یا جریان سیاسی متبوع خود افزایش می‌یابد. با در نظر داشتن این موضوع نسبتاً روشن خواهد بود بیشترین پاسخگویی نمایندگان به مردم و کمترین پاسخگویی به احزاب سیاسی در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی اتفاق می‌افتد که رایج‌ترین نظام انتخاباتی برای آن‌ها نظام انتخاباتی اکثریتی است. با گسترش اندازه حوزه انتخابیه و افزایش تعداد کرسی‌های حوزه انتخابیه، جزئیات نظام انتخاباتی مورد استفاده تعیین‌کننده خواهد بود. در نظام‌های تناسبی، در صورت استفاده از فهرست‌های

بسته، نمایندگان مجلس پاسخگویی بسیار کمی به مردم حوزه انتخابیه خود خواهند داشت زیر سرنوشت ورود یا عدم ورود آن‌ها به مجلس در دست تهیه‌کنندگان فهرست است. اما در نظام‌های انتخاباتی تناسبی با فهرست باز یا آزاد، به دلیل تأثیر رأی‌دهندگان در ترتیب راهیابی داوطلبان فهرست‌های مختلف، پاسخگویی نمایندگان به احزاب و جریان‌های سیاسی تعدیل شده و به جای آن پاسخگویی به مردم حوزه انتخابیه افزایش می‌یابد. نظام‌های ترکیبی نیز بسته به تعداد کرسی‌های اکثریتی و تناسبی خود در نقاط میانی طیف جای می‌گیرند. (Norris, 2004, pp. 230–233)

نظام‌های انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های چندکرسی، در حوزه‌های بزرگ و با تعداد نماینده قابل توجه، با توجه به ماهیت همه یا هیچ نظام اکثریتی، ویژگی‌هایی شبیه به نظام تناسبی با لیست بسته ولی نه به شدت آن (با توجه به امکان رأی‌دهی به نامزدهای مختلف) دارد. اما در مجموع می‌توان گفت که در حوزه‌های بزرگ از نظر تعداد کرسی یا جمعیت نظام اکثریتی چندکرسی در مقایسه نظام‌های تناسبی با فهرست باز یا آزاد منجر به پاسخگویی بیشتر به احزاب و کمتر به مردم و در مقایسه با نظام‌های تناسبی با فهرست بسته منجر به پاسخگویی کمتر به احزاب و بیشتر به مردم می‌شود و به نوعی در میان آن‌ها قرار دارد.

مشارکت در انتخابات

عوامل بسیاری بر مشارکت در یک انتخابات تأثیر می‌گذارند که برخی از آن‌ها به صورت کلی مرتبط با برگزاری انتخابات و برخی مشخصاً مرتبط با نظام انتخابات مورد استفاده است. طبق نظریات انتخاب منطقی، انگیزه‌های شهروندان برای مشارکت در انتخابات متأثر از هزینه‌های شرکت در انتخابات، گزینه‌های موجود در انتخابات و میزان تأثیرگذاری هر رأی بر نتیجه انتخابات و چیدمان مجلس است. به عنوان مثال زمان لازم برای انداختن رأی در صندوق یا فاصله زمانی میان انتخابات‌ها هر چند مشخصاً به نظام انتخابات مرتبط نبوده، اما از طریق بالا یا پایین بردن میزان زمان لازم برای مشارکت در انتخابات بر انگیزه شهروندان برای مشارکت تأثیر می‌گذارند. (Norris, 2004, pp. 174–176) در این میان نظام‌های انتخابات مختلف با تفاوت‌هایی که در گزینه‌های عرضه‌شده به رأی‌دهندگان و تأثیر هر رأی بر خروجی انتخابات دارند، انگیزه شهروندان برای مشارکت را بیشتر یا کمتر کنند.

طبق مطالعه انجام‌شده توسط نوریس، (Norris, 2004, p. 176) که با نتایج دیگر مطالعات نیز مشابه است، (Reynolds et al., 2004, p. 58) با ثابت در نظر گرفتن بقیه عوامل، نظام‌های انتخاباتی تناسبی در مقایسه با اکثریتی، و حوزه‌های انتخابیه کوچک در مقایسه با بزرگ، انگیزه بیشتری برای مشارکت در انتخابات فراهم می‌کنند. چرایی مشارکت بیشتر در نظام‌های تناسبی تا حد خوبی به مسئله آراء سوخته در نظام‌های اکثریتی و انگیزه آن‌ها برای شرکت در نظام‌های تناسبی بازمی‌گردد. (Norris, 2004, p. 162) در حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر نیز می‌توان دلیل مشارکت بیشتر نسبت به حوزه‌های انتخابیه بزرگ‌تر را برخاسته از ارتباط نزدیک‌تر و بیشتر نمایندگان و داوطلبان با مردم حوزه انتخابیه (به دلیل کمتر بودن تعداد آن‌ها) دانست که انگیزه‌هایی برای رأی دادن به داوطلبان ایجاد می‌کند (نظیر ویژگی‌های شخصی داوطلب، نه جهت‌گیری سیاسی آن) که در حوزه‌های بزرگ‌تر ایجاد نمی‌شود. (Norris, 2004, p. 163).

با در نظر داشتن این موارد معقول به نظر می‌رسد که نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های چندکرسی و بزرگ در زمره ضعیف‌ترین نظام‌های انتخاباتی از منظر مشارکت شهروندان در انتخابات باشد. نظام‌های ترکیبی نیز بسته به جزئیاتی نظیر تعداد کرسی‌ها در سطح اکثریتی و تناسبی و جزئیات نظام تناسبی و اکثریتی مورد استفاده در هر سطح جایی در میان نظام‌های اکثریتی و تناسبی جای می‌گیرند. در جدول زیر میزان مشارکت در انتخابات در کشورهای مختلف دنیا در سال ۱۹۹۰ را می‌بینیم که مؤید نتایج ذکر شده است.

جدول ۹: میانگین مشارکت در نظام‌های انتخاباتی مختلف. منبع: (Norris, 2004, p. 162) با برخی تغییر در تعاریف

نظام انتخاباتی	میانگین مشارکت	تعداد
اکثریتی		
رأی ترجیحی	۶۵,۵۰	۲
دو مرحله‌ای	۵۸,۵۰	۲۱
اکثریتی تک‌کرسی	۶۱,۲۰	۴۳
اکثریتی چندکرسی	۵۶,۵۰	۹
همه نظام‌های اکثریتی	۶۰,۶	۷۵
ترکیبی		
ترکیبی وابسته	۶۶,۶۰	۷
ترکیبی مستقل	۶۳,۵۰	۱۹
همه نظام‌های ترکیبی	۶۴,۰۰	۲۶
تناسبی		
تناسبی فهرستی	۷۰,۰۰	۵۹
STV	۸۳,۴۰	۲
همه نظام‌های تناسبی	۷۰,۰۰	۶۱
همه نظام‌های انتخاباتی	۶۵,۱۵	۱۶۲

اقلیت‌ها و تنش‌های قومی و نژادی و شکاف‌های اجتماعی

دربارگرفتن قومیت‌ها، نژادها، مذاهب و به صورت کلی اقلیت‌های^{۴۹} مختلف همواره یکی از چالش‌های پیش روی نظام‌های انتخاباتی مختلف بوده است و نظام‌های انتخاباتی مختلف از ابتکارهای مختلف برای مواجهه با این موضوع استفاده کرده‌اند. نظام‌های تناسبی، در صورتی که استفاده از نصاب و حوزه‌های انتخابیه مناسب (در ساده‌ترین حالت یک حوزه انتخابیه در سراسر کشور) امکان حضور اقلیت‌های مختلف را فراهم کرده و به این طریق مجلسی جامع و با حضور و حمایت همه قومیت‌ها، نژادها و مذاهب مختلف شکل می‌دهند. (Reynolds et al., 2004, p. 58) از این ویژگی نظام‌های تناسبی از دیرباز به عنوان یک قابلیت برای شکل‌دهی به دموکراسی در جوامع دارای شکاف‌ها و دسته‌بندی‌های متعدد قومی، نژادی، دینی و منطقه‌ای یاد شده است. (Lijphart, 1994; Lijphart & Grofman, 1984) این موضوع به غیر از اقلیت‌های ذکر شده، برای دسته‌بندی‌ها و شکاف‌های مختلف موجود در جوامع^{۵۰} نیز صادق بوده و نظام‌های تناسبی از حضور نمایندگان از

^{۴۹} Minority

^{۵۰} Social Cleavages

دسته‌بندی‌های مختلف جامعه که به دلیل شکاف‌های طبقاتی، ایدئولوژیک، مذهبی یا... به وجود آمده‌اند در مجلس اطمینان حاصل می‌کند. (Horowitz, 2003, p. 121)

در نظام‌های اکثریتی نیز راهکارهایی برای دربرگرفتن اقلیت‌ها وجود دارد. بسته به توزیع جغرافیایی و تمرکز اقلیت‌های مختلف، می‌توان با طراحی حوزه‌های انتخابیه مناسب با برخی امتیازها و ملاحظات خاص نظیر اختصاص تعداد کرسی‌های بیشتر از نسبت عادی کرسی به جمعیت، امکان حضور اقلیت‌های مختلف را در مجلس فراهم کرد، (Norris, 2004, pp. 226-228) نظیر به کاری که امروزه در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز انجام می‌شود و در بسیاری از دیگر کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (به عنوان مثال طراحی حوزه‌های انتخابیه جهت تخصیص کرسی به اقلیت‌های آفریقایی-آمریکایی، لاتین و آسیایی-آمریکایی در ایالات متحده). (Grofman & Davidson, 2011) در مجموع به نظر هر دو خانواده نظام‌های اکثریتی و تناسبی، و به تبع آن نظام‌های ترکیبی، راهکارهای خود را برای دخیل کردن اقلیت‌های مختلف در مجلس داشته و طبق مطالعه نوریس، هیچ یک از آن‌ها برتری آماری بر دیگر نظام‌های از منظر جلب حمایت سیاسی اقلیت‌ها از مجلس و نظام سیاسی ندارد. (Norris, 2004, p. 226)

به غیر از صرف از دربرگرفتن و حضور اقلیت‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف در مجلس، نظام‌های انتخاباتی خود بر این شکاف‌های مختلف موجود در جامعه نیز تأثیر می‌گذارند و ممکن است عرصه سیاست را تبدیل به صحنه نبرد اقلیت‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف کرده و یا به نزدیک کردن آن‌ها منجر شده و از درگیری‌های میان این گروه‌ها بکاهند. از این منظر ملاحظات برای به کار بردن نظام‌های انتخاباتی مختلف وجود دارد.

نظام‌های تناسبی به دلیل امکانی که برای حضور احزاب و جریان‌های کوچک‌تر در مجلس فراهم می‌کنند، در شرایطی که در جامعه اقلیت‌ها و شکاف‌های زیادی وجود دارد، استفاده از نظام تناسبی بدون نصاب پایین یا با حوزه‌های بسیار بزرگ می‌تواند موجب تکه‌تکه شدن احزاب و جریان‌های سیاسی (همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم) شده و زمینه پدید آمدن احزاب و جریان‌های سیاسی متعدد و بعضاً افراطی را فراهم آورد که هر یک بر محور یک شکاف اجتماعی خاص فعالیت کرده یا تنها به تأمین منافع اقلیت مربوط به خود فکر می‌کند. (Horowitz, 2003, pp. 121-122) این شرایط که پیش از این از آن به «تکثر قطبیده‌شده» یاد کردیم، می‌تواند تبعات نامطلوبی داشته و موجب تقویت شکاف‌های اجتماعی شود، هر چند این موضوع هم به مختصات اقلیت‌ها و شکاف‌های اجتماعی جوامع و به‌خصوص به شیوه استفاده از نظام تناسبی، نظیر حوزه‌بندی و نصاب آن بستگی دارد.

در سوی مقابل، نظام‌های اکثریتی با توجه به دشواری‌هایی که برای حضور احزاب و جریان‌های کوچک‌تر فراهم کرده، موجب تجمیع و ادغام خواسته‌ها و منافع اقلیت‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف جامعه در دل تعداد کمتری از احزاب و جریان‌ها شده، و این انگیزه را برای احزاب و جریان‌های سیاسی فراهم می‌کند که به جای اتخاذ سیاست‌های افراطی و فعال کردن شکاف‌های اجتماعی، مواضع میانه‌تری اتخاذ کنند تا حمایت اقلیت‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف جامعه را جلب کنند و احتمال پیروزی احزاب و جریان‌های سیاسی که مواضع گروه‌های بیشتری از جامعه را نمایندگی می‌کنند افزایش می‌دهد. (Reynolds et al., 2004, p. 36) از این نظر، نظام‌های

ترجیحی، دومرحله‌ای و سپس اکثریتی تک‌کرسی عملکرد موفقی دارند. اما در مجموع بایستی در استفاده از نظام‌های اکثریتی، علی‌الخصوص نظام‌های نظیر اکثریتی چندکرسی ملاحظه منظور شدن منافع و خواسته‌های اقلیت‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف جامعه را مد نظر قرار داده و ظرافت‌های لازم را رعایت کرد تا موجبات کنار گذاشته شدن این گروه‌ها از صحنه سیاست و آسیب وارد شدن به مشروعیت نهاد مجلس و نظام سیاسی فراهم نشود.

بررسی راهکارها و تجویز سیاستی

نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی: ویژگی‌ها و ملاحظات

پیش از هر نوع تجویز بایستی ناظر به مطلب ذکرشده درباره ویژگی‌های نظام‌های انتخاباتی مختلف، نگاه دوباره‌ای به نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، ویژگی‌های آن، ارتباط آن با سیر اجزای نظام سیاسی در ایران و ملاحظات مربوط به تغییر و اصلاح آن داشت.

طبق مواد هفتم تا نهم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات به صورت اکثریتی دومرحله‌ای با نصاب ۲۰ درصد، طبق قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های یک یا چند کرسی، و طبق ماده دوم قانون انتخابات مجلس با در نظر گرفتن پنج کرسی ویژه برای اقلیت‌های دینی برگزار می‌شود. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸)

مطابق با آخرین تغییرات در حوزه‌های انتخابیه، در حال حاضر انتخابات مجلس در ۲۰۸ حوزه انتخابیه، شامل ۱۷۴ حوزه تک‌کرسی، ۲۱ حوزه با دو کرسی، ۸ حوزه با سه کرسی، یک با حوزه چهار کرسی، دو حوزه با پنج کرسی، یک حوزه با شش کرسی و در نهایت یک حوزه با ۳۰ کرسی که در مجموع ۲۹۰ نماینده را انتخاب می‌کنند برگزار می‌شود. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)

در حال حاضر نظام سیاسی ایران به شکل نیمه‌ریاستی است، بدین شکل که در عین وجود قوه مجریه‌ای که رئیس آن مستقیماً و مستقل از قوه مقننه توسط مردم انتخاب شده و مسئولیت هدایت قوه مجریه را به عهده دارد، در عین حال قوه مقننه و مجلس شورای اسلامی نیز توانایی قابل توجهی برای نظارت بر قوه مجریه، نظیر رأی اعتماد و استیضاح، داشته و از جایگاه قدرت‌مندی در مقابل دولت برخوردار است. (علی‌حسینی & ابراهیمی، ۱۳۹۲) این موضوع باعث شده است تا امکان شکل‌گیری یک اکثریت هم‌راستا با دولت جهت پیشبرد امور اهمیت جدی داشته باشد، و نظام انتخاباتی مجلس به شکلی باشد که خروجی آن مطلوب دولت‌های مستقر باشد. هر چند در حال حاضر به دلیل تفاوت زمانی انتخابات مجلس و دولت و همچنین نظام انتخاباتی مجلس، ممکن است در بازه‌هایی نظیر تلاقی دولت دهم و مجلس نهم، و همچنین دولت دوازدهم و مجلس یازدهم اصطکاک شدیدی میان قوای مجریه و مقننه شکل بگیرد که در گذشته بعضاً نیاز به مداخله رهبری جهت عدم قفل شدن و پیشبرد امور دولت داشته است.

هم‌چنین نظام سیاسی در ایران به شدت تمرکزگرا بوده و مدیریت در سطوح مختلف تا حد زیادی تحت کنترل دولت مرکزی است که یکی از نتایج آن برخورداری مناطق مرکزی، نظیر کلان‌شهرها از منابع و امکانات گوناگون و نوعی تبعیض میان مناطق مرکزی و پیرامونی، نظیر روستاها و شهرستان‌های کوچک و مناطق مرزی است. (عزیزی، ۱۴۰۱)

از منظر تحزب، هر چند در حال حاضر تعداد قابل توجهی حزب ثبت‌شده رسمی در ایران وجود دارد، اما موضوع ضعف مفرط احزاب و فعالیت حزبی و تشکیلی در نظام سیاسی ایران، و مشخصاً مجلس شورای اسلامی،

بر کسی پوشیده نیست و مطالعات انجام شده نیز ضعف نقش آفرینی احزاب سیاسی ایران را از جنبه‌های مختلف نشان داده‌اند. (دلفروز، ۱۳۹۳)

در این چارچوب، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره کردیم می‌توان نظام انتخاباتی ایران را مرکب از دو نظام انتخاباتی مختلف، یا یک طیف که در دو سوی آن دو نظام انتخاباتی مختلف قرار دارند، و هر یک در بخشی از حوزه‌های انتخابیه پیاده می‌شوند دانست. در ادامه به مختصات هر یک از این دو نظام، یا دو سر طیف نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در ایران می‌پردازیم.

انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی و کوچک

در یک سوی طیف از حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی، که عمدتاً شامل حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی، در کنار عمده حوزه‌های انتخابیه دو کرسی و برخی از حوزه‌های انتخابیه سه‌کرسی شده، انتخابات مجلس تا حد خوبی به صورت «محلی» برگزار می‌شود. در این حوزه‌های انتخابیه، به دلیل تمرکز شدید اختیارات در دولت و اختیارات محدود مقامات اجرایی محلی، شامل مقاماتی نظیر شهرداران و شوراهای اسلامی شهر و روستا و حتی استانداران، تقاضای شدیدی از جانب مردم برای پیگیری امور اجرایی و روزمره محلی از جانب نمایندگان مجلس وجود دارد. دلیل این موضوع، حضور نمایندگان مجلس در پایتخت و ابزارهای مختلف در دسترس آن‌ها برای فشار وارد کردن به دولت جهت تأمین منافع حوزه انتخابیه است.

برآورده کردن این نیاز مستلزم ارتباط نزدیک و تنگاتنگ نمایندگان با مردم حوزه انتخابیه است که با اندازه کوچک حوزه‌های انتخابیه در اغلب این دسته از حوزه‌های انتخابیه متناسب است. هم‌چنین ناظر به این ارتباط تنگاتنگ نمایندگان با مردم حوزه‌های انتخابیه، بایستی انتظار پاسخگویی کمتری از جانب نماینده به احزاب و جریان‌های سیاسی در مقایسه با پاسخگویی آن‌ها به مردم حوزه انتخابیه داشت که در کنار ضعف ذاتی تحزب در ایران، موجب ارتباط بسیار کم‌رنگ نمایندگان این حوزه‌های انتخابیه با احزاب و جریان‌های سیاسی می‌شود. به غیر از تعداد زیاد داوطلبان مستقل راه‌یافته از این حوزه‌های انتخابیه به مجلس (در مقایسه با دیگر کشورها) هر ساله به هنگام انتخابات مجلس جهت‌گیری سیاسی بسیاری از نمایندگان راه‌یافته از این حوزه‌های انتخابیه به مجلس محل سؤال بوده و آمار دقیقی از تعداد نمایندگان متعلق به هر حزب یا جریان سیاسی مشخص وجود ندارد.

نتیجه پیوند این ضعیف با احزاب در کنار اولویت شدید پیگیری منافع و مسائل محلی بر منافع و مسائل ملی، باعث می‌شود به دلیل راهیابی بیش از دو سوم نمایندگان مجلس از این حوزه‌ها، تبعات مخربی برای مجلس شورای اسلامی داشته باشد. ملاک انتخاب نمایندگان در این حوزه‌های انتخابیه از سوی مردم توانایی لابی‌گری آن‌ها برای تأمین منافع محلی و تخصیص اولویت و بیشترین زمان به پیگیری مسائل حوزه انتخابیه است، و در کنار نقش آفرینی ضعیف احزاب در پاسخگو نگاه داشتن نماینده نسبت به اهداف کلان و ملی، عمده نمایندگان راه‌یافته از این حوزه‌های انتخابیه بخش قابل توجه زمان خود را به پیگیری مسائل حوزه انتخابیه اختصاص داده، در تصمیم‌گیری‌ها و قانون‌گذاری منافع محلی را بر منافع ملی اولویت داده و در مواردی که

مجبور به نقش‌آفرینی در مسائل ملی، نظیر رأی‌گیری‌های صحن و کمیسیون، بوده نیز این کار را بدون توانایی‌های لازم و هماهنگی با دیگر نمایندگان همسوی خود انجام می‌دهند.

یکی دیگر از تبعیضات ارتباط نزدیک و تنگاتنگ مردم و نمایندگان و پررنگ بودن بعد خدمات محلی نمایندگی، هزینه‌های بسیار بالای تبلیغات انتخاباتی در این حوزه‌های انتخابیه است. دلیل این موضوع به انگیزه مردم برای مشارکت در انتخابات و ملاک‌های آن‌ها برای انتخاب از میان داوطلبین برمی‌گردد. در دوره منتهی به انتخابات داوطلبین بایستی به مناطق مختلف حوزه انتخابیه سفر کرده و در مواجهه با شهرستان‌ها، روستاها، قومیت‌ها و گروه‌های مختلف رأی‌دهندگان حمایت آن‌ها را با وعده پیگیری مسائل محلی آن‌ها جلب کرده توانایی‌ها و بهره‌مندی‌های خود را با برگزاری برنامه‌های مختلف و پذیرایی از گروه‌های مختلف به آن‌ها نشان دهند. به دلیل رویکرد غیرسیاسی رأی‌دهندگان در این حوزه‌ها، بعضاً جلب حمایت با اقداماتی که به «خریدن رأی» مشهور است نیز رخ می‌دهد که در طی آن رأی‌دهندگان در قبال کمک‌های نقدی و غیرنقدی، رأی خود را به یک نامزد تخصیص می‌دهند. حتی در صورت رخ ندادن این اقدامات، و صرفاً برای تبلیغات با استفاده از شیوه‌های قانونی نیز با توجه به مختصات ذکرشده این حوزه‌ها نیز منابع مالی قابل توجهی لازم است که هزینه تبلیغات انتخاباتی را بسیار بالا برده و نمایندگان مجلس را به تأمین‌کنندگان این هزینه‌ها وابسته می‌کند.

قاعدتا با توجه به اندازه کوچک حوزه‌های انتخابیه، بایستی از خانواده نظام‌های اکثریتی استفاده شود که در حال حاضر اکثریتی دومرحله‌ای، با نصاب ۲۰ درصد است که با توجه به پایین بودن نصاب، بیشتر به اکثریتی نسبی ساده شبیه است. هر چند در حوزه‌های انتخابیه مختلف تعداد کرسی‌ها متفاوت است، اما پایین بودن تعداد آن‌ها (در اغلب دو کرسی و تنها در معدودی سه کرسی) این حوزه‌های انتخابیه را تا حد قابل توجهی به نظام اکثریتی تک‌کرسی شبیه می‌سازد و ویژگی‌هایی مشابه با آن دارد. پایین بودن نصاب در این حوزه‌های انتخابیه بعضاً باعث پیروزی داوطلبان دارای رویکردهای افراطی به پشتوانه تنها بخش کوچکی از جمعیت حوزه انتخابیه می‌شود. ناظر به نصاب پایین انتخابات، آراء سوخته نیز بخش قابل توجهی از آراء را تشکیل می‌دهند در این حوزه‌های انتخابیه با توجه اندازه کوچک حوزه انتخابیه، ارتباط تنگاتنگ نمایندگان با مردم و ماهیت کمتر سیاسی و بیشتر محلی نمایندگی، مشارکت در انتخابات همواره نسبت به حوزه‌های انتخابیه بزرگ و کلان‌شهرها به صورت میانگین بیشتر بوده و حتی در شرایطی که مشارکت در کلان‌شهرها افت جدی داشته است در بسیاری از این دسته از حوزه‌های انتخابیه در سطح بالایی باقی مانده است.

طراحی حوزه‌های انتخابیه در این دسته از حوزه‌های انتخابیه به شدت محل بحث بوده و تنوع قابل توجهی دارد. عوامل متعددی از قدرت سیاسی پیگیری منافع، تا علل جغرافیایی و پراکندگی جمعیت و مهم‌تر از همه جلوگیری از تنش‌های قومیتی، نژادی و مذهبی باعث ایجاد حوزه‌های انتخابیه‌ای شده‌اند که از نظر نسبت جمعیت به تعداد کرسی اختلاف زیادی با یکدیگر دارند. با توجه به عوامل ذکرشده، تغییر مرزهای حوزه‌های انتخابیه، افزایش تعداد کرسی‌ها یا ایجاد حوزه‌های انتخابیه جدید همواره موضوعی چالش‌برانگیز و دارای ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی و اجتماعی بوده است.

انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخاباتی بزرگ و کلان شهرها

در سوی دیگر طیف حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی حوزه‌های انتخاباتی بزرگ و کلان شهرها قرار دارند که انتخابات مجلس شورای اسلامی در آن‌ها ویژگی‌های بسیار متفاوتی با حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی دارد. در این حوزه‌های انتخابیه، که در صورت نداشتن تعداد کرسی‌های زیاد نیز جمعیت قابل توجهی دارند، ارتباط شخصی میان نمایندگان و رأی‌دهندگان بسیار کمتر بوده، به دلیل دسترسی شهرهای بزرگ به منابع و امکانات دولت تقاضای بسیار کمتری از نمایندگان جهت پیگیری مسائل روزمره و اجرایی وجود داشته، و رقابت در انتخابات تا حد خوبی مبتنی بر نگاه‌های سیاسی و مسائل ملی است. در نتیجه شناخت مردم ز نمایندگان نیز ناظر به حزب و جریان سیاسی آن‌ها بوده و بعضاً مردم بدون شناخت شخصی از داوطلب‌ها به دلیل جریان سیاسی که به آن تعلق دارند به آن‌ها رأی می‌دهند.

ناظر به این موضوع، ارتباط نمایندگان با احزاب و جریان‌های سیاسی بسیار بیشتر از حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی بوده، و اساساً ناظر به ماهیت نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های چند کرسی، احزاب و جریان‌های سیاسی کنترل بسیار زیادی بر داوطلبان انتخابات و نمایندگان داشته (حتی بیشتر از برخی از نظام‌های تناسبی نظیر تناسبی با فهرست باز یا آزاد)، راهیابی نامزدهای مستقل بسیار نادر بوده، و در بسیاری از موارد کل کرسی‌های حوزه انتخابیه به یک جریان سیاسی تعلق می‌گیرد.

بایستی دقت داشت که نمایندگان این حوزه‌های انتخابیه نیز به منافع مردم حوزه انتخابیه خود توجه داشته، بخشی از وقت خود را به آن اختصاص داده و آن را در تصمیم‌گیری‌ها و آراء خود لحاظ می‌کنند، اما این نمایندگان به نسبت نمایندگان انتخاب‌شده از حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی اولویت بیشتری برای مسائل ملی قائل بوده، میزان بیشتری از وقت خود را به آن اختصاص می‌دهند و به دلیل نقش قابل توجه احزاب و جریان‌های سیاسی در برگزیده شدن آن‌ها، با احتمال بیشتری توانایی و صلاحیت‌های لازم برای پرداختن به مسائل کلان و ملی و پیشبرد اموری نظیر قانون‌گذاری را در مجلس دارند.

با نظر داشتن این نکته، ترکیب این دسته از نمایندگان مجلس از نظر سیاسی و جناحی اهمیت قابل توجهی در جهت‌گیری سیاسی مجلس، قوانین تصویب شده و ارتباط آن با دولت دارد. در واقع به نظر در داخل مجلس نیز یک دوگانه، یا طیف داریم که در یک سوی آن نمایندگان حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی بوده که عمده وقت خود را به پیگیری مسائل محلی حوزه انتخابیه خود گذرانده و در مسائل ملی نظیر تصویب قوانین نقش کم‌رنگ و منفعلی داشته، و در سوی دیگر نمایندگان حوزه‌های بزرگ و تک‌کرسی که عمده وقت خود را به اداره مجلس، پیگیری مسائل کلان و ملی، قانون‌گذاری و جهت‌دهی و ایجاد هماهنگی بین نمایندگان حوزه‌های کوچک می‌گذرانند.

در چنین شرایطی، نظام انتخاباتی چندکرسی در حوزه‌های انتخابیه بزرگ، می‌تواند نتایج بسیار یک‌طرفه و ناعادلانه‌ای تولید کرده، از پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی کاسته و به ثبات سیاستی و مشروعیت مجلس نزد گروه‌های زیادی از مردم لطمه وارد کند. همان‌طور که هم در ابتدای گزارش و در شرح مشکلات فعلی نظام انتخابات، و هم در بخش مفاهیم نظری و توضیح نظام اکثریتی چندکرسی شرح دادیم، با بزرگ

شدن اندازه حوزه انتخابیه، نظام اکثریتی چند کرسی با احتمال بیشتری کل کرسی‌ها را به جریانی اختصاص می‌دهد که تنها بخشی از آراء حوزه انتخابیه را کسب کرده و موجب سوخته شدن آراء حامیان سایر جریان‌ها و ایجاد این احساس شود که آن‌ها نماینده‌ای در مجلس ندارند. این کنار گذاشته شدن گروه‌های مختلف جامعه، نظیر طیف ایدئولوژیک مقابل در کلان‌شهرها یا ساکنین مناطق حاشیه‌ای کلان‌شهرها می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را تقویت کرده و به ایجاد تنش منجر شود.

در شرایطی که یک حزب یا جریان سیاسی به دلایل بیرونی (نظیر عملکرد ناموفق دولت مستقر ناهمسو) احتمال بیشتری برای پیروزی خود قائل است، احساس نیاز کمتری به کسب آراء بیشتر داشته و در نتیجه پاسخگویی کمتری به رأی‌دهندگان (به عنوان مثال در تعیین فهرست خود) خواهد داشت. این موضوع در برخی از حوزه‌های انتخابیه که یک جریان تقریباً همواره از پیروزی خود مطمئن است، نظیر شهرهای مقدس قم و مشهد برای جریان اصولگرا، بسیار شدیدتر است (به عنوان مثال چیدمان فهرست اصولگرایان در شهر قم برای انتخابات مجلس یازدهم). این احتمال بالای تعلق همه کرسی‌های این دست از حوزه‌های انتخابیه به یک جریان، انگیزه حامیان سایر جریان‌ها را برای مشارکت در انتخابات کاهش داده و همان‌طور که در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی شاهد بودیم، می‌تواند باعث مشارکت‌های بسیار پایین در این حوزه‌ها شود.

به صورت کلی به دلیل اکثریتی بودن نظام انتخاباتی مجلس در همه حوزه‌های انتخابیه، علی‌الخصوص با توجه اهمیت مضاعف کرسی‌های حوزه‌های بزرگ و کلان‌شهرها، دو جریان سیاسی اصلی فعلی نگرانی خاصی از بابت رقابت با جریانی غیر از یک‌دیگر نداشته و صرف عملکرد ضعیف طرف مقابل و داده وعده بهتر بودن از آن را برای پیروزی خود کافی می‌دانند و در نتیجه هر دو جریان، بدون نگرانی از رقابت با جریان سومی غیر از خودشان احساس نیازی به بهبود وضعیت خود و پاسخگویی بیشتر نخواهند داشت. نتایج انتخابات در ادوار اخیر نیز این موضوع را ثابت کرده و با وجود ظهور جریان‌ها و جبهه‌های جدیدی نظیر جبهه پایداری، یا حزب اعتدال و توسعه در دولت‌های نهم و یازدهم، رقابت در انتخابات مجلس همواره بین یک ائتلاف اصلاح‌طلب و یک ائتلاف اصولگرا بوده است و هیچ جریان سوم و قابل مقایسه‌ای با دو جریان اصلی سیاسی در ایران ظهور نکرده است.

برگزاری انتخابات به صورت اکثریتی مانع از شکل‌گیری هویت و ایده مشخص برای احزاب و جریان‌های سیاسی نیز شده است، زیرا به دلیل ماهیت همه یا هیچ انتخابات تمرکز گروه‌های مختلف همواره بر ایجاد ائتلاف و فهرست‌های واحد برای پیروز شدن در انتخابات است. فهرست‌ها و ائتلاف‌هایی که پس از اتمام انتخابات و ورود نمایندگان به مجلس دچار شکاف‌های متعدد شده و در نهایت نیز هویت و ایده مشخصی برای آن وجود ندارد که بنیان تشکیل و تداوم یک حزب سیاسی را به وجود آورد.

تعلق اکثریت قاطع نمایندگان راه‌یافته از این حوزه‌های انتخابیه هر چند در صورت همسویی با دولت مستقر امکان پیشبرد امور توسط قوه مجریه را بسیار تسهیل می‌کنند، اما آسیب‌های قابل توجهی دارد. نخست، مواردی است که در آن اکثریت قاطع راه‌یافته از این حوزه‌های انتخابیه با دولت مستقر ناهمسو است که اصطلاحاً شدیدی بین دولت و مجلس ایجاد کرده و می‌تواند منجر به قفل شدن نظام سیاسی کشور شود. و

دوم این که در صورت خلاء یا ضعف شدید جریان اپوزیسیون در مجلس، به غیر از کاهش مشروعیت مجلس برای حامیان جریان غایب در مجلس، امکان تندروری در قانون گذاری و سیاست گذاری و تصویب قوانین و اتخاذ سیاست هایی که ملاحظه گروه ها و دسته بندی های مختلف جامعه را منظور نکرده و منجر به تنش می شود افزایش می یابد، اتفاقی که در مجلس ششم و همچنین در دوره اخیر و یازدهم مجلس شورای اسلامی شاهد آن بودیم. علاوه بر موارد ذکر شده عدم حضور یک جریان حداقلی اپوزیسیون در مجلس، با از بین بردن موانع تصویب قوانین و اتخاذ تصمیم های متعارض در دوره های متوالی کنترل مجلس توسط جریان های سیاسی مختلف، به ثبات سیاستی مجلس نیز ضربه وارد می کند.

معیارهای بررسی راهکارهای مختلف

با در نظر داشتن چالش های نظام انتخابات فعلی، و محدودیت های پیش رو به معیارهای زیر می رسیم:

عدالت انتخاباتی

از اصطلاح عدالت انتخاباتی تفاسیر متفاوتی وجود دارد، به عنوان مثال برداشت وجود تناسب میان آراء جریان های سیاسی و کرسی های اختصاص یافته به آن ها یا مؤثر بودن آراء شهروندان مختلف در نتیجه انتخابات که در قسمت های پیشین گزارش به آن پرداختیم. چنین تفاسیری از عدالت انتخاباتی می تواند به عنوان یک معیار ایجابی مد نظر قرار گرفته و بهبود آن به عنوان یک امتیاز مثبت برای هر راهکار برشمرده شود.

اما می توان از عدالت انتخاباتی برداشت های ساده تری نیز داشت که هر چند در اغلب نظام های انتخاباتی رعایت می شود، اما ممکن است در برخی راهکارها به دلیل وجود تبعیض میان حوزه های انتخابیه مختلف مورد خدشه قرار بگیرد. به عنوان مثال در نظام انتخاباتی استانی-تناسبی طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مصوب در بهار ۱۳۹۸ که در نهایت توسط شورای نگهبان رد شد، تفاوت میزان اثرگذاری حوزه های انتخابیه مختلف در انتخاب نمایندگان استان خلاف عدالت انتخاباتی شناخته شد. (شورای نگهبان، ۱۳۹۸) در سیاست های کلی رعایت عدالت انتخاباتی مشخصا در قبال حوزه های انتخابیه ذکر شده و به این دلیل این موضوع بایستی مورد توجه قرار گیرد.

مشارکت در انتخابات

مشارکت در انتخابات بایستی هم از جنبه ایجابی و هم سلبی مورد توجه قرار گیرد. به دلیل تأثیر منفی نظام فعلی انتخابات مجلس شورای اسلامی بر مشارکت در انتخابات، خصوصا در حوزه های انتخابیه بزرگ و کلان شهرها، مشارکت پایین در انتخابات دوره قبلی و اهمیت موضوع مشارکت به عنوان یک شاخص نمادین، افزایش این مشارکت توسط هر راهکاری به عنوان یک مزیت جدی برای آن شناخته می شود.

همچنین کاهش مشارکت در انتخابات، هم از جهت قانون اساسی و هم از جهت سیاست های کلی انتخابات، یک خط قرمز برای هر راهکار پیشنهادی است. در نظام استانی-تناسبی مورد استفاده در طرح مصوب در بهار ۹۸ نیز ایراد کاهش مشارکت، هم از سوی شورای نگهبان مبتنی بر قانون اساسی و هم از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مبتنی بر سیاست های کلی انتخابات مورد اشاره قرار گرفت. (شورای نگهبان، ۱۳۹۸)

پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی

همان‌طور که ذیل عنوان چالش‌های نظام انتخاباتی مجلس در بخش اول گزارش مورد اشاره قرار گرفت، یکی از معضلات نظام فعلی انتخاباتی مجلس مشخصاً در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و کلان‌شهرها، و تا حدی در کل کشور، عدم پاسخگویی جریان‌های سیاسی و به تبع آن‌ها، نمایندگان راه‌یافته به مجلس شورای اسلامی و منصوب به آن‌هاست. توانایی حل این معضل که به نوعی خود را در کاهش مشارکت در انتخابات مجلس نیز نشان می‌دهد، می‌تواند به عنوان یک امتیاز مثبت در راستای رفع یکی از چالش‌های موجود محسوب شود، هر چند نظیر عدالت انتخاباتی و مشارکت در انتخابات ماهیتی سلبی ندارد.

ثبات و جلوگیری از تک‌صدایی

این موضوع نیز به مانند موضوع قبلی، به عنوان یکی معضلات نظام انتخاباتی موجود در حوزه‌های انتخاباتی بزرگ و کلان‌شهرها، هر چند یک معیار سلبی نبوده ولی در صورت مورد توجه قرار گرفتن و بهبود می‌تواند به امتیاز مثبت برای راهکارهای پیشنهادی باشد.

ایجاد تعادل میان نگاه ملی و محلی

غلبه نگاه محلی نمایندگان بر نگاه ملی، و اولویت تقریباً مطلق پیگیری منافع و مسائل محلی توسط نمایندگان حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی، به عنوان یکی از حادترین مسائل مجلس شناخته می‌شود. این موضوع حتی از سوی خود نمایندگان حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی نیز به عنوان محدودیت و قیدی که از سوی نظام انتخابات به آن‌ها تحمیل می‌شود به رسمیت شناخته می‌شود.

هر چند این معیار ماهیتی سلبی نداشته و در صورت بدتر شدن وضعیت آن در یک راهکار، توسط شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد ایراد قرار نمی‌گیرد، اما به دلیل حاد بودن این مشکل و تبعات گسترده‌ای که برای مجلس شورای اسلامی دارد، لزوم بهبود و حداقل وخیم‌تر نشدن این مشکل مورد تأکید نمایندگان است.

مسائل امنیتی مرتبط با اختلافات قومیتی

این موضوع تا حدی توسط نظام فعلی انتخابات در حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی، مشخصاً با طراحی حوزه‌های انتخابیه و تعداد کرسی‌های هر حوزه، مدیریت شده است، نه به عنوان یک معیار ایجابی، بلکه به عنوان یک معیار سلبی بسیار مهم محسوب می‌شود. ضربه زدن به ثبات امنیتی که با نظام فعلی حاصل شده و اهمیت بسیار زیادی برای ذی‌نفعان مختلف دارد، یک خط قرمز بزرگ برای هر راهکار پیشنهادی است. هر چند این معیار تنها سلبی نیست و بهبود وضعیت موجود نیز مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

تحرز و هماهنگی تشکیلاتی نمایندگان

هر چند در نظام انتخاباتی فعلی ویژگی‌های که به شکل‌گیری و تقویت تحرز، و در نتیجه افزایش هماهنگی تشکیلاتی نمایندگان در مجلس وجود دارد، اما به دلایل مختلفی (نه لزوماً به دلیل نظام انتخابات) که بعضاً در

متن گزارش نیز مورد اشاره قرار گرفت کماکان چالش‌های جدی در این زمینه وجود دارد که به معضلاتی نظیر ضعف در قانون‌گذاری و اداره مجلس منجر می‌شود. در این راستا، توجه به تقویت تحزب می‌تواند به عنوان یک امتیاز برای هر راهکار پیشنهادی محسوب شود.

عدم افزایش هزینه‌های عمومی

مطابق با اصل ۷۵ قانون اساسی هر طرح قانونی که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی شود بایستی طریق تأمین هزینه‌های جدید را نیز مشخص کرده باشد. لذا هر چند راهکارهایی که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی شود امکان پیشبرد دارد، اما طرح‌هایی که بار مالی جدید نداشته باشند مزیت دارند.

محدودیت‌های نظام انتخاباتی جایگزین

در بخش چيستی مسئله، به صورت مختصر و تیتروار برخی از محدودیت‌های پیش روی مسئله نظیر مواد مرتبط قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات پرداختیم. اما حال که تصویر دقیق‌تری از وضعیت موجود نظام انتخاباتی کشور و ارتباط آن با سایر اجزای نظام سیاسی داریم، می‌توان محدودیت‌ها را به صورت عینی‌تر و در چارچوب قواعد و جزئیات نظام‌های انتخاباتی ترجمه کرد.

عدم گسترش اندازه حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی

همان‌طور که در شرح ویژگی‌های نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در ایران به آن پرداختیم، در نبود اختیارات کافی در رده‌های پایین و مناطق پیرامونی بخش قابل توجهی از پیگیری امور اجرایی و محلی مردم حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی به دوش نمایندگان مجلس می‌افتد. در چنین شرایطی، گسترش این حوزه‌های انتخابیه موجب کاهش توانایی نماینده/نمایندگان برای ارائه خدمات محلی، و همچنین کاهش ارتباط شخصی میان رأی‌دهندگان و نمایندگان منتخب آن‌ها می‌شود که موجب افزایش نارضایتی می‌شود.

این نارضایتی از تغییر نقش نماینده‌ای که دیگر کارایی سابق و مد نظر رأی‌دهندگان را ندارد، از یک‌سو باعث کاهش مشارکت و از سوی دیگر تخریب ارتباط با نظام سیاسی می‌شود که هیچ راهی برای پیگیری امور اجرایی و روزمره و منافع محلی از یک دولت مرکزی متمرکز پیش روی مردم باقی نگذاشته است و می‌تواند بسیاری از مسائل جزئی محلی را تبدیل به بحران‌های سیاسی کند. ناظر به این دو نتیجه ذکر شده چنین تغییری (نظیر برگزاری انتخابات به صورت استانی)، به خصوص کاهش مشارکت، این موضوع از دستور کار خارج است.

این محدودیت به نوعی در ماده اولی سیاست‌های کلی انتخابات نیز، در قالب حفظ شناخت مردم از نامزدها، مورد اشاره قرار گرفته است (طبق نظر مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان) (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸)، در حوزه‌های انتخابیه بزرگ شناخت جریانی و حزبی می‌تواند جایگزین این شناخت باشد.

حفظ بخش غالب نظام انتخابات به صورت اکثریتی

همان‌طور که ذکر شد، جمهوری اسلامی ایران از یک نظام سیاسی نیمه‌ریاستی برخوردار است که در جایگاه قدرت‌مند دولت، مجلس نیز از ابزارهای متعدد و قابل توجهی جهت اثرگذاری و کنترل قوه مجریه برخوردار

است. هر چند با داشتن ویژگی‌های متمایزی از سایر نظام‌های نیمه‌ریاستی، دولت در جمهوری اسلامی از بازوهای کمکی نظیر شوراهای عالی که رئیس‌جمهور در آن‌ها قدرت قابل توجهی دارد، تا حمایت رهبری در سناریوهای تقابل شدید دولت و مجلس برخوردار است، اما با این وجود لازم است تا بستر شکل‌گیری مجلسی با ترکیب همسو با دولت مستقر فراهم باشد تا در اکثر مواقع دولت امکان پیشبرد امور اجرایی کشور بدون مانع جدی را داشته باشد. هر چند مدل فعلی نیز از ضعف‌های جدی نظیر امکان ایجاد تقابل‌های شدید در بازه‌های ابتدایی یا انتهایی دولت‌ها با مجالس ناهمسو وجود دارد، اما مدل‌هایی با تناسب بسیار بالا که پیش‌بینی جهت‌گیری مجلس و خروجی تصمیمات آن را دشوار می‌سازد، با نظام نیمه‌ریاستی ایران و ملاحظات سیاسی که جهت پیشبرد اداره کشور در آن وجود دارد سازگار نیست.

عدم پیچیدگی نظام انتخابات، برای مردم، مجریان و ناظران

در حال حاضر نظام انتخاباتی ایران در همه کرسی‌ها از ساده‌ترین نظام‌های انتخاباتی موجود (به غیر از بخش دومرحله‌ای بودن) استفاده می‌کند، عموم مردم به این نظام انتخاباتی عادت کرده و بسیاری از آن‌ها نظامی غیر از این برای برگزاری انتخابات متصور نیستند. در چنین شرایطی، نظام انتخاباتی جایگزین نمی‌تواند جزو نظام‌های انتخاباتی بسیار پیچیده موجود باشد زیرا افزایش ناگهان پیچیدگی نظام انتخاباتی برای جامعه قابل فهم نبوده، مقبول واقع نخواهد و می‌تواند منجر به کاهش مشارکت شود.

هم‌چنین برگزاری انتخابات در ایران بدون استفاده از شیوه‌های الکترونیک و بسیار متمرکز برگزار می‌شود که این موضوع باعث می‌شود که تا نظام‌های انتخاباتی که نیاز به تغییر شیوه شمارش آراء داشته باشند با مشکلاتی برای تطبیق با رویه‌های موجود مواجه شده، و نیروهای اجرایی و ناظر درگیر در انتخابات را با پیچیدگی‌های جدیدی مواجه کنند که منجر به مقاومت در برابر پیشبرد چنین تغییراتی و پیاده‌سازی آن‌ها شود.

حفظ تعداد کرسی‌ها در چارچوب فعلی قانون اساسی

طبق اصل ۶۴م قانون اساسی، از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ پس از هر ده سال به تعداد نمایندگان مجلس می‌تواند ۲۰ نفر اضافه شود. با در نظر داشتن تعداد فعلی نمایندگان مجلس (۲۹۰ نفر)، از جایی که آخرین بار در سال ۱۳۷۸ تعداد نمایندگان از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر رسید، بنا به تفاسیر مختلف از قانون اساسی، در افزایش بعدی تعداد نمایندگان می‌تواند به ۳۱۰ یا نهایتاً ۳۳۰ نماینده برسد که بایستی این موضوع را در به عنوان یک محدودیت برای هر راهکار جایگزین در نظر داشت.

مروری بر راهکارهای روبه‌جلو اما اجراناپذیر

رأی ترجیحی برای حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی

در نظام انتخاباتی مبتنی رأی ترجیحی، در آن رأی‌دهندگان نه به تعداد کرسی‌ها یا به یک فهرست، بلکه به تعدادی از نامزدها که بیش از تعداد کرسی‌هاست به ترتیب اولویت رأی می‌دهند و در نهایت با یک شیوه شمارش مبتنی بر حذف نامزدهای با آراء کمتر و اختصاص آراء آن‌ها به دیگر نامزدهایی که در اولویت‌های

پس از آن‌ها قرار داشته‌اند، نامزدهای دارای بیشترین آراء در میان اولویت‌های مختلف رأی‌دهندگان برنده می‌شوند.

این نظام انتخاباتی منجر به پاسخگویی بیشتر نمایندگان در حوزه‌های انتخاباتی کوچک، و انتخاب شدن نامزدهای میانه‌رو و غیرافراطی می‌شود. زیرا هر داوطلب بایستی به غیر از کسب رأی هواداران خود، به فکر کسب اولویت‌های بعدی رأی‌دهندگان به دیگر نامزدها نیز بوده و از اتخاذ مواضع افراطی و تنش‌زا، و بی‌توجهی به پایگاه رأی دیگر نامزدها خودداری کند.

این راهکار معضل خاصی از منظر اثرگذاری بر مجلس ندارد، اما ایراد اصلی آن پیچیدگی آن برای رأی‌دهندگان و علی‌الخصوص مجریان و ناظران انتخابات است زیرا برخلاف نظام فعلی که آراء در هر شعبه اخذ رأی شمارش شده و در یک مرحله نتایج تجميع می‌شود، در این نظام انتخاباتی پس از شمارش آراء در هر حوزه انتخابیه، نیاز به تجميع نتایج و شمارش دوباره آراء تا رسیدن یکی از نامزدها به اکثریت مطلق است که می‌تواند چندین بار تکرار شود. به غیر از پیچیدگی هماهنگی میان شعبه مرکزی و دیگر شعب اخذ رأی، این موضوع نیازمند بازنگری سازوکارهای رسمی تعبیه‌شده جهت جلوگیری از تخلف در انتخابات است که با مقاومت جدی مواجه خواهد شد.

معضل پیچیدگی رأی ترجیحی در حوزه‌های انتخابیه با بیش از یک نماینده نیز شدیدتر است، چه از نظر فهم آن توسط رأی‌دهندگان و چه پیاده‌سازی و نظارت بر آن. جهت عدم اجرای این ایده در حوزه‌های چند کرسی یا نیاز به بازطراحی بسیاری از حوزه‌های انتخابیه است که از یک سو با چالش‌های سیاسی بازطراحی حوزه‌های انتخابیه و از سوی دیگر چالش‌های امنیتی مرتبط با مسائل قومی مواجه است، یا بایستی به کلی رأی ترجیحی را در این حوزه‌ها کنار گذاشت که با توجه به شباهت‌های بسیار بخش قابل توجهی از حوزه‌های چند کرسی به حوزه‌های تک کرسی منجر به نوعی تبعیض بین این حوزه‌های انتخابیه و در نتیجه خدشه به عدالت انتخاباتی خواهد شد.

افزایش نصاب انتخابات

هم‌اکنون نصاب انتخابات در تمامی حوزه‌های انتخابیه برابر با ۲۰ درصد است که در مقایسه با اغلب نظام‌های دومرحله‌ای در دنیا بسیار عجیب بوده و نوعی نقض غرض محسوب می‌شود. مزیت نظام‌های دومرحله‌ای نسبت به اکثریتی ساده، در راهیابی نامزدهای پاسخگوتر و میانه‌روتری است که بتوانند از بخش هر چه بیشتری از مردم حوزه انتخابیه خود نمایندگی کرده، و تنها برگزیده اقلیتی از رأی‌دهندگان نباشند.

با وجود مزیت ذکرشده برای نظام انتخاباتی دومرحله‌ای نسبت به اکثریتی، و به صورت دقیق‌تر نصاب‌های بالاتر نسبت به نصاب‌های پایین‌تر، که به صورت تفصیلی در مورد ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس مورد بررسی قرار گرفته، (نژادخلیلی، ۱۳۹۷) اما این تغییر اجراپذیر نیست. به نظر مشارکت کمتر نسبت به مرحله اول در مراحل دوم انتخابات (که مطابق با گزارش ذکرشده در ادوار جدیدتر نسبت به گذشته افزایش یافته) و همچنین هزینه‌های مختلف مربوط به برگزاری

دور دوم انتخابات در تعداد زیادی از حوزه‌های انتخابیه، منجر به شکل‌گیری انگیزه‌های سیاسی قدرت‌مندی در طول زمان شده که باعث کاهش تدریجی نصاب انتخابات شده است و مزایای افزایش نصاب انتخابات قادر به غلبه کردن بر آن‌ها نخواهد بود.

بازطراحی حوزه‌های انتخابیه

طراحی حوزه‌های انتخابیه، به معنی مشخص کردن مرزها و تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه، مطابق با معیارهای گوناگونی انجام می‌شود که شاید مهم‌ترین آن‌ها، جمعیت و برابر بودن نسبت جمعیت به تعداد کرسی‌ها در حوزه‌های انتخابیه مختلف باشد. وجود تفاوت در حوزه‌های انتخابیه و نسبت جمعیت به تعداد نمایندگان می‌تواند ناشی از ویژگی‌هایی نظیر مشخصات جغرافیایی حوزه انتخابیه، بافت جمعیتی آن و مهم‌تر از همه ابزاری جهت جلوگیری از تنش‌های قومیتی، نژادی و مذهبی و حمایت از اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف باشد.

با در نظر داشتن موارد ذکرشده، در حال حاضر در طراحی حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی، نه تنها برابری نسبت جمعیت به تعداد حوزه‌های انتخابیه یک اصل نبوده که در برخی از مواقع به دلایل خاص از آن تخطی شود، بلکه در بسیاری موارد انحراف‌های برجسته‌ای از آن وجود دارد. در حال حاضر بسیاری از حوزه‌های انتخابیه بدون دلیل خاصی تعداد بیشتر یا کمتری نماینده نسبت به جمعیت خود در مقایسه با نسبت صحیح دارند. هر چند اصلاح این موارد که در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس به تفصیل مورد شرح قرار گرفته، (میراحمدی، ۱۳۹۹) می‌تواند کمک شایانی به بهبود عدالت انتخاباتی میان حوزه‌های انتخاباتی مختلف بکند، اما متأسفانه فرایند فعلی اصلاح حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان آن‌ها به شدت در معرض وزن‌کشی‌های سیاسی است و از منطق خاصی تبعیت نمی‌کند.

فارغ از دشواری‌های تعیین یک مجموعه از معیارهای شفاف و دقیق که منجر به یک بازطراحی عادلانه و متناسب با شرایط خاص انتخابات مجلس در حوزه‌های انتخابیه مختلف شود، فرایند فعلی بسیار بیش از تأمین عدالت انتخاباتی مبتنی بر چانه‌زنی‌های سیاسی و بده‌بستان‌های نمایندگان حوزه‌های انتخابیه مختلف است. تغییر این فرایند نیز نیاز به تغییرات قانونی و نوشتن طرحی جدید دارد که از حوصله این گزارش خارج است.

نظام انتخاباتی ترکیبی

نظام‌های انتخاباتی ترکیبی، با دربرداشتن مزایای نظام‌های انتخاباتی مختلف و عدم نیاز به مواجهه با معایب مورد پرهیز آن‌ها، گزینه‌های محبوبی برای تغییرات تدریجی نظام انتخاباتی هستند و بسیاری از کشورها نیز در دهه‌های اخیر برای اصلاح نظام انتخاباتی خود از آن استفاده کرده‌اند. در نگاه اول نیز یک نظام انتخاباتی ترکیبی گزینه معقولی برای اصلاح نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی به نظر می‌رسد و مزایای عمده‌ای دارد، اما به دلایل مختلفی اجراپذیر نیست.

نخست این که پیاده‌سازی نظام‌های ترکیبی نیاز به تخصیص تعدادی از کرسی‌ها به نمایندگان دارد که از یک حوزه انتخابیه بزرگ ملی، یا نهایتاً حوزه‌های انتخابیه استانی برگزیده می‌شوند. لازمه این موضوع، یا تخصیص

کرسی‌های ناشی از افزایش هر ده سال یکبار تعداد کرسی‌های مجلس بر اساس قانون اساسی به این سطح از نمایندگان، یا بازطراحی حوزه‌های انتخابیه فعلی و کاهش تعداد نمایندگان آن‌هاست که هر دوی این اقدامات، با مقاومت قابل توجه بسیاری از نمایندگان مجلس خواهد شد (در راهکار اول نمایندگان حوزه‌هایی که هم‌اکنون تعداد نماینده کمتری به نسبت جمعیت خود دارند و در راهکار دوم نمایندگان حوزه‌هایی که هم‌اکنون تعداد بیشتری نماینده به نسبت جمعیت خود دارند). غلبه بر این مقاومت‌ها نیاز به شکل‌گیری اراده سیاسی قابل توجه و هماهنگی قابل توجهی میان نمایندگان دارد که در حال حاضر مشاهده نمی‌شود.

مشکل دومی که برای پیاده‌سازی یک نظام ترکیبی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی وجود دارد، نیاز به استفاده از فهرست‌های بسته برای سطح تناسبی انتخابات است. حتی در صورت عدم استفاده از یک حوزه انتخابیه ملی و حوزه‌های انتخابیه استانی، و شبیه به تقریباً همه کشورهای استفاده‌کننده از نظام‌های ترکیبی، جهت تسهیل انتخاب در سطح تناسبی نیاز به استفاده از فهرست‌های بسته یا نهایتاً باز (و نه آزاد) است. استفاده از فهرست‌های بسته متناسب با سطح بالایی از تحزب است که هم‌اکنون مورد پذیرش نیست و در برابر آن مقاومت خواهد شد.

در نهایت مانع سوم در برابر استفاده از یک نظام ترکیبی، پیچیدگی زیاد آن نسبت به وضعیت موجود است. جهت استفاده از یک نظام ترکیبی نه تنها بایستی انتخاب دو نماینده در دو سطح مختلف توسط رأی‌دهندگان فهم شود، که پیچیدگی انتخابات تناسبی به عنوان نظامی که تا به حال در کشور اجرا نشده نیز وجود دارد. وجود این دو پیچیدگی در کنار هم، غیر از امکان عدم فهم و استقبال از آن از طرف مردم، که منجر به کاهش مشارکت می‌شود، باعث شکل‌گیری مقاومت بیشتری از سمت ذی‌نفعان مختلف مربوط با نظام انتخابات، چه نمایندگان و چه دولت و شورای نگهبان می‌شود.

در نهایت شاید هیچ مانعی به تنهایی نتواند گزینه نظام ترکیبی را از دستور کار خارج کند وجود ندارد، اما موانع مختلفی وجود دارند که تجمیع آن‌ها در کنار یک‌دیگر اجراپذیری چنین راهکاری را به شدت کاهش می‌دهد.

رأی واحد غیر قابل انتقال (SNTV)

نظام رأی واحد غیرقابل انتقال از ویژگی‌های جالبی برخوردار است. این نظام در عین شبیه بودن به نظام‌های اکثریتی از نظر شیوه ساده و قابل فهم رأی‌دهی و شمارش آراء، از منظر نتایج به نظام‌های تناسبی شبیه است که به نظر یک تغییر روبه‌جلو برای انتخابات در حوزه‌های انتخابیه بزرگ و کلان‌شهرها، و حتی دیگر حوزه‌های انتخابیه است (با در بر داشتن برخی مزایای مدل رأی بلوکی، یا اکثریتی چندکرسی، و پرهیز از معایب جدی آن).

اما ایراد جدی نظام رأی واحد غیرقابل انتقال، در پیش‌بینی ناپذیر آن و دشواری برنامه‌ریزی بر آن توسط احزاب و جریان‌های سیاسی است. این معضل در حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر قابل مدیریت است، زیرا به عنوان مثال در یک حوزه انتخابیه با دو کرسی یک جریان می‌داند که تقسیم آراء حامیان خود بین دو نامزد ریسک بالایی

داشته و تمرکز خود را بر راهیابی مطمئن یک نامزد به مجلس می‌گذارد. اما در حوزه انتخابیه کلان‌شهری نظیر تهران، انتخابات با نظام SNTV می‌تواند به شدت غیرقابل پیش‌بینی، مدیریت و آشفته شود. ایجاد هماهنگی میان رأی‌دهندگان در حوزه انتخابیه‌ای با میلیون‌ها نفر رأی‌دهنده، آن هم توسط احزابی با ظرفیت پایین، امری بسیار دشوار است که می‌تواند منجر به نتایجی با تناسب پایین با آراء جریان‌های سیاسی مختلف، برجسته شدن فردگرایی و ایجاد شدن مشکلات متعدد برای احزاب و جریان‌های سیاسی شود که فارغ از تبعات آن برای مجلس شورای اسلامی، منجر به مخالفت جدی آن‌ها با این راهکار خواهد شد.

بررسی راهکارهای در دستور کار

در حال حاضر، سه بدیل جدی برای اصلاح نظام انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان گزینه‌های پیش روی مجلس شورای اسلامی وجود دارد. هر چند اصلاح نظام انتخابات مجلس به این سه راهکار محدود نیست، اما همان‌طور که در قسمت قبلی نیز به آن پرداختیم، برخی از راهکارها هر چند رو به جلو بوده اما عمدتاً ناظر به ملاحظات ذی‌نفعان قابلیت پیشبرد و پیاده‌سازی ندارند. در مجموع، در حال حاضر سه راهکار که از طرف نمایندگان مجلس، مشخصاً کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس، مورد توجه قرار گرفته که در جدول زیر به صورت اجمالی با ملاک معیارهای مطرح‌شده مقایسه شده‌اند. در ادامه به بررسی بیشتر هر راهکار می‌پردازیم.

جدول ۱۰: مقایسه اجمالی راهکارهای در دستور کار

معیار \ راهکار	استانی-شهرستانی اکثریتی	حوزه‌های تک‌کرسی اکثریتی	تناسبی برای کلان‌شهرها
عدالت انتخاباتی	تأثیر بیشتر رأی شهرهای بزرگ نسبت به سایر حوزه‌ها در استان‌ها	افزایش تأثیر رأی گروه‌های مختلف در حوزه‌های کوچک‌تر	در نظر گرفته شدن رأی همه شرکت‌کنندگان
مشارکت در انتخابات	کاهش مشارکت در حوزه‌های غیر از شهرهای بزرگ	ایجاد انگیزه برای گروه‌های کوچک‌تر در حوزه‌های کوچک‌تر	ایجاد انگیزه برای آراء محذوف(حامیان جریان‌های با شانس پیروزی کمتر)
پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی	کاهش رقابت بر سر کرسی‌های حوزه‌های غیر از شهرهای بزرگ	ایجاد رقابت بر سر کرسی	ایجاد رقابت بر سر هر کرسی، و امکان ظهور جریان‌های جدید سیاسی
ثبات و جلوگیری از تک‌صدایی	کاهش شدید ثبات به دلیل گسترش الگوی شهرهای بزرگ به همه کرسی‌ها	تثبیت جایگاه جریان‌ها در حوزه‌های کوچک‌تر و جلوگیری از تک‌صدایی	تثبیت جایگاه جریان‌های مختلف و جلوگیری از تک‌صدایی
ایجاد تعادل میان نگاه ملی و محلی نمایندگان	کاهش ارتباط شخصی و به تبع آن نگاه محلی نمایندگان اغلب حوزه‌ها	افزایش ارتباط شخصی با نمایندگان شهرهای بزرگ	عدم تغییر
مسائل امنیتی مرتبط با اختلافات قومیتی	ایجاد مشکلات امنیتی در بسیاری از حوزه‌ها	بهبود یا عدم تغییر، بسته به طراحی حوزه‌های انتخابیه جدید	عدم تغییر

ایجاد منافع مشترک میان داوطلبان، کمک به شکل‌گیری هویت احزاب	فردی‌تر شدن انتخابات	بهبود هماهنگی تشکیلاتی به دلیل حوزه‌های اصلی بزرگ و نقش زیاد احزاب	تحزب و هماهنگی تشکیلاتی نمایندگان
عدم تغییر	کاهش هزینه به دلیل کوچک‌تر شدن حوزه‌ها نیاز به ثبت حوزه انتخابیه رأی‌دهندگان	تحمل هزینه بیشتر به دلیل گسترش حوزه انتخابیه و افزایش تعداد آراء	عدم افزایش هزینه‌های عمومی

استانی-شهرستانی اکثریتی

همان‌طور که در نگاه اول نام این راهکار به ذهن متبادر می‌کند، این نظام شبیه به نظام‌های انتخاباتی رایج مورد استفاده در دنیا و شرح‌داده شده در قسمت‌های پیشین نیست. در واقع نظام استانی-شهرستانی اکثریتی، نسخه‌ای تغییر یافته از نظام استانی-شهرستانی تناسبی است که در اخیرترین تلاش منجر به تصویب قانون مجلس شورای اسلامی در سال ۹۸ استفاده شد. شبیه‌ترین الگو به نظام استانی-شهرستانی تناسبی مذکور نظام انتخابات کنونی لبنان است. هر چند مدل استانی-شهرستانی تناسبی در اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان به تفصیل شرح داده شده، (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸) اما مروری بر نظام انتخاباتی لبنان برای فهم آن و نظام استانی-شهرستانی اکثریتی مفید است (شرح کامل جزئیات نظام انتخاباتی لبنان در حوصله این گزارش نیست و می‌توان برای مطالعه آن به منبع مربوطه مراجعه کرد). (IFES, 2017)

نظام انتخاباتی لبنان در پاسخ به نیاز این کشور برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و مذاهب متکثر این کشور، در حضور متناسب جریان‌های سیاسی مختلف در مجلس طراحی شده است. ناظر به این موضوع هر چند کلیت نظام انتخاباتی لبنان تناسبی در ۱۵ حوزه‌های انتخابیه اصلی با اندازه‌های مختلف از ۵ تا ۱۳ است، و در نهایت به هر فهرست بر اساس میزان آراء آن در حوزه انتخابیه اصلی کرسی تخصیص می‌یابد، اما نحوه تخصیص کرسی‌های هر فهرست به اعضای آن پیچیده است و بسته به جمعیت اقلیت‌ها و مذاهب مختلف حاضر در حوزه‌های انتخابیه دارد. بایستی در نظر داشت در این نظام انتخابات علاوه بر رأی به فهرست، رأی‌دهندگان می‌توانند یک رأی فردی نیز به یکی از اعضای فهرستی که به آن رأی داده‌اند بدهند.

در این نظام انتخاباتی کرسی‌های هر یک از ۱۵ حوزه انتخابیه اصلی بر اساس جمعیت اقلیت‌ها و مذاهب مختلف تقسیم‌بندی شده و به هر یک از آن‌ها تعدادی کرسی تعلق می‌یابد. بعضاً برخی از حوزه‌های انتخابیه اصلی شامل حوزه‌های انتخابیه فرعی می‌شوند که هر یک تعداد مختلفی از فهرست‌ها را برای اقلیت‌ها و مذاهب مختلف در نظر گرفته‌اند (اما در نهایت این حوزه‌بندی فرعی تأثیری در تعیین تعداد کرسی‌های هر فهرست ندارد). در نهایت و پس از مشخص شدن تعداد کرسی‌های هر فهرست در سطح حوزه‌های انتخابیه اصلی، کرسی‌ها به ترتیب به نامزدهایی که بیشترین آراء فردی را در حوزه انتخابیه اصلی (یا فرعی) کسب کرده‌اند اختصاص می‌یابد تا زمانی که ظرفیت کرسی‌های هر فهرست، و هر یک از اقلیت‌ها و مذاهب حوزه‌های انتخابیه اصلی (و در صورت وجود فرعی) پر شود.

در چنین نظامی، ممکن است برخلاف انتظارات در سایر کشورها، به جای نامزدی شیعه (به عنوان یکی از مذاهب لبنان) که محبوب شیعیان یک حوزه انتخابیه است، به دلیل تکمیل ظرفیت کرسی‌های فهرست او، نامزد شیعه‌ای از فهرستی دیگر راهی مجلس شود. اما به دلیل اهمیت زیاد این دسته‌بندی‌های مذهبی در لبنان، مادامی که از هر حوزه انتخابیه نمایندگانی از اقلیت‌ها و مذاهب مختلف متناسب با جمعیت آن‌ها در مجلس حضور داشته، و تعداد کرسی‌های جریان‌های سیاسی مختلف نیز با آراء و حمایت مردمی آن‌ها متناسب باشد، نتیجه‌ای قابل قبول حاصل شده است.

راهکار استانی-شهرستانی تناسبی مورد استفاده در طرح مصوب سال ۹۸، تلاش داشت تا چنین ایده‌ای را در ایران، با در نظر گرفته استان‌ها مشابه حوزه‌های انتخابیه اصلی لبنان، و هر یک از حوزه‌های انتخابیه فرعی فعلی مشابه با یکی از اقلیت‌ها و مذاهب هر یک از حوزه‌های انتخابیه لبنان، پیاده کند. اما چنین تلاشی بدون در گرفتن این نکته حیاتی است که ارتباط مردم هر یک از حوزه‌های انتخابیه فعلی در ایران با نماینده خود و تصور آنان از جایگاه و نقش این نماینده، با ارتباط مردم هر یک از مذاهب ساکن در یک حوزه انتخابیه لبنان با نماینده متعلق به آن به کلی متفاوت است. بر خلاف لبنان، در ایران و مشخصاً در حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی، این که نماینده‌ای با رأی کمتری از سایر نمایندگان به دلیل وجود در یک فهرست خاص راهی مجلس شود، تا صرفاً از آن حوزه انتخابیه نماینده‌ای در مجلس حضور داشته باشد به هیچ‌وجه قابل پذیرش نبوده و می‌تواند منجر به نارضایتی و کاهش مشارکت شود. در این طرح سعی شده بود تا این مشکل با تعیین نصابی از آراء کسب‌شده در حوزه انتخابیه به جهت تضمین حداقلی از نمایندگی حل شود، اما چنین ساز و کاری به دلیل عدم تناسب با مفهوم تناسبی و فهرستی بودن انتخابات در سطح استانی منجر به این می‌شد که در برخی شرایط نظام انتخابات نتواند از یک حوزه انتخابیه فرعی هیچ نماینده‌ای را راهی مجلس کند.

راهکار استانی-شهرستانی اکثریتی تلاش دارد تا با تغییر ماهیت انتخابات در استان از تناسبی به اکثریتی، برخی از تناقضات مدل استانی-شهرستانی تناسبی (نظیر عدم راهیابی هیچ نماینده‌ای به دلیل وجود نصاب برای حوزه‌های فرعی) را حل کند، اما کماکان دچار بسیاری از چالش‌های ذاتی آن نظیر امکان راهیابی نامزدهایی با رأی کمتر از یک حوزه انتخابیه فرعی به دلیل رأی بیشتر در استان است که همان‌طور که ذکر شد می‌تواند منجر به نارضایتی، کاهش مشارکت، تنش‌های قومی قبیله‌ای و معضلات امنیتی شود (فارغ از خدشه‌دار بودن از منظر عدالت انتخاباتی). در واقع تنها حسن و دلیل اقبال به راهکارهای استانی-شهرستانی (تناسبی و اکثریتی) تلاش برای تقویت نگاه ملی در مجلس است، اما متأسفانه بدون پذیرفتن قیود و محدودیت‌های نظام‌های انتخاباتی مختلف و بستر انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران. ایرادهای وارد به طرح استانی-شهرستانی تناسبی که بسیاری از آن‌ها به طرح استانی-شهرستانی اکثریتی نیز وارد است (مشخصاً خدشه به عدالت انتخاباتی، کاهش مشارکت و ایجاد معضلات امنیتی) به تفصیل در اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸) موجود است.

در واقع راهکار استانی-شهرستانی (چه اکثریتی و چه تناسبی) به دلیل اجراناپذیری نایست به مرحله راهکارهای مورد بررسی راه پیدا می‌کرد، اما ناظر به برجسته بودن آن به عنوان یک گزینه در مجلس شورای

اسلامی در زمان گزارش در این بخش قرار گرفت. در ادامه به دو راهکار اجراپذیری که هر یک مورد توجه بخشی از ذی‌نفعان مسئله قرار گرفته است می‌پردازیم.

حوزه‌های تک‌کرسی اکثریتی

برخلاف ایده استانی-شهرستانی، راهکار استفاده از نظام اکثریتی تنها در حوزه‌های تک‌کرسی، به معنی شکستن حوزه‌های انتخابیه چندکرسیه به حوزه‌های تک‌کرسی و تبدیل نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی به یک نظام یکپارچه، ایده‌ای رایج و مورد استفاده در بسیاری از کشورها دنیاست. این راهکار از هیچ‌یکی از محدودیت‌های قانونی مربوط به اصلاح نظام انتخابات، چه محدودیت‌های قانون اساسی و چه محدودیت‌های سیاست‌های کلی انتخابات، تخطی نکرده و به صورت کلی نیز با بستر برگزاری نظام انتخابات و سایر اجزای نظام سیاسی سازگار است. از جایی که فصل مشترک هر دو راهکار باقی‌مانده، تغییر در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی است، در ادامه به نقاط مثبت و منفی این دو راهکار در این حوزه‌های انتخابیه و مقایسه آن‌ها با وضعیت موجود می‌پردازیم.

از منظر عدالت انتخاباتی، تقسیم حوزه‌های انتخابیه چندکرسی به حوزه‌های تک‌کرسی گامی رو به جلوست، زیرا آراء محذوفی نظیر هواداران جریانی که ممکن است با شکست در یک حوزه بزرگ چندکرسی هیچ سهمی از نتایج انتخابات نداشته باشد، می‌توانند در برخی از حوزه‌های انتخابیه جدید ایجاد شده که در اکثریت هستند از نتیجه انتخابات سهمی داشته باشند. هم‌چنین این راهکار با عدالت انتخاباتی از منظر فردی (این که هیچ نامزدی با رأی کمتر از نامزدی دیگر نتواند برنده انتخابات شود) سازگار است. با در نظر داشتن این ویژگی، و هم‌چنین ارتباط نزدیک‌تر نمایندگان در حوزه‌های تک‌کرسی به رأی‌دهندگان، انتخابات اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی از منظر میزان مشارکت در انتخابات گامی رو به جلو نسبت به وضعیت موجود است.

برخلاف انتخابات در حوزه‌های چندکرسی در شهرهای بزرگ، در انتخابات تک‌کرسی رقابت بر سر هر کرسی تبدیل به رقابتی جداگانه و بسیار حساس‌تر می‌شود و این موضوع می‌تواند پاسخگویی جریان‌ها و احزاب سیاسی که با یکدیگر در این حوزه‌ها رقابت می‌کنند را افزایش دهد. در یک انتخابات تک‌کرسی، گزینش نامزدها برای حوزه‌های انتخابیه مختلف بسیار جدی‌تر و حساس‌تر از اضافه کردن یک نفر به یک لیست چندین نفره است، زیرا هر یک از نامزدهای یک فهرست بایستی بتواند به تنهایی در یک رقابت بر رقبای مستقیم خود غلبه کرده و جریان سیاسی خود را نمایندگی کند. در صورت انتخاب افراد بدون صلاحیت کافی، ممکن است یک جریان سیاسی یک کرسی با ارزش را از دست داده و شاهد تزلزل جایگاه خود در یک حوزه انتخابیه باشد.

هر چند از منظر پاسخگویی راهکار حوزه‌های تک‌کرسی نقاط ضعفی نیز دارد و هر یک از جریان‌های سیاسی می‌تواند با تکیه به برخی از مناطق در شهرها که آن‌ها را پایگاه رأی ثابت خود می‌داند از کسب تعداد خاصی از کرسی‌ها اطمینان داشته و پاسخگویی کمتری داشته باشد. هم‌چنین ظهور احزاب و جریان‌های سیاسی جدید در این نظام هر چند نسبت به نظام اکثریتی چندکرسی ساده‌تر بوده، اما کماکان دشوار است. زیرا در صورتی که حامیان یک جریان سیاسی یا حزب جدید در یک شهر بزرگ پراکنده باشند کماکان در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی جدید بازنده خواهند بود (مگر در صورت جابجایی برای رأی دادن که در ادامه به آن اشاره

خواهیم کرد). اما در مجموع از منظر پاسخگویی، تقسیم حوزه‌های چندکرسی به تک‌کرسی گامی رو به جلوست.

از منظر جلوگیری از تک‌صدایی و ثبات بیشتر نیز از وضعیت فعلی به مراتب بهتر است، زیرا امکان این موضوع که در هر دوره انتخابات تمامی نمایندگان یک حوزه چندکرسی سابق از یک جریان سیاسی انتخاب شوند، و یا تمامی نمایندگان قبلی شهر خارج شده و نمایندگان جدیدی به جای آن‌ها وارد شوند به مراتب کاهش می‌یابد. در نتیجه عدم تغییرات بسیار شدید در ترکیب نمایندگان مجلس و باقی ماندن چهره‌های برجسته جریان‌های مختلف، امکان تغییرات شدید سیاستی کمتر شده و ثبات سیاستی مجلس بهبود می‌یابد.

اما نظام تک‌کرسی اکثریتی ایرادهای خود را نیز دارد. هر چند کوچک کردن اندازه حوزه‌های انتخابیه و ایجاد ارتباط نزدیک‌تر میان مردم و نمایندگان موجب افزایش مشارکت و پاسخگویی نمایندگان به مردم می‌شود، اما در عین حال باعث افزایش اولویت مسائل مردم حوزه انتخابیه نزد نمایندگان نیز می‌شود. در شرایطی که در حال حاضر مجلس شورای اسلامی از عدم تعادل شدید و غلبه اولویت‌ها و مسائل محلی بر اولویت‌ها و مسائل ملی رنج می‌برد، و بخش قابل توجهی از مسائل ملی در مجلس توسط نمایندگان شهرهای بزرگ دنبال می‌شود، چنین تغییری می‌تواند تبعات نامطلوبی برای مجلس داشته باشد.

حتی در صورتی که فرض کنیم به دلیل فرهنگ سیاسی شهرهای بزرگ، کوچک کردن اندازه حوزه انتخابیه منجر به افزایش اهمیت و اولویت مسائل و نیازهای محلی مردم نزد نمایندگان نشود، با توجه به نیاز نمایندگان به رقابت در حوزه‌های کوچک‌تر، در رقابت مستقیم با چند داوطلب دیگر و برقراری ارتباط با مردم حوزه انتخابیه، می‌تواند منجر به تضعیف رابطه نمایندگان با احزاب و جریان‌های سیاسی و فردی‌تر شدن انتخابات شود. به عنوان مثال نماینده‌ای که با چندین دوره حضور در یک حوزه انتخابیه و جلب حمایت مردم آن به جایگاه مطمئنی در آن حوزه انتخابیه رسیده باشد، از موضع بسیار قدرت‌مندتری در مقابل حزب نسبت به وضعیت فعلی برخوردار خواهد بود.

این جایگاه قدرتمندتر نمایندگان در حوزه‌های تک‌کرسی، قدرت و توانایی کنترل احزاب و جریان‌های سیاسی را تضعیف کرده، نیاز نمایندگان به هماهنگی با یک‌دیگر و ایجاد یک هویت مشترک را تضعیف می‌کند. زیرا در نهایت هر یک از آن‌ها نیاز به پیروزی در حوزه انتخابیه و نه کسب رأی از کل شهر دارند و هر چند کماکان حمایت حزب یا جریان سیاسی می‌تواند یک عامل مؤثر در پیروزی باشد، اما نقش کمتری نسبت به نظام‌های دیگر من جمله وضعیت فعلی دارد. حتی ممکن است نماینده با اطمینان از جایگاه مطمئن خود در یک حوزه انتخابیه و نیاز حزب یا جریان سیاسی به او، عملاً از اهداف و ایده‌های حزب پیروی نکرده و در ظاهر یک نماینده حزبی، اما در عمل یک نماینده مستقل باشد. لذا نمی‌توان انتظار داشت با پیاده‌سازی یک نظام تک‌کرسی اکثریتی وضعیت تحزب بهبود یافته و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی با هماهنگی بیشتری نسبت به قبل رفتار کنند.

از منظر اجراپذیری، نظام اکثریتی تک‌کرسی با این پیچیدگی نیز مواجه است که بایستی به نحوی حوزه انتخابیه محل مشارکت افراد در شهرها را از پیش مشخص کرد. دلیل این موضوع، که از نظر اجرایی بار قابل

توجهی به برگزاری انتخابات اضافه خواهد کرد، این است که در صورت عدم مشخص بودن حوزه انتخابیه محل مشارکت، چه جریان‌ها و چه داوطلبان سیاسی و چه نامزدها می‌توانند با حرکت دادن افراد میان حوزه‌های انتخابیه، نتایج حوزه‌های مختلف را تغییر داده و نتایج غیرقابل‌پیش‌بینی و ناعادلانه‌ای رقم بزنند. جهت جلوگیری از این موضوع، لازم است تا یا به صورت داوطلبانه، یا بر اساس اطلاعات موجود از شهروندان، حوزه انتخابیه محل مشارکت هر یک از آن‌ها را پیش از انتخابات مشارکت کرد. هر کدام از این روش‌ها پیچیدگی‌های خاص خود را داشته و به غیر از افزودن به هزینه‌های برگزاری انتخابات، در صورت عدم اجرای مناسب می‌توانند منجر به کاهش مشارکت شوند.

تناسبی برای کلان‌شهرها

این ایده در واقع یک نظام دوگانه، یا ترکیبی مستقل مبتنی بر هم‌زیستی است که مبنی بر باقی ماندن نظام موجود اکثریتی در حوزه‌های انتخابیه غیر از کلان‌شهرها و اجرای یک نظام تناسبی فهرستی با لیست آزاد در حوزه‌های کلان‌شهرهاست. دلیل انتخاب کلان‌شهرها، بی‌ربط به موضوع عدالت انتخاباتی نیست. البته که اجرای الگوی تناسبی در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی نشدنی و در حوزه‌های با تعداد کرسی‌های اندک مطلوب نیست، اما همان‌طور که ذکر شد انتخابات تناسبی با یک برداشت خاص از عدالت انتخاباتی تناسب دارد که خود بیشتر با فرهنگ سیاسی انتخابات مجلس شورای اسلامی در کلان‌شهرها رایج است.

همان‌طور که پیش‌تر نیز به این موضوع پرداختیم، فارغ از نظام انتخاباتی، برای بسیاری از حوزه‌های انتخابیه بعد فردی و شخصی نمایندگی مجلس بسیار پررنگ‌تر بوده و تصور مردم از رأی دادن به یک داوطلب، نه حمایت از یک حزب یا جریان سیاسی بلکه حمایت از شخص اوست. در صورتی که در کلان‌شهرها، بسیاری از مردم حتی بدون هیچ‌گونه شناختی از برخی داوطلبان، به دلیل قرار گرفتن آن‌ها در فهرست متعلق به یک حزب یا جریان سیاسی خاص اقدام به رأی دادن به آن‌ها می‌کنند. هیچ یک از این شیوه مواجهه با انتخابات، چه در کلان‌شهرها و چه در حوزه‌های کوچک و تک‌کرسی به خودی خود نامطلوب نیست، بلکه هر یک به اقتضاء دیگر عوامل و اجزاء ساختار سیاسی کشور به وجود آمده‌اند که با فرض عدم تغییر آن‌ها، بایستی نظام انتخاباتی مورد استفاده در حوزه‌های مختلف با بستر انتخابات مجلس در آن‌ها سازگار باشد.

عدالت انتخاباتی با تفسیر جریانی و گروهی، با فرهنگ سیاسی انتخابات مجلس در کلان‌شهرها سازگار است، زیرا در این حوزه‌ها بعد جریانی و سیاسی یک نماینده به صورت کلی بر بعد فردی و شخصی وی غلبه دارد. مروری بر الگوی رأی‌دهی در اغلب کلان‌شهرها نیز نشان از این دارد که هر چند مواردی از داوطلبانی وجود دارد که با تکیه بر بعد فردی، نظیر سابقه بلندمدت خود، با تأثیرپذیری کمتری از مناسبات سیاسی بخشی از آراء را از آن خود می‌کنند، اما اختصاص اغلب کرسی‌ها به شدت متأثر از تعلق‌های حزبی و جریانی داوطلبان است و این روند نیز در طول زمان تقویت شده است.

تناسب تعداد کرسی‌ها با میزان رأی هر یک از جریان‌ها و احزاب سیاسی، به حامیان آن‌ها این انگیزه را می‌دهد که حتی در صورت برخورداری بودن از موقعیت ضعیف‌تری به نسبت سایر احزاب و جریان‌ها، و نداشتن نامزدهایی که بتوانند با نامزدهای آن‌ها از منظر رأی فردی رقابت کنند، در انتخابات شرکت کرده و تعدادی از کرسی‌ها

را به خود اختصاص دهند. حتی گروه‌هایی که تا پیش از این جریان‌های موجود را نمایندگان مطلوبی برای خود نمی‌یافتند، می‌توانند بسته به نصاب انتخابات، خود اقدام به رقابت سیاسی با آن‌ها کنند. البته در صورت پایین بودن نصاب انتخابات تناسبی، این موضوع می‌تواند منجر به انشقاق بیش از حد در فضای سیاسی شده و آثار نامطلوبی داشته باشد.

با این شکل از برگزاری انتخابات، احزاب و جریان‌های سیاسی بایستی برای هر کرسی اضافه جنگیده و حمایت مردمی خود را بیشتر کنند، و دیگر نخواهند توانست با تکیه بر قرار داشتن در اکثریت از تصاحب همه کرسی‌ها اطمینان خاطر داشته باشند. در این شرایط پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی به حامیان خود افزایش خواهد یافت، چه پیش از برگزاری انتخابات و در تدوین فهرست‌های انتخاباتی، و چه بعد از انتخابات و ناظر به عملکرد خود در مجلس.

در الگوی تناسبی انتخابات، به دلیل برخوردار شدن جریان‌های مختلف از کرسی‌های مجلس متناسب با حمایت مردمی از سوی آن‌ها، شاهد تغییرات شدید ترکیب نمایندگانی که از حوزه‌های با انتخابات تناسبی راهی مجلس می‌شوند نخواهیم بود و امکان این که جریانی که بخش قابل توجهی از جامعه را نمایندگی می‌کند به کلی از مجلس حذف شده و یا جریانی که تنها حمایت بخشی از جامعه را دارد تمام کرسی‌ها را تصاحب کند وجود نخواهد داشت. در نتیجه تغییری بودن این تغییرات، تک‌صدایی ایجاد نشده و تغییرات سیاستی نیز تدریجی و با حداقلی از ثبات خواهد بود.

انتخابات تناسبی به‌خصوص برای شکل‌گیری احزاب سیاسی مفید خواهد بود. در حالت فعلی به دلیل ماهیت همه یا هیچ انتخابات، احزاب و جریان‌های مختلف با وجود اختلاف‌های اساسی مجبور به ائتلاف با یکدیگر می‌شوند، ائتلاف‌هایی که تنها کارکرد پیروزی در انتخابات را داشته و از ایجاد هویت‌ها و جریان‌های منسجم جلوگیری می‌کنند. اما در انتخابات تناسبی، داوطلبان یک فهرست در انتخابات منافع مشترکی با یکدیگر داشته و رأی هر یک از آن‌ها به عنوان رأی برای سایرین محسوب می‌شود. در نتیجه این موضوع افرادی در یک فهرست در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که می‌دانند که وارد شدن هر نفر به مجلس به میزان رأی سایر اعضا بستگی داشته و هر نفر نیز می‌داند ممکن است در نهایت با وجود به دست آوردن میزان رأی قابل توجهی در نهایت دیگر اعضای فهرست به جای وی راهی مجلس شوند. در نتیجه این موضوع، احزاب و جریان‌هایی که در قالب انتخابات تناسبی شکل می‌گیرند شاید متکثرتر باشند، اما هویت مشخص‌تری داشته و منسجم‌تر خواهند بود.

تجویز نهایی

همان‌طور که در جدول ۱۰ دیدیم، و در بخش پیش نیز شرح دادیم، الگوهای اکثریتی تک‌کرسی و تناسبی در حوزه‌های انتخابیه چندکرسی و کلان‌شهرها، مزایای مشترکی دارند. هر دو راهکار موجب افزایش عدالت انتخاباتی (بهبود نسبت به وضع موجود ولو با تفاسیر مختلف)، مشارکت در انتخابات، پاسخگویی احزاب و جریان‌های سیاسی و ثبات سیاستی در مجلس شورای اسلامی و جلوگیری از تک‌صدایی می‌شوند. اما تفاوت

جدی این دو راهکار، در جایگاهی است که برای نمایندگان، از یک سو در ارتباط با احزاب و از سوی دیگر در ارتباط با مردم ترسیم می‌کنند.

مشخصاً از منظر عدالت انتخاباتی، نظام اکثریتی تک‌کرسی برای شهروندانی مفیدتر است که در نقاط خاصی از حوزه انتخابیه، نظیر مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ، متمرکز هستند اما به دلیل غلبه دیگر مناطق حوزه انتخابیه مورد توجه واقع نشده و صدایی در میان نمایندگان حوزه انتخابیه ندارند. اما نظام تناسبی برای شهروندانی مفیدتر است که در نقاط مختلف حوزه انتخابیه پراکنده بوده و در عین داشتن جمعیتی قابل توجه، امکان پیروزی در یک منطق خاص را ندارند؛ به عنوان مثال یک جریان سیاسی نوظهور. از این جهت دو راهکار مذکور، از منظر مزیت خود در عدالت انتخاباتی با یکدیگر تفاوت دارند.

نظام اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی نمایندگان را راهی مجلس می‌کند که از جهت رقابت فردی در حوزه‌های تک‌کرسی و ارتباط نزدیک‌تر با رأی‌دهندگان برای مردم جذابیت بیشتری دارند، اما به همین نسبت نمایندگان را از احزاب و جریان‌های سیاسی دورتر کرده، ارتباط تشکیلاتی آن‌ها با یکدیگر را کمرنگ‌تر کرده و میزان بیشتری از توجه و وقت آن‌ها را به حوزه انتخابیه سوق می‌دهد. در شرایطی که در حال حاضر مجلس شورای اسلامی از همین مشکلات در میان نمایندگان برگزیده حوزه‌های انتخابیه کوچک و تک‌کرسی رنج می‌برد، و تقویت نگاه ملی و هماهنگی تشکیلاتی نمایندگان یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های همه ذی‌نفعان اصلاح نظام انتخابات مجلس است، چنین نقطه ضعفی برای یک راهکار غیرقابل چشم‌پوشی است.

هم‌چنین به عنوان یک ایراد بسیار اساسی‌تر، نظام اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی نیاز به ساز و کار برای تعیین حوزه انتخابیه رأی‌دهندگان دارد. رأی‌دهندگانی که سابقاً در یک حوزه انتخابیه بزرگ رأی می‌دادند، در یک نظام اکثریتی تک‌کرسی بایستی در چندین حوزه انتخابیه به هم‌چسبیده در یک شهر بزرگ رأی دهند. در صورتی که حوزه انتخابیه محل مشارکت هر رأی‌دهنده ساکن یک شهر مشخص نباشد، به دلیل سهولت جابجایی در شهر میان حوزه‌های انتخابیه، امکان جابجا کردن افراد برای ایجاد تغییرات مصنوعی و برخلاف بافت جمعیتی هر حوزه انتخابیه و ایجاد نتایج غیرمنتظره و ناعادلانه وجود دارد (به عنوان مثال، یک جریان سیاسی از حوزه انتخابیه‌ای که در آن اکثریت قاطع داشته و از پیروزی مطمئن است، تعداد زیادی از هواداران خود را به یک حوزه انتخابیه که در آن رقابت نزدیک‌تری وجود داشته گسیل کند). چنین ساز و کار نیازمند هزینه قابل توجه و پیچیدگی‌هایی است که در صورت اجرای نامناسب ممکن است به دلیل ایجاد سختی در فرایند رأی دادن مشارکت شهروندان را در انتخابات کاهش دهد.

نظام تناسبی در کلان‌شهرها همه مشکلات و چالش‌های فعلی نظام انتخابات مجلس را سامان نمی‌دهد. اما همان‌طور که در بخش محدودیت‌های نظام انتخاباتی جایگزین به آن پرداختیم، برخی مشکلات نظیر غلبه نگاه محلی بر نگاه ملی در چارچوب سایر اجزای نظام سیاسی و قیود تحمیل‌شده به مسئله اصلاح نظام انتخابات قابل حل نیست و نمی‌توان انتظار حل آن را تنها با تغییر نظام انتخاباتی داشت. در نتیجه در حال حاضر، تنها راهکار رو به جلو و اجراپذیر پیاده‌سازی نظام تناسبی در کلان‌شهرهاست.

جزئیات راهکار پیشنهادی: نظام تناسبی برای کلان‌شهرها

همان‌طور که در گزارش بارها به این موضوع اشاره کردیم، جزئیات پیاده‌سازی نظام‌های انتخاباتی مختلف بسیار حائز اهمیت بوده و می‌توانند باعث نتایج کاملاً متفاوتی شوند. اما یک نظام تناسبی برای استفاده در بستر فعلی نظام انتخابات مجلس ایران در کلان‌شهرها بایستی چه ویژگی داشته باشد؟

حوزه‌های انتخابیه

از مزیت‌های برگزاری انتخابات به صورت تناسبی، و نه اکثریتی در حوزه‌های تک‌کرسی این است که نیازی به تغییر خاصی در حوزه‌های انتخابیه نیست و می‌توان انتخابات را در همان حوزه‌های انتخابیه سابق برگزار کرد. اما دقیقاً کدام یک از حوزه‌های انتخابیه بایستی انتخابات را به صورت تناسبی برگزار کنند؟

از یک‌سو می‌توان طبق تعریف وزارت کشور، حوزه‌های انتخابیه دارای بیش از یک میلیون نفر جمعیت را به عنوان کلان‌شهرها محسوب کرد. با این تعریف در نه حوزه انتخابیه تهران، مشهد، اصفهان، کرج، شیراز، تبریز، قم، اهواز و کرمانشاه (در مجموع ۶۱ نماینده) انتخابات بایستی به صورت تناسبی برگزار شود. اما این تعریف با این چالش مواجه است که هم‌اکنون این حوزه‌های انتخابیه تعداد گوناگونی نماینده دارند که به عنوان مثال برای حوزه انتخابیه کرج با دو نماینده انتخابات تناسبی اثرات مورد انتظار خود را نخواهد داشت.

اگر بخواهیم تعدادی کرسی معین را به عنوان ملاک تشخیص حوزه‌های انتخابیه‌ای که بایستی در آن‌ها انتخابات به صورت تناسبی برگزار شود مشخص کنیم، هم‌اکنون تعداد کرسی‌ای که تمامی حوزه‌های انتخابیه دارای آن یا بیشتر از آن کلان‌شهر محسوب می‌شوند چهار کرسی است. در صورت قرار دادن ملاک دارا بودن چهار کرسی یا بیشتر، هم‌اکنون تنها پنج کرسی تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز (در مجموع ۵۰ نماینده) شامل تغییرات و برگزاری انتخابات به صورت تناسبی می‌شوند. اما اگر جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس مطابق با طرحی که هم‌اکنون در دست بررسی است و در کمیسیون شوراها به تصویب رسیده تغییر کند، (مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱) آن‌گاه حوزه‌های انتخابیه تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، اردبیل، کرمانشاه و کرج (در مجموع ۶۴ نماینده) مشمول برگزاری انتخابات به صورت تناسبی خواهند شد.

با توجه به شباهت کلی تعداد نماینده‌های مشمول این تغییرات (از ۵۰ تا ۶۴ نماینده)، اگر ملاک برگزاری انتخابات تناسبی تعداد کرسی بیشتر یا مساوی چهار ذکر شود، از برگزاری انتخابات در حوزه‌های با تعداد کرسی اندک جلوگیری شده و در نهایت نیز اغلب شهرهای بزرگ با افزایش جمعیت و افزایش تعداد نمایندگان به این نصاب خواهند رسید. فلذا، می‌توان ملاک را داشتن تعداد کرسی برابر یا بیشتر از چهار دانست.

شیوه ثبت نام و تأیید صلاحیت داوطلبان

برای برگزاری انتخابات به صورت تناسبی نیازی به ایجاد تغییر خاصی در فرایند ثبت نام و تأیید صلاحیت داوطلبان، غیر از تعبیه کردن یک مرحله برای تهیه و ثبت رسمی فهرست‌های انتخابات نیست. به این معنی

که مطابق با رویه سابق نمایندگان به صورت فردی در انتخابات ثبت نام کرده، احراز صلاحیت خواهند شد و سپس تا زمان معینی فرصت خواهند داشت تا فهرست‌های رسمی خود را در وزارت کشور توسط یکی از اعضای فهرست به نمایندگی از سایر اعضا ثبت کنند. شایان توجه است که برای برگزاری انتخابات به صورت تناسبی هر داوطلب بایستی تنها در یک فهرست حضور داشته باشد.

طراحی برگه‌های رأی و شیوه مشارکت رأی‌دهندگان

به نظر مناسب‌ترین شیوه برای برگزاری انتخابات تناسبی برای مجلس شورای اسلامی، استفاده از فهرست‌های آزاد است. منظور از فهرست‌های آزاد این است که شهروندان می‌توانند در برگه‌های رأی خود به تعداد کرسی‌های موجود به داوطلبان فهرست‌های مختلف رأی بدهند و محدودیتی برای دادن رأی به هیچ داوطلبی وجود نخواهد داشت.

دلیل اصلی مناسب بودن این شیوه، عدم فاصله گرفتن از وضعیت موجود، چه از منظر ارتباط داوطلبان با احزاب و جریان‌های سیاسی و چه از منظر نگاه مردم به انتخابات است. هم‌اکنون با وجود این که منطق غالب حاکم بر انتخابات منطق رأی دادن به صورت فهرستی است، اما کماکان این که رأی‌دهندگان تنها امکان رأی دادن به یک فهرست، یا نهایتاً انتخاب یکی از داوطلبان همان فهرست به عنوان یک ترجیح، را داشته باشند چه از نگاه مردم و چه از نگاه سیاست‌مداران مقبول نیست. استفاده از فهرست‌های بسته تغییر بسیار شدیدی به نسبت وضع موجود محسوب می‌شود که قدرت زیادی را به تهیه‌کنندگان فهرست‌ها می‌دهد و استفاده از فهرست‌های باز (امکان انتخاب یک نماینده از فهرست منتخب به عنوان ترجیح) نیز برای رأی‌دهندگان پیچیده است.

با استفاده از فهرست‌های باز نیازی به تغییری در برگه‌های رأی نخواهد بود. البته می‌توان یک جای خالی در قسمتی مجزا از نام داوطلبان منتخب در برگه رأی قرار داد تا به جای نوشتن نام همه داوطلبان تنها نام یا شماره رسمی فهرست توسط رأی‌دهنده نوشته و مشارکت تسهیل شود، اما در صورت نبودن این امکان نیز خللی ایجاد نمی‌شود.

فرمول مورد استفاده

همان‌طور که در هنگام شرح انتخابات‌های تناسبی فهرستی به این موضوع پرداختیم، فرمول‌های متعددی برای استفاده در انتخابات تناسبی به هنگام استخراج تعداد کرسی‌های هر فهرست از تعداد آراء آن وجود دارد که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارد.

فرمول پیشنهادی برای استفاده در انتخابات تناسبی در مجلس شورای اسلامی، روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Hare است. دلیل اصلی انتخاب این روش و این فرمول، سادگی فهم و استفاده از آن است. همان‌طور که در نقاط مختلفی در گزارش نیز به آن پرداختیم، به هنگام ایجاد یک تغییر از یک نظام انتخاباتی به نظامی دیگر، سادگی و قابلیت فهم یکی از مهم‌ترین ملاحظات است و با توجه به نظام فعلی انتخابات در ایران که در

زمره ساده‌ترین نظام‌های انتخابات موجود است، به هنگام تغییر به یک نظام تناسبی، بایستی از فرمولی استفاده کرد که تا حد امکان ساده و قابل نگارش به صورت قابل فهم در متن قانون باشد.

روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Hare از این جهت ساده‌ترین فرمول موجود است که صرفاً نیاز به یک بار محاسبه سهمیه هر فهرست با تقسیم جمع آراء آن بر مجموع آراء و سپس ضرب کردن آن در تعداد کرسی‌هاست. سپس به سادگی به هر فهرست به میزان عدد صحیح سهمیه آن کرسی تخصیص داده شده و کرسی‌های باقی‌مانده به فهرست‌های با بزرگ‌ترین اعشار اختصاص داده می‌شود. روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با نصاب Hare پیشتر نیز در گزارش با یک مثال در جدول ۱۰ شرح داده شده است.

نصاب انتخابات

روش بزرگ‌ترین باقی‌مانده با فرمول Hare به هنگام تخصیص کرسی‌ها، بیشتر به سود فهرست‌های کوچک است و این موضوع ممکن است منجر به انگیزه‌ای برای تقسیم شدن افراد یک جریان یا حزب سیاسی بین فهرست‌های مختلف و حتی ایجاد انشقاق باشد. ناظر به این موضوع، به نظر وجود یک نصاب برای کسب حداقلی از آراء توسط فهرست‌ها ضروری است.

اما نکته‌ای که درباره این ملاحظه در بستر انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران وجود دارد، این است که به اندازه کوچک همه حوزه‌های انتخابیه (چهار تا شش نماینده) غیر از حوزه انتخابیه تهران، به عنوان یک نصاب طبیعی عمل کرده و از ورود فهرست‌هایی که درصد بسیار اندکی از آراء را کسب کرده‌اند جلوگیری می‌کند. به عنوان مثال فهرستی که تنها ۵ درصد از رأی‌دهندگان، ولو به همه اعضای آن رأی داده باشند، در یک حوزه انتخابیه با چهار کرسی، سهمیه‌ای برابر با ۰٫۲ خواهد داشت که بسیار بعید است حتی در صورت بیشتر بودن از اعشار فهرست‌های بزرگ‌تری که بیش از یک سهمیه کسب کرده‌اند، از اعشار سایر فهرست‌ها بیشتر باشد و با احتمال بسیار اندکی نماینده‌ای از چنین فهرستی راهی مجلس خواهد شد.

اما در حوزه انتخابیه تهران به دلیل تعداد بالای کرسی‌ها چنین امری ممکن است، فلذا مطلوب است که در متن قانون نصابی نظیر ۵ درصد آراء برای کسب کرسی توسط فهرست‌ها برقرار شود که در عمل در سایر حوزه‌های انتخابیه غیر از تهران تغییری ایجاد نخواهد کرد، اما می‌تواند از راهیابی جریان‌ها و احزاب بسیار کوچک و افراطی به مجلس جلوگیری کرده و در عین حال مانع غیرقابل غلبه‌ای برای ظهور جریان‌های سیاسی جدید نیز نباشد.

اعمال کردن نصاب تغییر کوچکی در فرمول تخصیص کرسی‌ها نیز ایجاد می‌کند. ابتدا بایستی یک‌بار با منظور کردن همه آراء سهمیه همه فهرست‌های حاضر در انتخابات محاسبه شده، سپس فهرست‌های با آراء کمتر از نصاب حذف شده و تعداد آراء آن‌ها نیز از کل آراء کم شود، و سپس سهمیه فهرست‌های باقی‌مانده مبتنی بر میزان آراء باقی‌مانده مجدداً محاسبه شود.

داوطلبان مستقل

در انتخابات تناسبی، انتخاب یک داوطلب، به صورت فردی و بدون فهرست، عملاً منطق و معنای خاصی ندارد. اما در صورت اصرار برای در نظر گرفته شدن تمهیدی برای حضور چنین داوطلبانی، می‌توان داوطلبانی که در هیچ فهرستی حاضر نشده‌اند را به عنوان فهرست‌هایی تک‌نفره در نظر گرفت که با سایر فهرست‌ها رقابت خواهند کرد. البته که چنین شیوه‌ای از مشارکت برای خود داوطلب عاقلانه نیست و منطقی است وی تعدادی داوطلب دیگر را نیز به فهرست تک‌نفره خود اضافه کرده و فهرستی رسمی ثبت کند تا شانس بیشتری برای پیروزی داشته باشد.

شبیه‌سازی انتخابات با مدل تناسبی

به عنوان یک مثال، در ادامه آمار انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران در سال ۹۴ را با مدل تناسبی شبیه‌سازی می‌کنیم. پیش از همه بایستی این نکته را به یاد داشت که نظام انتخابات، تأثیر چشم‌گیر و مستقیمی بر شیوه مشارکت جریان‌ها و احزاب سیاسی و داوطلبان انتخابات و همچنین مشارکت مردم می‌گذارد. فلذا نمی‌توان انتظار داشت که در صورت استفاده از الگوی تناسبی در انتخابات سال ۹۴ تهران، فهرست‌ها و آراء داوطلبان به شکلی مشابه می‌بود. اما با این وجود بررسی آمار واقعی انتخابات ولو با در نظر داشتن این نکته شهود بیشتری به نتایج استفاده از نظام تناسبی خواهد داد.

جدول زیر بر اساس آراء دو فهرست امید، اصولگرایان و هم‌چنین ۳۰ نامزد سوم در انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی در تهران ایجاد شده است. از جایی که نظام انتخاباتی فعلی اکثریتی بوده و فهرست‌ها رسمیت ندارند، از دوره دهم انتخابات حوزه انتخابیه تهران نیز فهرستی مشابه با فهرست‌های امید یا اصولگرایان که آراء داوطلبان آن را با دو فهرست مذکور مقایسه کرد وجود ندارد. لذا ما فرض با بر وجود فهرستی مشتمل بر ۳۰ نفر سوم انتخابات (نفرات ۱۶ تا ۹۰ام پس از شمارش آراء داوطلبان) قرار دادیم که در ادامه درباره این فرض توضیحات بیشتری خواهیم داد.

در این جدول، آراء شخصی داوطلبان هر یک از فهرست‌ها، به همراه مجموع آراء هر فهرست (مجموع آراء داوطلبان عضو فهرست)، درصد آراء فهرست (نسبت مجموع آراء فهرست به کل آراء)، سهمیه محاسبه شده با فرمول Hare روش بیشترین باقی‌مانده و در نهایت کرسی‌های تخصیص داده شده به هر فهرست بدون و با نصاب ۵ درصد برای فهرست‌هاست. منظور از جمع کل آراء، نه تعداد برگه‌های رأی موجود در صندوق‌های رأی، بلکه مجموع تک‌رأی‌های داده شده به هر داوطلب است. به عنوان مثال یک برگه رأی که در آن نام ۳۰ نامزد نوشته شده در واقع ۳۰ رأی و برگه رأیی که در آن تنها نام یک نامزد نوشته شده است یک رأی محسوب می‌شود.

در واقع طبق این تعریف، حدود ۳ میلیون و ۲۵۰ هزار برگه رأی وارد شده به صندوق‌های رأی، در نهایت حدود ۶۲ میلیون رأی به داوطلبان مختلف بوده است و به طور متوسط در هر برگه رأی نام حدوداً ۱۹ نامزد نوشته شده است. از این حدود ۶۲ میلیون رأی، حدود ۵۹ میلیون رأی به سه فهرست جدول زیر و حدود ۳ میلیون رأی به دیگر داوطلبان داده شده است.

نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی بهتر است چگونه باشد؟

جدول ۱۱: شبیه‌سازی انتخابات ۱۳۹۴ مجلس در تهران با نظام تناسبی

فهرست امید			فهرست اصولگرایان			۳۰ نفر سوم		
۱	عارف	۱,۶۰۸,۹۲۶	۱	حداد عادل	۱,۰۵۷,۶۳۹	۱	میر کاظمی	۸۰,۵۵۶
۲	مطهری	۱,۴۴۷,۷۱۳	۲	اقتا‌نهرانی	۸۸۴,۰۳۳	۲	طلا	۷۴,۲۵۸
۳	جلودارزاده	۱,۳۳۳,۳۲۷	۳	ابوترابی	۸۷۱,۴۹۷	۳	غفوریرفرد	۵۷,۴۹۵
۴	محبوب	۱,۳۱۱,۳۷۵	۴	توکلی	۸۶۲,۷۲۳	۴	کوچک زاده	۴۶,۵۲۱
۵	حضرتی	۱,۲۹۶,۵۸۰	۵	دستجردی	۸۶۰,۳۳۳	۵	رحیمی	۴۵,۹۳۱
۶	جلالی	۱,۲۹۲,۶۸۶	۶	نوباه	۷۸۲,۰۹۴	۶	اردکانی	۴۵,۴۱۵
۷	اولادقبا	۱,۲۶۲,۱۱۲	۷	بذریاش	۷۷۷,۸۷۱	۷	خوش چهره	۳۹,۸۹۴
۸	بادامچی	۱,۲۶۱,۲۵۲	۸	ال اسحاق	۷۷۰,۳۳۳	۸	غرضی	۳۴,۱۵۰
۹	کواکبیان	۱,۲۶۰,۱۷۴	۹	زاکانی	۷۶۷,۲۵۸	۹	صادقی	۳۳,۷۶۱
۱۰	حسینی	۱,۲۱۸,۷۳۷	۱۰	رهبر	۷۶۳,۰۸۲	۱۰	صدر	۳۲,۶۲۴
۱۱	سروش	۱,۲۰۰,۰۱۸	۱۱	الیا	۷۵۳,۶۳۴	۱۱	ذوالفقاری	۳۲,۵۶۱
۱۲	سلحشوری	۱,۱۹۸,۷۶۰	۱۲	افتخاری	۷۴۶,۱۳۹	۱۲	هاشمی	۲۵,۵۲۸
۱۳	حیدری	۱,۱۸۰,۰۹۵	۱۳	رحماندوست	۷۳۱,۷۱۰	۱۳	مزندى	۲۴,۰۰۴
۱۴	سعیدی	۱,۱۷۶,۹۰۵	۱۴	سلیمانی	۷۲۱,۶۰۳	۱۴	شیخ الاسلام	۲۳,۵۶۵
۱۵	شیخ	۱,۱۷۴,۴۱۰	۱۵	مصباحی مقدم	۷۲۰,۴۷۱	۱۵	سبحانی	۲۳,۳۱۰
۱۶	نوبخت	۱,۱۷۳,۰۳۶	۱۶	نادران	۷۲۰,۱۳۱	۱۶	بیادی	۲۰,۸۹۴
۱۷	صادقی	۱,۱۶۴,۳۶۸	۱۷	مظفر	۷۱۵,۷۳۱	۱۷	عزیزی	۱۹,۱۳۳
۱۸	وکیلی	۱,۱۶۳,۰۵۲	۱۸	داودی	۷۱۵,۲۵۶	۱۸	معتقد	۱۷,۶۸۵
۱۹	مافی	۱,۱۶۲,۱۹۵	۱۹	الهیان	۷۰۹,۴۳۲	۱۹	عامری	۱۶,۳۱۶
۲۰	نعمتی	۱,۱۵۸,۰۲۶	۲۰	کوثری	۷۰۴,۷۱۴	۲۰	حبیبی	۱۴,۰۵۱
۲۱	ذوالقدر	۱,۱۵۵,۲۸۴	۲۱	حبیبی	۶۹۲,۹۰۲	۲۱	نوری	۱۳,۶۶۲
۲۲	فتحی	۱,۱۳۹,۷۱۰	۲۲	نبویان	۶۹۲,۸۸۷	۲۲	نجفی	۱۳,۶۱۲
۲۳	سیاوشی	۱,۱۲۸,۲۷۰	۲۳	قریشی	۶۹۸,۲۵۸	۲۳	فتحی	۱۳,۶۱۰
۲۴	موسوی	۱,۱۲۵,۹۹۲	۲۴	طیبزاده	۶۷۵,۳۸۹	۲۴	مقدم	۱۳,۳۸۶
۲۵	مازنی	۱,۱۲۵,۶۰۸	۲۵	فورزنده	۶۷۱,۳۹۳	۲۵	زمانی	۱۳,۳۵۱
۲۶	زمانی	۱,۱۲۲,۲۵۶	۲۶	ملکی	۶۶۷,۱۷۸	۲۶	مفتح	۱۳,۱۷۷
۲۷	محمدی	۱,۱۲۱,۰۴۲	۲۷	وکیل پور	۶۶۵,۰۱۸	۲۷	حسینی	۱۳,۴۷۰
۲۸	نجفی	۱,۱۱۸,۱۱۹	۲۸	عامری	۶۵۴,۱۹۰	۲۸	اوردوخانی	۱۲,۰۳۹
۲۹	رحیمی	۱,۱۱۴,۸۳۹	۲۹	میر کاظمی	۶۲۷,۰۳۵	۲۹	دشتی	۱۱,۹۵۶
۳۰	هاشم‌زایی	۱,۰۷۸,۸۱۷	۳۰	اردکانی	۶۲۶,۸۳۵	۳۰	طریقت منفرد	۱۱,۶۸۵
حاصل جمع آراء			۳۶,۲۷۳,۶۹۴	حاصل جمع آراء	۲۲,۳۰۶,۷۶۹	حاصل جمع آراء	۸۳۷,۶۰۰	
درصد آراء			۵۸,۲۴٪	درصد آراء	۳۵,۸۱٪	درصد آراء	۱,۳۴٪	
سهیمه			۱۷,۴۷	سهیمه	۱۰,۷۴	سهیمه	۰,۴۰	
کرسی‌ها بدون نصاب			۱۸	کرسی‌ها بدون نصاب	۱۱	کرسی‌ها بدون نصاب	۱	
سهیمه با نصاب ۵٪				سهیمه با نصاب ۵٪		سهیمه با نصاب ۵٪		
کرسی‌ها با نصاب ۵٪			۱۹	کرسی‌ها با نصاب ۵٪	۱۱	کرسی‌ها با نصاب ۵٪	-	
جمع کل آراء			۶۲,۲۸۵,۶۱۸	آراء سایر داوطلبان	۲,۸۶۷,۵۵۵			

همان‌طور که می‌بینیم فهرست امید ۵۸,۲۴ درصد از کل آراء را به دست آورده است که با ضرب کردن آن در تعداد کرسی‌ها، دارای ۱۷,۴۷ سهمیه خواهد بود. به همین ترتیب فهرست اصولگرایان دارای ۱۰,۷۴ سهمیه و فهرست ۳۰ نفر سوم دارای ۰,۴۰ سهمیه است.

نکته قابل توجه این است که به دلیل ماهیت همه یا هیچ انتخابات اکثریتی، حدود ۹۴ درصد از آراء به تمامی به دو فهرست امید و اصولگرایان اختصاص دارد زیرا اغلب رأی‌دهندگان احتمال واقع‌بینانه‌ای برای پیروزی دیگر داوطلبان قائل نبوده‌اند و ترجیح داده‌اند تا با رأی دادن به اعضای یکی از این دو فهرست بر نتیجه انتخابات اثرگذار باشند. در چنین شرایطی، فهرستی که بیشترین رأی ممکن را از میان سایر داوطلبین داشته باشد، قاعدتا فهرستی شامل ۳۰ نفر سوم است که می‌بینیم حتی این فهرست نیز ۱,۳۴ درصد از آراء را به خود اختصاص داده است. لذا با این نتایج هیچ ترکیبی از دیگر داوطلبین خارج از دو فهرست امید و اصولگرایان در این انتخابات نمی‌توانست سهمیه‌ای بیش از ۰,۴ کسب کند.

با در نظر داشتن این آمار، در صورت عدم وجود نصاب ۵ درصد برای فهرست‌ها، ابتدا به هر یک از فهرست‌های امید و اصولگرایان به ترتیب ۱۷ و ۱۰ کرسی اختصاص داده شده و سپس به ترتیب اعشار بزرگ‌تر، ابتدا به فهرست اصولگرایان، سپس فهرست امید و در نهایت فهرست ۳۰ نفر سوم هر کدام یک کرسی اختصاص داده می‌شود تا در نهایت فهرست امید ۱۸ کرسی، اصولگرایان ۱۱ کرسی و ۳۰ نفر سوم یک کرسی برنده شوند. از هر فهرست به ترتیب افراد دارای بیشترین رأی فردی به تعداد کرسی‌های اختصاص‌یافته به فهرست راهی می‌شوند.

اما در صورت وجود نصاب ۵ درصد، تنها فهرست‌هایی که دارای این نصاب باشند فهرست‌های امید و اصولگرایان خواهد بود. در نتیجه آراء سایر داوطلبان حذف شده و سهمیه این دو فهرست مجدداً با تقسیم آراء هر یک به مجموع آراء دو فهرست و ضرب کردن آن در تعداد کرسی‌ها محاسبه می‌شود که به ترتیب برای فهرست امید ۱۸,۵۸ و برای فهرست اصولگرایان ۱۱,۴۲ خواهد بود که در نتیجه آن ۱۹ کرسی به فهرست امید و ۱۱ کرسی به فهرست اصولگرایان اختصاص خواهد یافت.

لذا می‌بینیم که با استفاده از نظام تناسبی در انتخابات ۹۴، توزیع عادلانه‌تری از کرسی‌ها بین دو فهرست امید و اصولگرایان انجام می‌شد. در حالی که در این انتخابات هر ۳۰ کرسی به فهرست امید تخصیص یافت و حدود ۴۲ درصد از آراء که به داوطلبان دیگر فهرست‌ها اختصاص یافته بود هیچ تأثیری در خروجی انتخابات نداشته و تبدیل به آراء سوخته یا محذوف شد.

مجدداً بایستی این نکته را مد نظر داشت که در صورت برقراری نظام تناسبی برای انتخابات، قاعدتاً نه تهیه فهرست‌ها و نه الگوی مشارکت مردم به این شیوه خواهد بود و به مرور زمان تغییرات جدی خواهد کرد. احزاب و جریان‌های سیاسی که احساس می‌کنند از ائتلاف‌هایی که منجر به ایجاد فهرست‌های مشترک ۳۰ نفره می‌شود به اندازه کافی رضایت نداشته و سود نمی‌برند، اقدام به ایجاد فهرست‌های خود می‌کنند و امکان ظهور

جریان‌های سیاسی جدید وجود خواهد داشت. مردم نیز نسبت به رأی دادن به فهرست‌های احزاب و جریان‌های سیاسی که لزوماً شانس‌های اول یا دوم پیروزی در انتخابات نیستند اقبال بیشتری نشان خواهند داد.

منابع

- ACE Project. (2023). Albania: Ballot Paper for Parliamentary elections (1997). Retrieved January 5, 2023, from ACE Electoral Knowledge Network website: https://aceproject.org/en/regions/europe/AL/TN_doc1.jpg/view
- African Elections Database. (2012). Elections in South Africa. Retrieved January 6, 2023, from African Elections Database website: https://africanelections.tripod.com/za.html#1994_National_Assembly_Election
- Bormann, N.-C., & Golder, M. (2013). Democratic electoral systems around the world, 1946–2011. *Electoral Studies*, 32(2), 360–369.
- Carnegie Europe. (2015). How Turkey's Parliamentary Elections Work. Retrieved January 7, 2023, from Carnegie Europe website: <https://carnegieeurope.eu/2015/10/26/how-turkey-s-parliamentary-elections-work-pub-61744>
- Chughtai, A. (2018). Pakistan elections 2018: How voting works. Retrieved January 7, 2023, from Aljazeera website: <https://www.aljazeera.com/news/2018/7/17/pakistan-elections-2018-how-voting-works>
- Duverger, M. (1954). *Political parties: Their organization and activity in the modern state*. New York: Wiley.
- Elklit, J., Birte Pade, A., & Nyholm Miller, N. (2011). *The Parliamentary Electoral System in Denmark*. Copenhagen: Ministry of the Interior and Health and The Danish Parliament.
- Fair Vote Canada. (2023). What is proportional representation. Retrieved January 6, 2023, from Fair Vote Canada website: <https://www.fairvote.ca/what-is-proportional-representation/>
- Gallagher, M. (1992). Comparing proportional representation electoral systems: Quotas, thresholds, paradoxes and majorities. *British Journal of Political Science*, 22(4), 469–496.
- Gallagher, M. (2017). Elections and referendums. In C. Daniele, *Comparative politics*. Oxford University Press.
- Green, A. (2017, September 22). A Guide to the New Zealand election and the MMP electoral system. *ABC News*. Retrieved from <https://www.abc.net.au/news/2017-09-22/new-zealand-election-guide/8967298>

- Grofman, B. N., & Davidson, C. (2011). *Controversies in minority voting: The Voting Rights Act in perspective*. Brookings Institution Press.
- Horowitz, D. L. (2003). Electoral systems: A primer for decision makers. *Journal of Democracy*, 14(4), 115–127.
- IDEA. (2023). Electoral System Design Database. Retrieved January 2, 2023, from International Institute for Democracy and Electoral Assistance website: <https://www.idea.int/data-tools/data/electoral-system-design>
- IFES. (2017). *Lebanon's 2017 Parliamentary Election Law*. International Foundation for Electoral Systems.
- IFES. (2019). Election for Panamanian National Assembly 2019. Retrieved January 7, 2023, from ElectionGuide website: <https://www.electionguide.org/elections/id/3222/>
- IFES. (2021). Election for Kazakhstan Parliament 2021. Retrieved January 7, 2023, from ElectionGuide website: <https://www.electionguide.org/elections/id/3278/>
- Katz, R. S. (1997). *Democracy and elections*. Oxford University Press on Demand.
- Lijphart, A. (1994). *Electoral systems and party systems: A study of twenty-seven democracies, 1945-1990*.
- Lijphart, A. (1999). *Patterns of democracy: Government forms and performance in thirty-six countries*. Yale university press.
- Lijphart, A., & Grofman, B. (1984). *Choosing an electoral system*. New York: Praeger.
- Massicotte, L., & Blais, A. (1999). Mixed electoral systems: A conceptual and empirical survey. *Electoral Studies*, 18(3), 341–366.
- Muñoz-Portillo, J. M. (2013). *The rules of pork? The impact of electoral systems on legislators' behaviour in Honduras*. Dublin City University.
- Norris, P. (2004). *Electoral engineering: Voting rules and political behavior*. Cambridge university press.
- ODIHR. (1997). *Albania, Parliamentary Elections, 29 June and 6 July 1997: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/albania/13571>

- ODIHR. (2010). *Hungary, Parliamentary Elections, 11 April 2010: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/71075>
- ODIHR. (2018). *Turkmenistan, Parliamentary Elections, 25 March 2018: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/382915>
- ODIHR. (2020a). *Azerbaijan, Early Parliamentary Elections, 9 February 2020: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/azerbaijan/457585>
- ODIHR. (2020b). *Uzbekistan, Parliamentary Elections, 22 December 2019: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/uzbekistan/452170>
- ODIHR. (2021a). *Armenia, Early Parliamentary Elections, 20 June 2021: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/armenia/502386>
- ODIHR. (2021b). *Georgia, Parliamentary Elections, 31 October 2020: Final Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/georgia/480500>
- ODIHR. (2021c). *Russian Federation, State Duma Elections, 19 September 2021: Needs Assessment Mission Report*. Organization for Security and Co-operation in Europe. Retrieved from Organization for Security and Co-operation in Europe website: <https://www.osce.org/odihr/elections/russia/491066>
- Reilly, B. (2004). The global spread of preferential voting: Australian institutional imperialism? *Australian Journal of Political Science*, 39(2), 253–266.
- Reynolds, A., Reilly, B., & Ellis, A. (2004). *Electoral system design: The new international IDEA handbook*. International Institute for Democracy and Electoral Assistance.

Rosenthal, J., Shapiro, I., & Makgetla, I. (2013). *Business Leadership in South Africa's 1994 Reforms*. Yale School of Management. Retrieved from <https://cases.som.yale.edu/south-africa-reforms>

Sanders, D., Clarke, H. D., Stewart, M. C., & Whiteley, P. (2011). Simulating the effects of the alternative vote in the 2010 UK general election. *Parliamentary Affairs*, 64(1), 5–23.

Shugart, M., & Wattenberg, M. P. (2001). *Mixed-member electoral systems: The best of both worlds?* OUP Oxford.

Stewart-Jolle, V. (2021). *Iraq's electoral system: Why successive reforms fail to bring change*. Chatham House. Retrieved from Chatham House website: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/2021-10/2021-10-05-Iraq%27s-electoral-system-stewart-jolley-pdf.pdf>

Wikipedia. (2022a). 1996 New Zealand general election. In *Wikipedia*. Retrieved from https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=1996_New_Zealand_general_election&oldid=1122666396

Wikipedia. (2022b). 2002 Turkish general election. In *Wikipedia*. Retrieved from https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=2002_Turkish_general_election&oldid=1130124322

Wikipedia. (2022c). Single non-transferable vote. In *Wikipedia*. Retrieved from https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Single_non-transferable_vote&oldid=1123000938

پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۳۹۸). *اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان. Retrieved from <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=3/N9I4QKIRO=&TN=t8UfZQEEXsEgniSHDaujtlIlgADAmkc&NF=bHilRfspeW0=>

دلفروز، م. (۱۳۹۳). *شاخص های نظام حزبی مطلوب و وضعیت کنونی احزاب در جمهوری اسلامی ایران*. (No. ۱۳۶۹۳). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/888543>

شورای نگهبان. (۱۳۹۸). *نظر نهایی شورای نگهبان درباره طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی*. Retrieved from <http://nazarat.shora->

rc.ir/Forms/FileLoad.aspx?id=215gLQs6Xrw=&TN=I7tLyhyOobj0SooAFUE3m5rC3iufWLR1csaqpt/F9Oo

=&NF=bHiIRfspeW0=

عزیزی. (۱۴۰۱). بررسی تغییر ساختار سیاسی ایران از سنترالیسم (تمرکزگرایی) به فدرالیسم. *جغرافیا و روابط انسانی*, ۴ (۴), ۵۵۴-۵۲۲.

علی حسینی & ابراهیمی. (۱۳۹۲). چرایی نوسان بین الگوهای نیمه ریاستی، نیمه پارلمانی و پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش های*

سیاست اسلامی, ۳ (۱), ۳۷-۶۶.

مجلس شورای اسلامی. *طرح اصلاح جدول حوزه های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها*, ۱۴۰۱.

مجلس شورای اسلامی. *قانون اصلاح جدول قانون تعیین محدوده حوزه های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی*, ۱۳۹۵.

مجلس شورای اسلامی. *قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی*. § صفحه نخست (۱۳۹۸). پایگاه اطلاع رسانی شورای نگهبان-shora -

gc.ir. (World).

میراحمدی, ف. (۱۳۹۹). *بررسی نسبت جمعیت حوزه های انتخابیه به تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی براساس سرشماری ۱۳۹۵*

(No. ۱۷۲۷۴). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. Retrieved from مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

website: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1631365>

نژادخلیلی, م. (۱۳۹۷). *آثار و نتایج نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر حدنصاب های اکثریتی معمول در ده دوره انتخاباتی* (No.

۱۶۲۰۳). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. Retrieved from مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

website: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1093685>